

سلسله گزارش‌های مسئله‌شناسی و ایده‌پروری شماره (۵)

مالیات بر تراکنش بانکی



مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری
گروه پژوهشی آینده‌نگری و فناوری‌های نو
مجموعه گزارش شماره ۳۸۰

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شناسه گزارش

عنوان	مالیات بر تراکنش بانکی
کد شناسه	۱۴۰۱-۱۱-۱۰۴۲۳
گروه پژوهشی	آینده‌نگری و فناوری‌های نو
ایده‌پرداز	پویا ابوالحسنی
تیم ایده‌پروری	حمید محمدی- یدالله دیوسالار- محدثه بشیر مشهدی- گل نساء صلواتی
ناظر علمی	حمید محمدی
ناشر	مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری
تاریخ انتشار	پاییز ۱۴۰۱
مطالب این گزارش لزوماً بیانگر نظر رسمی سازمان برنامه و بودجه کشور و مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری نیست.	
حقوق معنوی اثر به پدیدآورندگان و حقوق مادی آن، به مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری سازمان برنامه و بودجه کشور تعلق دارد و استفاده از آن با ذکر مأخذ بلامانع است.	
آدرس: تهران - خیابان نجات‌اللہی - خیابان استاد جعفر شهری (سپند شرقی) - پلاک ۱۶ شماره تماس: ۰۲۱-۴۳۳۰۶۰۰۰ پیام‌رسان: ۰۹۹۲۱۵۷۵۸۴۳	
https://www.dfrc.ir/	

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
خلاصه مدیریتی.....	أ
مقدمه	۱
۱- مبانی نظری	۳
۱-۱- مالیات و انواع آن.....	۳
۱-۲- انواع مالیات جدید	۳
۱-۳- مفهوم مالیات بر تراکنش‌های بانکی.....	۵
۱-۳-۱- گردش بانکی و حساب‌های بانکی مشمول مالیات.....	۶
۱-۳-۲- بخشنامه گردش حساب بانکی	۷
۱-۳-۳- نحوه بررسی تراکنش‌های بانکی	۷
۱-۴- شرایط اخذ مالیات تراکنش‌های بانکی	۸
۱-۵- نحوه محاسبه مالیات تراکنش بانکی	۹
۱-۵-۱- ابعاد تراکنش‌های بانکی جهت تشخیص مالیات.....	۱۰
۱-۶- ماهیت حقوقی.....	۱۰
۱-۶-۱- بررسی تراکنش‌های بانکی از نظر شکلی	۱۰
۱-۶-۲- بررسی تراکنش‌های بانکی از نظر منشأ (محتوا).....	۱۲
۱-۷- مبانی حقوق	۱۴
۱-۷-۱- مبانی حقوقی صلاحیت دسترسی به تراکنش‌های بانکی.....	۱۴
۱-۷-۲- مبانی حقوقی صلاحیت تشخیص مالیات بر اساس تراکنش‌های بانکی.....	۱۶
۱-۸- ضوابط حقوقی.....	۲۰
۱-۸-۱- وجود دلایل متقن و رعایت ضوابط کیفی در حسابرسی مالیاتی.....	۲۰
۱-۸-۲- ضوابط تشخیص مالیات بر اساس تراکنش‌های نامشخص.....	۲۱
۱-۸-۳- سایر ضوابط در حسابرسی مالیاتی	۲۲
۱-۹- علائم مربوط به معاملات نقدی	۲۲
۱-۱۰- علائم مربوط به حساب‌های سپرده	۲۳
۱-۱۱- علائم کلی	۲۴
۲- تأثیر مالیات بر تراکنش‌های بانکی در اقتصاد.....	۳۱
۲-۱- تأثیر مالیات بر تراکنش‌های بانکی بر بخش واقعی	۳۱
۲-۲- تأثیر مالیات بر تراکنش‌های بانکی بر بخش مالی و ساختار تراکنش‌ها.....	۳۲
۲-۳- بهره‌وری مالیات بر تراکنش‌های بانکی و درآمد دولت‌ها.....	۳۲
۲-۴- مالیات بر تراکنش‌های بانکی از دید برابری و اصابت مالیاتی	۳۴
۳- مشروح نشست هم‌اندیشی	۳۷
۴- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری	۶۵
منابع	۶۸

فهرست جداول

صفحه	عنوان
۲۵	جدول ۱: نرخ مالیات بر تراکنش‌های بانکی در آرژانتین
۲۶	جدول ۲: نرخ مالیات بر تراکنش‌های بانکی در برزیل
۲۷	جدول ۳: نرخ مالیات بر تراکنش‌های بانکی در کلمبیا
۲۷	جدول ۴: نرخ مالیات بر تراکنش‌های بانکی در ونزوئلا
۲۸	جدول ۵: نرخ مالیات بر تراکنش‌های بانکی در اکوادور
۲۹	جدول ۶: نرخ مالیات بر تراکنش‌های بانکی در پرو
۳۰	جدول ۷: خلاصه‌ای از مالیات بر تراکنش در کشورهای مورد مطالعه
۴۴	جدول ۸: آمار مبلغ تراکنش‌های شبکه بانکی کشور در ۱۲ ماهه سال ۱۴۰۰
۴۷	جدول ۹: تحلیل ذی‌نفعان اجرای طرح

فهرست نمودارها

صفحه	عنوان
۳۸	نمودار ۱: روند انواع مالیات‌ها طی دو دهه اخیر بین سال‌های ۱۴۰۰-۱۳۸۱
۳۹	نمودار ۲: مقایسه بین نرخ تورم مصرف‌کننده، مسکن و نرخ رشد مالیات‌های وصولی
۴۱	نمودار ۳: اهداف طرح پیشنهادی
۴۲	نمودار ۴: مالیات‌ستانی در کشورهای عضو OECD
۴۳	نمودار ۵: مقایسه نظام مالیاتی تولیدمحور و سوداگرمحور
۴۵	نمودار ۶: مقایسه ترکیب اقسام مالیات بر اساس عملکرد مالیاتی کل کشور و قانون بودجه ۱۴۰۰
۵۷	نمودار ۷: هزینه خانوار و مالیات بر تراکنش‌های بانکی

خلاصه مدیریتی

اصلاح نظام مالیاتی یکی از مطالبات اصلی کشور و مسئولین ارشد نظام بوده است. سال ۱۳۹۹ مقام معظم رهبری به یکی از مؤلفه‌هایی که اصلاح نظام مالیاتی بوده است، اشاره کرده و خطاب به هیئت دولت فرمودند: «بعضی کارهای اساسی را که در دولت شما ممکن است جواب ندهد، برای دولت بعد به یادگار بگذارید؛ بگذارید با نام نیک و با تشکر از شما یاد بشود در دولت‌های بعدی. مثلاً فرض کنید اصلاح ساختار بودجه؛ این کار بلندمدتی است، کار مهمی است؛ یا اصلاح نظام بانکی، اصلاح نظام مالیاتی یا اصلاح قانون اجرای سیاست‌های اصل ۴۴؛ این‌ها کارهای ماندگار است، کارهای اساسی است که برای بعد باقی می‌ماند».

با بررسی نظام مالیاتی کشور مشاهده می‌شود که نظام مالیاتی در اقتصاد ایران، کارکرد تنظیمی خود را از دست داده است، به طوری که از افراد حقیقی و حقوقی دارای فعالیت‌های شفاف و غالباً مولد، به صورت اختلال‌زا مالیات کسب می‌شود؛ اما رانت‌ها و درآمد ناشی از فعالیت‌های نامولد به دلیل وجود ضعف در بدنه آماری از پرداخت مالیات در نظام مالیاتی فعلی مصون هستند.

با مقایسه بین نرخ تورم مصرف‌کننده، قیمت مسکن و نرخ رشد مالیات‌های وصولی مشاهده می‌شود شاخص قیمت‌های مصرف‌کننده در طی ۲۰ سال اخیر، ۴۶٫۷ برابر شده اما مالیات از مستغلات، ۴۵٫۶ برابر شده است. در صورتی که میزان مالیات دریافتی از کارکنان بخش خصوصی و بخش عمومی به ترتیب بیش از ۱۱۰ و ۹۲ برابر شده است. این موضوع نشان‌دهنده آن است که سازمان امور مالیاتی کشور تلاش مؤثری برای شناسایی مالیاتی در این دو پایه مالیات (مالیات بر درآمد مستغلات و درآمد مشاغل) نکرده و تمرکز بیشتر بر مالیات‌ستانی از کارمندان، مصرف‌کنندگان و شرکت‌های تولیدی داشته است.

یکی از چالش برانگیزترین مسائل پیش روی مؤدیان مالیاتی در نظام مالیات بر ارزش افزوده، تأخیر در استرداد مالیات بر ارزش افزوده به آن‌ها است. این امر منجر به معکوس عمل کردن مکانیسم اعتبار مالیاتی خواهد شد. بدین ترتیب که مالیات بر مصرف به مالیات بر تولید یا مالیات بر صادرات مبدل می‌شود. در نتیجه افزایش فشارهای مالی ناشی از مالیات بر ارزش افزوده شرایط سرمایه‌گذاری را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. به دلیل کشش قیمتی بالای کالای ایرانی، تولیدکننده نهایی جهت فروش محصولات خود در اغلب اوقات نمی‌تواند مالیات بر ارزش افزوده را بر قیمت نهایی محصول خود اضافه کند که این امر منجر به عدم بازپس‌گیری مالیات داده شده توسط تولیدکننده از زنجیره بعدی خود می‌گردد. با توجه به موارد فوق، این ایده به تدقیق نظام مالیات‌ستانی کشور پرداخته است. طبق بررسی‌های ایده‌دهندگان برای توسعه عدالت و بهبود کارکرد تنظیمی نظام مالیاتی، باید سهم مالیات بر درآمد و عایدی سرمایه به ۴۵ درصد افزایش یابد و جهت رونق فعالیت‌های ارزش‌آفرین، مالیات بر درآمد شرکت‌ها تنها به درآمد حاصل از عایدی سرمایه آنان محدود گردد و همچنین برای کاهش

هزینه‌های تولید و کاهش قیمت محصولات جهت حمایت از دو سمت عرضه و تقاضای اقتصاد باید مالیات بر تراکنش‌های بانکی با نرخ حداقلی، جایگزینی برای مالیات بر ارزش افزوده گردد.

با بررسی آمارهای عملکرد بانک مرکزی در حوزه مبلغ تراکنش‌ها، مجموع تراکنش‌های شبکه شاپرک، خودپردازها و پایانه شعب در سال ۱۴۰۰ حدود ۱۳۳۷۵ هزار میلیارد تومان بوده است. با فرض ۱ درصد مالیات بر تراکنش‌های بانکی، عایدی حاصل از اجرای این سیاست عددی حدود ۱۳۳,۷ هزار میلیارد تومان است.

با توجه به مطالبه مطرح شده در ایده مذکور، مالیات بر تراکنش‌های بانکی به عنوان جایگزینی بر مالیات و خدمات باعث افزایش درآمد دولت، کاهش قیمت کالاهای با مراحل تولید کم همچون اقلام خوراکی و افزایش تقاضا برای این نوع محصولات به دلیل افزایش قدرت خرید مردم و آزاد شدن بخش عمده‌ای از نیروی سازمان امور مالیاتی به دلیل حذف پایه مالیات بر کالا و خدمات می‌شود و در فاز دوم برای جلوگیری بار مالیاتی بنگاه‌های تولیدی و افزایش درآمدهای دولت، ایجاد سامانه‌های شناسایی برای وصول مالیات بر خانه‌های خالی و مالیات بر درآمد و عایدی سرمایه تا دو سال آینده باید در دستور کار سازمان امور مالیاتی قرار گیرد که این موضوع باعث جلوگیری از هجوم نقدینگی و اعتبار به سمت سوداگری و جهت‌دهی نقدینگی از سمت فعالیت‌های نامولد به سمت فعالیت‌های مولد می‌شود.

در ادامه برای تشویق و ترغیب جامعه جهت پیروی از این نظام مالیاتی، ضمانت اجرای طرح به صورت زیر پیشنهاد شده است:

- لحاظ امتیاز مالیاتی در شاخص‌های اعتبارسنجی شبکه مالی کشور برای تخصیص تسهیلات و خدمات.
- ایجاد وابستگی بین نرخ بهره تسهیلات اعطایی و نمره اعتباری افراد.
- تبدیل پرونده‌های مالیاتی به سندی برای شناسایی میزان درآمد اشخاص حقیقی و حقوقی در شبکه بانک.

زمان برگزاری و اعضای حاضر در جلسه

به منظور انجام مأموریت‌های محوله به گروه آینده‌نگری و فناوری‌های نو و همچنین ارزیابی پیشنهادهای ایده‌ها و طرح‌ها در جهت توسعه کشور، طرح اصلاح نظام مالیاتی به عنوان پنجمین ایده از مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری به این مرکز ارجاع داده شده است. نشست هم‌اندیشی این ایده در روز چهارشنبه مورخ ۹ شهریورماه ۱۴۰۱، از ساعت ۱۴ تا ۱۷ به صورت حضوری/ مجازی در سالن جلسات طبقه هشتم این مرکز با حضور کارشناسان و خبرگان زیر برگزار شد که به نقد و بررسی ایده مذکور پرداختند.

- سید مهدی پاک‌ذات، ریاست مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری
- پویا ابوالحسنی، پژوهشگر حوزه اقتصاد و عضو اندیشکده سرآمد مرکز پژوهشی آرا
- سامان ملک‌پور، پژوهشگر حوزه اقتصاد و عضو اندیشکده سرآمد مرکز پژوهشی آرا
- سعید غلامی نتاج امیری، مدیرکل دفتر خدمات پژوهشی و کاربست یافته‌های پژوهشی مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری
- حمید محمدی، رئیس گروه پژوهشی آینده‌نگری و فناوری‌های نو مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری
- غلامرضا گرابی‌نژاد، رئیس گروه پژوهشی امور بخشی و محیط‌زیست مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری
- علی‌اکبر عرب‌مازار، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی و صاحب‌نظر در حوزه مالیات
- محمدرضا میرزائی‌نژاد، نماینده امور اقتصاد کلان سازمان برنامه و بودجه
- احمد زمانی، نماینده اتاق اصناف ایران
- امیراحمد مهدیان راد، نماینده سازمان امور مالیاتی
- حمیدرضا معبودی، صاحب‌نظر در حوزه مالیات
- حسین عبداللهی، عضو هیئت علمی دانشگاه شاهد و صاحب‌نظر در حوزه حقوق مالیاتی
- علی عبداللهی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- علی‌اکبر خسروی‌نژاد، پژوهشگر مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری
- یدالله دیوسالار، پژوهشگر مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری
- گل‌نساء صلواتی، پژوهشگر مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری

- محدثه بشیرمشهدی، پژوهشگر مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری
- یونس تیموری، عضو هیئت علمی مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری
- رضوان استادعلی، پژوهشگر مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری

مقدمه

در اقتصاد کشورها، سهم مالیات از کل درآمدهای عمومی کشور متفاوت بوده و بستگی به سطح توسعه‌یافتگی و ساختار اقتصادی کشورها دارد. در کشور ما نیز در سالیان اخیر به واسطه شرایط بین‌المللی و عزم جدی دولت بر وابستگی هرچه کمتر به منابع درآمدی حاصل از فروش نفت، سهم مالیات از درآمدهای کشور رشد روزافزونی پیدا کرده و در حال حاضر درصد قابل توجهی از درآمدهای دولت از محل مالیات تأمین می‌شود (سنایی‌پور، ۱۳۹۹). دولت‌ها برای تأمین هزینه‌های خود نیاز به منابع مالی دارند. یکی از مهم‌ترین و سالم‌ترین منابع درآمدی دولت، درآمدهای مالیاتی است. در کشورهایی مانند کشور ایران که از منابع نفتی بهره‌مند هستند معمولاً استفاده از این منابع بیشتر از مالیات مورد توجه است؛ بنابراین این کشورها همواره در سیستم مالیاتی خود با مشکلاتی روبه‌رو بوده‌اند. یکی از مهم‌ترین این مشکلات پدیده‌ای به نام فرار مالیاتی است که هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی خاصی مانند محدود کردن ظرفیت اقتصادی دولت، ایجاد نابرابری اقتصادی و اخلال در سیاست کلان دولت را در پی دارد. بنابراین برقراری عدالت مالیاتی در کشور با دریافت مالیات واقعی از مؤدیان، ممانعت از فرار مالیاتی و اثرات منفی آن از اهداف درآمدی و توانایی دولت در تدارک کالا و خدمات، جایگزینی درآمد مالیاتی به جای درآمد نفتی در شرایط تحریم است (صیادی سومار، ۱۳۹۷). یکی از راه‌های جلوگیری از فرار مالیاتی و تأمین مالیات مورد نظر دولت در سال‌های اخیر، استفاده از پارامترهای حساب‌های بانکی مؤدیان مالیاتی است.

پدیده فرار مالیاتی فرایند پیچیده‌ای است که عموماً از قلمرو یک کشور فراتر می‌رود و عواید و وجوه غیرقانونی حاصل از آن با گذر از سرزمین‌های متفاوت از طریق مؤسسات مالی یا دیگر واسطه‌های مربوط و یا از راه اجرای عملیات متعدد بانکی، قانونی جلوه می‌کند. فرار مالیاتی، نقض اصول اخلاقی و سست‌بنیان شدن ارزش‌های اجتماعی را به همراه دارد و حتی به پایه‌های آزادی و دموکراسی در کشورها خلل وارد می‌کند؛ زیرا بخشی از عواید آن صرف پرداخت رشوه به اشخاص می‌شود. در کشوری مانند ایران که بخشی از معاملات آن به صورت نقدی مورد استفاده قرار می‌گیرد و یا در صورت لزوم در بانک‌ها و مؤسسات مالی، سپرده‌گذاری می‌شود، برعکس کشورهایی که در آن‌ها معاملات نقدی متداول نیست، انجام فرار مالیاتی به مراتب دشوارتر است. به همین دلیل افراد با شخصیت حقوقی (تجاری و غیرتجاری) اقدام به این عمل می‌کنند. شایان ذکر است که برای اشخاص حقوقی، عمدتاً در حوزه‌های قضایی و مناطق (آزاد و ویژه) کشورهایی که مقررات به نسبت آسانی درباره تأسیس و ثبت شرکت‌ها دارند، امکان‌پذیر است (محمدی و کاظمی فرد، ۱۳۹۳).

به‌رغم پیشرفت فن‌آوری و توجه افراد به نهادهای موازی و مؤسسات مالی غیربانکی، کماکان بانک‌ها از جمله مؤسساتی هستند که برای قانونی جلوه دادن عایدی‌های حاصل از فرار مالیاتی از آن‌ها استفاده می‌شود (چالی، ۲۰۱۸)؛ زیرا ساختار و حجم بالای تراکنش بانکی برای فراریان از پرداخت مالیات مناسب و از همه جهت با اهداف آن‌ها منطبق است. برای مثال، افراد می‌خواهند عایدی‌های حاصله در محل امنی نگهداری شود و افزون بر آن، به این منابع نیز سود تعلق گیرد و با فعل و انفعالی که از طریق عملیات بانکی بر روی آن انجام می‌شود، مالکیت و منشأ آن هم پنهان بماند. بدین ترتیب نقش مؤسسات مالی، به‌ویژه بانک‌ها در مبارزه با کشف حساب‌های مشکوک بسیار کلیدی است (فرخیان، ۱۳۹۸).

۱- مبانی نظری

۱-۱- مالیات و انواع آن

ابتدا باید درباره مالیات، انواع آن، پولشویی و مستندسازی^۱ بانکی برای فرار مالیاتی و نامه شماره ۴۲۶۳۵۱/۹۸ مبنی بر شفافسازی تراکنش‌های بانکی، ابلاغ شده توسط مدیریت کل مقررات مجوزهای بانکی و مبارزه با پولشویی اداره مطالعات و مقررات بانکی، کمی توضیح داده و پس از آن، به این پرسش‌ها پاسخ داده شود که مالیات تراکنش‌های بانکی چیست و نحوه پرداخت آن چگونه است؟ مالیات، بخشی از درآمد دولت‌ها بوده که افراد مشمول به موجب این قانون، پس از خوداظهاری مالیاتی، آن را پرداخت می‌کنند. به عبارت دیگر، مالیات بخشی از درآمد یا دارایی افراد مشمول پرداخت آن است که پس از دریافت کد رهگیری مالیاتی، از طریق سامانه‌های مخصوص به حساب دولت واریز می‌شود. مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم، از انواع مالیات بوده که خود نیز دارای زیرمجموعه‌ها و انواع مختلفی هستند.

مالیات بر درآمد، مالیات بر عملکرد، مالیات بر حقوق، مالیات بر دارایی‌هایی مانند خودرو، ارث، طلا، سکه و ملک، از انواع مالیات‌های مستقیم هستند و همان‌طور که از اسم آن مشخص است، مستقیماً از درآمد و دارایی افراد اخذ می‌شوند. مالیات بر کالاها و خدمات مصرفی که غیرمستقیم از مصرف‌کنندگان آن‌ها دریافت می‌شود و بر روی قیمت کالا و خدمات لحاظ شده نیز، مالیات غیرمستقیم است (محمدی و کاظمی فرد، ۱۳۹۳).

۱-۲- انواع مالیات جدید

انواع مالیات جدید عبارت‌اند از حساب شخصی یا تجاری، کارت به کارت، سپرده‌های بانکی، سیگار و نوشابه، خانه‌های خالی، دستگاه‌های کارتخوان، خرید و فروش ارز و خودروهای لوکس که در ادامه به توضیح آنها پرداخته می‌شود.

- حساب شخصی یا تجاری

حساب‌های بانکی تجاری همواره توسط مؤدیان مالیاتی بررسی می‌شوند تا مالیات شرکت‌ها و دفاتر تجاری با تقریب درست‌تری محاسبه شوند؛ اما یکی از راه‌های فرار مالیاتی، استفاده از حساب‌های شخصی به جای تجاری است. به همین منظور در سال ۱۴۰۰، سقف مشخصی برای انتقال پول در حساب‌های بانکی شخصی مجاز اعلام شد و در صورت انتقال بالاتر از مبلغ ۲۰۰ میلیون تومان، نیاز به ارائه سند وجود داشت. از سال ۱۴۰۱ هم تفکیک حساب‌های تجاری و شخصی توسط سازمان امور مالیاتی انجام می‌شود. اگر حساب بانکی فردی حاوی تراکنش‌های با مبالغ بالا و بدون سند برای انتقال آن وجه باشد، برای بررسی دقیق‌تر سازمان امور

1. Documentation

مالیاتی آن حساب بانکی را بررسی خواهد کرد. طبیعتاً در صورت مشخص شدن خطا، جریمه در انتظار فرد خاطی است.

– مالیات جدید کارت به کارت

بسیاری از مشاغل مانند پزشکان، مشاوران املاک و... که درآمد بالایی هم دارند، از مشتریان خود می‌خواهند به جای پرداخت وجه از طریق دستگاه کارت‌خوان که مبنای محاسبه مالیات است، اقدام به پرداخت نقدی پول یا کارت به کارت بانکی کنند. سازمان امور مالیاتی پیشنهاد داده تا اگر کارت بانکی یک فرد بیش از ۴۵ مورد واریز داشته باشد، به عنوان مورد مشکوک مورد بررسی دقیق قرار بگیرد. هرچند برای جلوگیری از فرار مالیاتی ایده بدی نیست؛ اما هنوز در حد یک پیشنهاد است.

– مالیات سپرده‌های بانکی

با اینکه در یکی از احکام پیش‌نویس لایحه بودجه پیشنهاد شده بود از سود حساب‌های سپرده بانکی مردم مالیات ۱۰ درصدی گرفته شود؛ اما سازمان امور مالیاتی با این پیشنهاد مخالفت کرده است. طبق بند ۲ ماده ۱۴۵ قانون مالیات‌های مستقیم، سود سپرده‌های بانکی افراد از پرداخت مالیات معاف است.

– مالیات جدید سیگار و نوشابه

در سال ۱۴۰۱ قرار شد مالیات ۷۰ درصدی روی سیگارهای وارداتی گرفته شود. البته سال ۱۴۰۰ هم مالیات ۶۵ درصدی بابت خرید هر پاکت سیگار از مصرف‌کنندگان گرفته می‌شد. مالیات انواع نوشابه‌های گازدار و بدون گاز وارداتی هم برای سال ۱۴۰۱، ۳۶ درصد پیش‌بینی شده بود.

– مالیات خانه‌های خالی

پیش‌بینی سازمان امور مالیاتی این است که در کشور حدود یک‌میلیون و ۱۶۰ هزار خانه خالی وجود دارد. خانه‌هایی که قرار است از سال ۱۴۰۱ مالیات از صاحبان آن‌ها گرفته شود؛ اما طبق قانون، کدام خانه‌ها مشمول مالیات محسوب می‌شوند:

– اگر خانه بیش از ۴ ماه خالی از سکنه باشد.

– در صورتی که بیش از یک سال از صدور پایان کار ملک گذشته باشد؛ اما هنوز کسی ساکن آن نشده باشد.

– اگر خانه خالی در شهر با جمعیت بالای صد هزار نفر قرار داشته باشد (خانه‌های واقع شده در روستا یا شهرهای کوچک مشمول دریافت مالیات نمی‌شوند).

– مالیات دستگاه‌های کارت‌خوان

در حال حاضر قانونی برای گرفتن مالیات از دستگاه‌های کارت‌خوان وجود ندارد؛ یعنی هیچ‌کس به صرف این‌که دستگاه کارت‌خوان دارد، مشمول مالیات نخواهد شد؛ اما در اواخر سال ۱۴۰۰ تمام مالکان دستگاه‌های پوز یا کارت‌خوان مکلف شدند تا بعد از ثبت‌نام در سامانه عملیات الکترونیک اداره مالیات، کد مالیاتی بگیرند. دلیل این کار هم مشخص نبودن حوزه فعالیت صدها هزار دستگاهی بود که در دست مردم وجود داشت. یکی از راه‌های گرفتن مالیات از صاحبان دستگاه‌های بلا تکلیف که فعالیت شغلی خود را ثبت نکرده‌اند؛ اما تراکنش بالایی هم در دستگاه پوز خود دارند، نظارت بر آن‌ها بود. برای همین هم همه مالکان این دستگاه‌ها باید در سامانه عملیات الکترونیکی امور مالیاتی ثبت‌نام کرده باشند و در صورتی که تراکنش زیادی انجام دهند، باید مالیات قانونی خود را پرداخت کنند.

– مالیات جدید در خرید و فروش ارز

واردات ارز به کشور با هر عنوانی معاف از مالیات است؛ اما اگر از طریق صرافی‌های داخل کشور یا سایت بانک مرکزی اقدام به خرید و فروش ارز کنند، معامله‌گران باید ۱۰ درصد مبلغ معامله را به عنوان مالیات بپردازند.

– مالیات خودروهای لوکس

تاکنون حدود ۵۷۰ هزار خودروی لوکس در داخل ایران شناسایی شده که مشمول گرفتن مالیات محسوب می‌شوند. خودروهایی که تا یک میلیارد تومان ارزش دارند، معاف از مالیات هستند؛ اما ماشین‌های لوکس گران‌قیمت‌تر از یک درصد تا چهار درصد ارزش واقعی نسبت به مازاد یک میلیارد تومان باید مالیات پرداخت کنند (گزارش امور مالیاتی، ۱۴۰۱).

۱-۳ – مفهوم مالیات بر تراکنش‌های بانکی

مالیات تراکنش‌های بانکی همچون مالیات سود سپرده بانکی، نوعی مالیات مستقیم و از نوع مالیات عملکرد است که در صورت داشتن تراکنش‌های بیش از سقف مجاز مورد نظر قانون‌گذار، باید توسط فردی که تراکنش‌ها به نام او بوده و با کد ملی او به سازمان امور مالیاتی اعلام شده، پرداخت گردد (رمضانی و همکاران، ۱۳۹۲).

از سال ۲۰۰۹ تاکنون که گروه G-20^۱ پایان عصر رازداری بانکی را اعلام کردند (در کنار کاهش هرچه بیشتر محدودیت‌های داخلی برای دسترسی نهادهای مالیاتی به اطلاعات بانکی)، کشورهای زیادی در تلاش‌اند تا بسترهای حقوقی لازم جهت انواع تبادل اطلاعات بانکی با هدف بهره‌برداری مالیاتی را نیز فراهم کنند (O'Reilly, 2019). اساساً نقش بررسی تراکنش‌های بانکی در مبارزه با پولشویی، راستی‌آزمایی اسناد و مدارک مالی مؤدیان، شناسایی و پیشگیری از جرائم مالیاتی غیر قابل کتمان است و همچنین اثر این موضوع در حسابرسی مبتنی بر ریسک نیز قابل توجه است.

در نظام حقوقی ایران، افشای اطلاعات بانکی در ابتدا منحصر به ارائه نهادهایی چون: محاکم قضایی (ماده ۲۱۲ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی) و دیوان محاسبات (مواد ۲ و ۴۲ قانون دیوان محاسبات کشور) بود. با تصویب ماده ۲۳۱ قانون مالیات‌های مستقیم و سپس ماده ۳۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده و نهایتاً ماده ۱۶۹ مکرر قانون مالیات‌های مستقیم، ایجاد و گسترش دسترسی به اطلاعات تراکنش بانکی توسط سازمان امور مالیاتی صورت گرفت. می‌توان گفت به موازات گسترش حقوق بانکی در ایران موضوع تشخیص مالیات بر اساس تراکنش‌های بانکی در نظام حقوق مالیاتی ایران مورد واکاوی قرار نگرفته است. دلیل این موضوع، اولاً به کم‌رنگ بودن استفاده از این ظرفیت توسط سازمان در سال‌های گذشته و رونق آن در سال‌های اخیر بازمی‌گردد. دوم، به اقتضائات حقوقی خاص هر کشور در مواجهه با افشای اطلاعات بانکی مربوط می‌شود که الگوبرداری از سایر نظام‌ها را دشوار خواهد کرد (زنگباری، ۱۳۹۴).

۱-۳-۱- گردش بانکی و حساب‌های بانکی مشمول مالیات

یکی از اهداف سازمان امور مالیاتی کشور، دریافت مالیات گردش حساب بانکی و یا مالیات تراکنش بانکی است. بر این اساس مشمولین پرداخت مالیات بر گردش حساب موظف به پر کردن اظهارنامه مالیاتی هستند و باید در زمان مقرر اظهارنامه مالیاتی را به سازمان امور مالیاتی کشور تسلیم کنند. چندی است که اصطلاح جدیدی از قانون مالیات میان مردم رایج شده است؛ این اصطلاح بین عامه مردم به مالیات بر گردش حساب‌های بانکی و بین صاحبان مشاغل و مدیران مالی با نام مالیات بر تراکنش‌های بانکی شناخته می‌شود. برخی پا را فراتر نهاده و آن را رسماً قانون مالیات بر حساب‌های بانکی نامیده‌اند و حتی به دنبال فرمول نحوه محاسبه مالیات بر گردش حساب هستند.

یکی از مواردی که در سال‌های اخیر مورد توجه سازمان مالیاتی قرار گرفته است، گردش حساب‌های بانکی است. گردش حساب در واقع ریز دقیق و با جزئیات تراکنش‌های حساب بانکی است. این که چه مبلغی از چه

۱. گروه ۲۰ به انگلیسی (G-20): یا گروه بیست اقتصاد بزرگ گروهی متشکل از وزرای اقتصاد (دارایی) و مسئولان بانک‌های مرکزی بیست اقتصاد برتر دنیا است. گروه ۲۰ متشکل از قدرتمندترین کشورهای جهان در زمینه اقتصاد است که در مجموع ۸۵ درصد کل اقتصاد جهانی و دو سوم جمعیت جهان را دربر دارند.

حسابی به حساب بانکی شخص واریز شده و یا چه مبلغی از حساب شخص برداشت شده است به همراه تاریخ و ساعت دقیق، گردش حساب بانکی تعریف می‌شود. در مقوله‌های مالیاتی منظور از گردش حساب، حساب بانکی رسمی است که برای انجام کارهای کسب‌وکار از آن استفاده می‌شود. حساب رسمی، حسابی جدا از حساب شخصی است که فقط تراکنش‌های تجاری در آن انجام می‌شود که به اداره مالیات معرفی شده است. برای مثال، سازمان امور مالیاتی برای رسیدگی به پرونده‌های مالیاتی، شاخصی را در نظر گرفته است که اشخاص دارای گردش حساب بانکی بیش از پنج میلیارد تومان به صورت خودکار در سیستم بانک مرکزی اعلام و سپس به سازمان امور مالیاتی برای دریافت اصل مالیات و رسیدگی به جرائم مالیاتی انتقال داده می‌شوند؛ بنابراین بهتر است که حساب‌ها و تراکنش‌های شخصی از حساب‌ها و تراکنش‌های تجاری جدا باشد. نکته مهم این است که در مورد افراد حقیقی، داشتن حساب‌های بانکی متعدد تأثیر مثبتی نخواهد داشت و حتی ممکن است حساسیت‌برانگیز باشد؛ زیرا مبنای گزارش حساب‌ها از طرف بانک مرکزی، کد ملی افراد است و مالیات بر اساس گردش کل حساب‌های افراد تعیین می‌شود. اگر گردش حساب بالاتر از سقف مجاز باشد، بانک از طریق پیامک و تماس اطلاع‌رسانی می‌کند و شخص حقیقی یا حقوقی باید ظرف یک ماه مستندات خود را ارائه دهد؛ در غیر این صورت، حساب مسدود می‌شود.

۱-۳-۲- بخشنامه گردش حساب بانکی

در سال‌های اخیر گردش حساب بانکی به شدت مورد توجه سازمان امور مالیاتی قرار گرفته است. این سازمان با صادر کردن بخشنامه‌های متعدد، رسیدگی به حساب‌های بانکی را در دستور کار خود قرار داده است. طبق آخرین بخشنامه از طرف معاون درآمدهای مالیاتی سازمان امور مالیاتی در ابلاغیه ۳۷۵۹/۲۳۰/د در مورخ ۱۴۰۰/۰۶/۳۱ به واحدهای رسیدگی‌کننده اعلام شد که با در نظر گرفتن بخشنامه ۲۰۰/۹۹/۱۶ نسبت به مؤدیانی که گردش مالی یا گردش بستانکاری بیش از پنج میلیارد تومان داشته‌اند (برای عملکرد سال ۱۳۹۵ تا پایان ۱۳۹۷)، باید تا بهمن‌ماه سال جاری رسیدگی شود و نسبت به مؤدیانی که گردش بستانکاری آنها کمتر از پنج میلیارد تومان بوده و تاکنون رسیدگی نشده‌اند، مشمول حسابرسی و رسیدگی مالیاتی نیستند.

۱-۳-۳- نحوه بررسی تراکنش‌های بانکی

امروزه رسیدگی به تراکنش‌های بانکی برای هر مؤدی حقیقی یا حقوقی که دارای کسب‌وکارهای کوچک یا بزرگ است، موضوع بسیار حیاتی می‌باشد. افراد به دلیل عدم امکان دریافت یا جمع‌آوری و طبقه‌بندی اسناد و مدارک قابل استناد در زمان معاملات تجاری، نگران سوءظن سازمان امور مالیاتی هستند. بهترین راه حل برای این افراد، آگاهی از آخرین دستورالعمل‌های بررسی تراکنش بانکی است که به آن‌ها برای اثبات ادعاها و رفع نگرانی‌ها کمک می‌کند.

در بخشنامه شماره ۲۰۰/۹۹/۱۶ به چگونگی نحوه بررسی و رسیدگی به تراکنش‌ها اشاره شده است. این بخشنامه به‌طور کامل توضیح داده است که کدام تراکنش‌ها مشمول مالیات می‌شوند و چگونه و به چه میزان باید مالیات پرداخت کنند. طبق این بخشنامه بعضی از مبادلات مالی جنبه درآمدی ندارند. در اجرای مفاد این بخشنامه یک کمیته شش‌نفره در هر یک از ادارات کل مالیاتی تشکیل می‌شود. این کمیته قبل از ورود به حساب مالیاتی، حجم ریالی گردش حساب بانکی را با سوابق مالیاتی و سایر فعالیت‌های مالی افراد تطبیق می‌دهند و اگر مغایرتی وجود نداشت، به حساب مالیاتی اطلاعات به دست آمده، نیازی نخواهد بود. در ادامه صورت‌جلسه‌ای مبنی بر عدم نیاز به صدور برگ تشخیص مالیات تنظیم می‌شود و به دفتر مبارزه با پولشویی و یا فرار مالیاتی ارسال می‌گردد. تمامی فرایندهای رسیدگی مالیات بر تراکنش‌ها با رسیدگی مالیات اشخاص یکسان است و امکان اعتراض به برگ تشخیص صادره وجود دارد.

۱-۴- شرایط اخذ مالیات تراکنش‌های بانکی

برای اینکه مالیات تراکنش‌های بانکی از مؤدیان مربوطه، قابل اخذ و دریافت باشد؛ لازم است تا همچون سایر انواع مالیات، شرایط مربوط به اخذ این نوع از مالیات نیز در مورد مؤدیان موظف به پرداخت آن وجود داشته باشد. بنابراین، در این بخش به توضیح شرایط اخذ مالیات تراکنش‌های بانکی پرداخته که شامل موارد زیر است:

- اولین شرط و مهم‌ترین آن در میان شرایط اخذ مالیات تراکنش‌های بانکی، این مسئله بوده که برای پرداخت این نوع از مالیات، لازم است تا حجم تراکنش‌های انجام شده بیش از سقف مقرر قانونی (سالانه ۵ میلیارد تومان) باشد.
- همچنین، ضروری است که مدارک، شواهد و قراین قابل اطمینانی مبنی بر درآمدی بودن حساب مؤدی، وجود داشته و به صرف انجام تراکنش بانکی، ادارات مالیات مجاز به اخذ و دریافت مالیات تراکنش‌های بانکی از مؤدی نمی‌باشند؛ بنابراین، در مورد اخذ مالیات تراکنش‌های بانکی، اثبات درآمدی بودن حساب با سازمان امور مالیاتی کشور است.
- با توجه به بند (م) تبصره (۱۲) قانون بودجه سال هزار و چهارصد کل کشور، در صورتی که واریزی به حساب بانکی با استفاده از ابزار پرداخت‌های بانکی از قبیل دستگاه کارت‌خوان بانکی انجام گیرد، اصل بر آن است که مالیات تراکنش‌های بانکی از صاحب حساب اخذ شده، مگر اینکه غیردرآمدی بودن حساب توسط مؤدی اثبات گردد؛ بنابراین، در این مورد اثبات غیردرآمدی بودن تراکنش بانکی با مؤدی است (زنگباری، ۱۳۹۴).

۱-۵- نحوه محاسبه مالیات تراکنش بانکی

مالیات بر تراکنش‌های بانکی مبحثی جدید است و در متن قانون مالیات‌های مستقیم، قانونی با عنوان قانون مالیاتی تراکنش‌های بانکی وجود ندارد. در واقع فرمول محاسبه مالیات تراکنش‌های بانکی از سوی سازمان مالیاتی تعیین نشده است. اگر شخص صاحب حساب درآمد را کتمان کند و دلیلی برای غیر درآمدی بودن تراکنش‌ها وجود نداشته باشد، شخص صاحب حساب، اعم از حقیقی یا حقوقی، مشمول پرداخت مالیات می‌شود. حساب افراد به صورت سالیانه مورد بررسی قرار می‌گیرد و برای هر سال به صورت جداگانه برگ تشخیص و قطعی صادر می‌شود.

نحوه محاسبه مالیات بر گردش حساب به صورت زیر است:

- دریافت مالیات از اشخاص حقیقی و حقوقی (ماده ۱۱۹ ق.م.م) بر اساس نرخ مصوب ماده ۱۳۱ قانون مالیات‌های مستقیم محاسبه می‌شود.
 - مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی در صورتی که تراکنش‌های بانکی در حکم درآمد حاصل از فعالیت اقتصادی باشد، بر اساس نرخ ماده ۱۰۵ قانون مالیات‌های مستقیم (ق.م.م) و با فرمول «درآمد مشمول مالیات*۲۵٪» محاسبه و دریافت می‌شود.
 - به عنوان جریمه کتمان به مبالغ فوق برای کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی، جریمه‌ای معادل ۳۰ درصد مالیات محاسبه‌شده اضافه می‌شود که این جریمه غیر قابل بخشش است (ماده ۱۹۲ قانون مالیات‌های مستقیم).
 - حوزه رسیدگی به مالیات تراکنش بانکی نیز ارتباطی با محل شعبه بانک ندارد و در اولویت اول بر اساس محل اشتغال فرد و در اولویت دوم، بر اساس محل سکونت فرد تعیین می‌شود.
- از آنجاکه برخی افراد از طریق انجام تراکنش‌های بانکی و سندسازی، اقدام به پولشویی کرده یا بخشی از درآمد خود را از طریق این تراکنش‌ها پنهان می‌کردند و بدین ترتیب، مرتکب فرار مالیاتی می‌شدند، دولت تدبیری اتخاذ کرد و مالیات تراکنش‌های بانکی را مورد پیش‌بینی قرار داد. به منظور اجرایی کردن مالیات تراکنش‌های بانکی که نوعی مالیات عملکرد است، دولت طی نامه شماره ۴۲۶۳۵۱/۹۸، تنظیم‌شده توسط مدیریت کل مقررات مجوزهای بانکی و مبارزه با پولشویی اداره مطالعات و مقررات بانکی، شفاف‌سازی تراکنش‌های بانکی را الزامی کرد. برای آن، سقف تعیین نمود و ذکر عبارت بابت و شرح در مقابل آن را در تمام تراکنش‌های بیشتر از سقف قانونی، ضروری دانست. همچنین، ارائه مدارک مثبت مبنی بر اینکه تراکنش‌های بانکی، درآمد فرد نیستند را در صورت نیاز، خواستار شد. بر اساس این نامه، افرادی که از حساب‌های بانکی خود برای فعالیت تجاری استفاده می‌کنند و همواره دارای تراکنش‌های بانکی بالاتر از سقف مجاز هستند، برای عدم تعلق مالیات

تراکنش‌های بانکی به تراکنش‌های آن‌ها، می‌توانند با دریافت شناسه اقتصادی و متصل کردن حساب خود به آن، از پرداخت مالیات تراکنش‌های بانکی بالاتر از سقف مجاز مستثنا گردند. در این نامه برای مبارزه با پولشویی، از بانک‌ها خواسته شده تا سقف و تعدادی را برای انجام تراکنش در طی یک روز در نظر بگیرند.

۱-۵-۱- ابعاد تراکنش‌های بانکی جهت تشخیص مالیات

با توجه به این نکات، باید پرسید ملاک قرار دادن تراکنش‌های بانکی جهت تشخیص مالیات، دارای چه ابعادی از لحاظ ماهیت، مبانی و ضوابط حاکم است (عبداللهی، ۱۳۹۹).

تراکنش‌های بانکی همان تعریف قانونی از این واژه است: یک پیام الکترونیکی که بنا به تقاضای مشتری در یکی از درگاه‌های ارائه خدمات بانکی مانند خودپرداز یا پایانه فروش، ایجاد و به شبکه الکترونیکی بانکی ارسال می‌شود؛ همچنین تراکنش‌های معتبر را مدنظر قرار می‌دهند و نه غیرمعتبر.

از آنجاکه مؤسسات اعتباری غیربانکی که به موجب قانون یا با مجوز بانک مرکزی تأسیس شده‌اند نیز اقدام به انجام تراکنش بانکی کرده و دارای اعتبار قانونی‌اند، پس مشمول قلمرو بحث هستند.

شرط اول برای ملاک قرار دادن تراکنش‌ها، توجه به ماهیت حقوقی تراکنش‌ها (اعم از: سند رسمی، سند عادی و یا اقرار) است که هر کدام اقتضات خود را دارد.

۱-۶-۱- ماهیت حقوقی

تراکنش‌های بانکی واجد دو بعد مجزا است؛ بنابراین، باید ماهیت حقوقی خاص هریک را نیز به صورت مجزا بررسی کرد: اولین بعد ناظر بر اصل وقوع تراکنش‌ها است که فارغ از محتوا و ماهیت تراکنش بوده و می‌تواند تحت عنوان بعد شکلی از آن یاد کرد.

بعد دیگر به محتوا یا همان منشأ تراکنش‌ها (بعد ماهوی) مربوط است که به علت وقوع (ماهیت تراکنش) می‌پردازد. بر اساس این تفکیک، دو ماهیت حقوقی مجزا وجود دارد که بسته به متغیرهایی مانند نوع تراکنش (درآمدی، غیر درآمدی، نامشخص)، ارائه‌کننده تراکنش‌های بانکی (مأمور رسمی یا غیر آن) و... می‌تواند متفاوت باشد (عبداللهی، ۱۳۹۹).

۱-۶-۱- بررسی تراکنش‌های بانکی از نظر شکلی

تراکنش‌های بانکی به روش‌های مختلفی قابل انعکاس و نمایش است: اعم از اینکه در قالب داده پیام بوده و به شکل اطلاعات و بگانه، مفاد شبکه‌های اجتماعی، پست الکترونیک (رایانامه)، پیام‌های الکترونیک و ذخیره‌های رایانه‌ای باشد و یا به صورت چاپی درآمده باشد (Pendleton, 2013). همچنین ارائه تراکنش بانکی می‌تواند

توسط اشخاص مختلف (مأمور رسمی یا غیر او) انجام شود. هرچند تمامی این اقسام به نوعی بیانگر اصل وقوع تراکنش است؛ اما این تنوع اشکال در امکان یا میزان استناد به تراکنش‌ها مؤثر است. از این رو در جریان تشخیص مالیات بر اساس تراکنش‌های بانکی، شناخت ماهیت حقوقی در انواع مختلف تراکنش‌ها (از منظر شکلی آن) اهمیت پیدا خواهد کرد.

در مرحله تشخیص مالیات، بررسی اظهارنامه‌های تسلیمی مؤدیان به عنوان نخستین منبع تشخیص مالیات شناخته می‌شود (رستمی، ۱۳۹۰). با وجود این، سازمان از صلاحیت قانونی کافی برخوردار است تا جهت تشخیص هرگونه درآمد مؤدی به کلیه دفاتر، اسناد و مدارک مربوط نیز مراجعه نماید (ماده ۲۲۹ ق. م.م). قانون مدنی در ماده ۱۲۸۴ سند را هر نوشته که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد، تعریف نموده است. با توجه به عموم و اطلاق این ماده، سند را باید هر نوع نوشته، خط یا علامتی دانست که بر روی صفحه نمایان باشد؛ خواه از خطوط متداول بوده و یا غیرمتداول؛ مانند رمزها و علاماتی که دو یا چند نفر برای روابط بین خود قرار داده‌اند (امامی، ۱۳۹۰).

قانون تجارت الکترونیکی در مواد ۶ تا ۱۲ به جایگاه و ارزش اثباتی ادله الکترونیک در قالب داده‌پیام پرداخته و آن را در ماده ۲ این‌گونه تعریف کرده است: هر نمادی از واقعه، اطلاعات یا مفهوم است که با وسایل الکترونیکی، نوری و یا فن‌آوری‌های جدید اطلاعات تولید، ارسال، دریافت، ذخیره یا پردازش می‌شود. همچنین در مواد بعدی به ارزش آن به عنوان دلیل و معادل نوشته پرداخته و در ماده ۶ مقرر می‌دارد: هرگاه وجود یک نوشته از نظر قانون لازم باشد، «داده پیام» در حکم نوشته است و در ماده ۱۲ به‌طور کلی اعلام می‌دارد: اسناد و ادله اثبات دعوی ممکن است به صورت داده‌پیام بوده و در هیچ محکمه یا اداره دولتی نمی‌توان بر اساس قواعد ادله موجود، ارزش اثباتی «داده پیام» را صرفاً به دلیل شکل و قالب آن رد کرد.

بنابراین در مورد داده‌پیام‌ها (اعم از اینکه به صورت ذخیره‌های الکترونیک یا محتوای حافظه رایانه باشد یا روی صفحه نمایش داده شود) همان‌گونه که فرانسوی‌ها آن را در قانون مدنی صراحتاً سند نامیده‌اند و در آمریکا در قانون یوتا^۱ از آن به عنوان سوابق الکترونیک یاد کرده‌اند و در قانون قواعد ادله فدرال ۳ در ماده ۱۰۰۱ به این نوع دلیل نیز اشاره شده است (صادقی نشاط، ۱۳۹۳)؛ در نظام حقوقی ایران نیز با توجه به مستندات قانونی فوق باید آن را سند به شمار آورد؛ بنابراین چنانچه تراکنش‌های بانکی نیز در هر یک از قالب‌های فوق اعم از پست الکترونیک (رایانامه)، پیام‌های الکترونیک یا به عنوان محتوای حافظه رایانه‌ای باشد و چه در صفحه نمایش داده شود از منظر قانونی، نوعی نماد یا نمود اطلاعات بانکی است که با وسایل الکترونیکی تولید، ارسال، دریافت، ذخیره یا پردازش می‌شود و مستنداً به مواد فوق باید آن‌ها را نوعی سند تلقی کرد.

از سوی دیگر، قانون مدنی اسناد را به دو دسته رسمی و عادی تقسیم کرده است (ماده ۱۲۸۶ قانون مدنی). به نظر می‌رسد چنانچه فهرست تراکنش‌های بانکی توسط متصدیان بانک‌های دولتی و در چارچوب صلاحیت آن‌ها و مطابق قانون، صادر شده باشند باید این فهرست را سند رسمی تلقی کرد؛ چراکه تمامی شروط مذکور در ماده ۱۲۸۷ قانون مدنی محقق است و بنابراین محتویات این اسناد دارای اعتبار خواهد بود (شمس، ۱۳۸۹). همچنین طبق ماده ۱۲۸۹ قانون مدنی غیر از اسناد مذکور در ماده ۱۲۸۷، سایر اسناد عادی تلقی شده است؛ بنابراین سایر تراکنش‌های بانکی، در صورت وجود شرایط قانونی لازم به عنوان سند عادی به شمار خواهند آمد. البته این سخن به معنای اعتبار ماهیت تراکنش‌ها نیست، چراکه تشخیص آن توسط مأموران مالیاتی و به صورت مستند امکان خواهد داشت بلکه مراد کلام، اعتبار اصل وقوع تراکنش‌ها (فارغ از ماهیت درآمدی و یا غیردرآمدی) آن است.

۱-۶-۲- بررسی تراکنش‌های بانکی از نظر منشأ (محتوا)

انواع تراکنش‌ها بر اساس معیارهای ماهوی متفاوت قابل تفکیک است، اما چون از جمله منابع اصلی مالیاتی، درآمد مؤدیان است؛ بنابراین تقسیم‌بندی این اطلاعات بر اساس میزان ارتباط با درآمد مؤدی کمک بیشتری در بررسی موضوع خواهد داشت. دستورالعمل‌های صادره از سازمان نیز در موارد متعددی به لزوم تفکیک اطلاعات مالی از اطلاعات پولی تصریح داشته و نهایتاً بند ۹ دستورالعمل شماره ۲۰۰/۹۹/۱۶ مورخ ۱۳۹۹/۱/۳۱ سازمان که آخرین مقرره معتبر در زمان تهیه این نوشته است با توجه به همین معیار، اقدام به تفکیک تراکنش‌های بانکی کرده است. بر این اساس، از نظر ماهوی تراکنش‌ها را می‌توان به درآمدی، غیردرآمدی و نامشخص تقسیم نمود و ماهیت حقوقی هریک را بررسی کرد (عبدالهی، ۱۳۹۹).

ماهیت حقوقی تراکنش‌های بانکی با منشأ درآمدی و غیردرآمدی
تراکنش‌های بانکی فاقد ماهیت درآمدی شامل مواردی چون:

- تراکنش‌های بانکی مربوط به اعضای هیئت‌مدیره و سهامداران اشخاص حقوقی؛
- دریافتی و پرداختی مربوط به حق شارژ؛
- دریافتی و پرداختی به حساب بستگان؛
- واریزهای مربوط به مخارج روزمره زندگی؛
- تسهیلات بانکی دریافتی؛
- سود بانکی دریافتی؛
- انتقالی بین حساب‌های شخص؛

- انتقال بین حساب‌های شرکا در مشاغل مشارکتی؛
- تنخواه‌های واریزی به حساب اشخاص توسط کارفرما با تأیید کارفرمای ذی‌ربط؛
- دریافت‌ها و پرداخت‌های سهامداران و اعضای هیئت‌مدیره اشخاص حقوقی؛ مشروط بر آنکه طرف مقابل آن در دفاتر شخص حقوقی (حساب‌های دریافتی و پرداختی جاری شرکا) منظور شود؛
- قرض و ودیعه دریافتی و پرداختی؛
- وجوه دریافتی ناشی از جبران خسارت؛
- انتقالی بین حساب‌های بانکی اشخاص در صورتی که مربوط به درآمد نباشد؛
- مبالغ دریافتی و پرداختی اشخاص به عنوان واسطه با توجه به نوع کسب و کار اشخاص حقیقی (در صورتی که ماهیت درآمدی آن توسط اداره امور مالیاتی اثبات نشود).

در بررسی شکلی تراکنش‌ها ذکر شد که این تراکنش‌ها (فارغ از محتوای آن) می‌تواند دارای ماهیت سند عادی و یا رسمی باشد. اکنون پرسش این است که تراکنش‌های مذکور در صورت اثبات محتوای درآمدی یا غیردرآمدی از چه ماهیت حقوقی برخوردار است؟ پاسخ اینکه در اینجا نیز بسته به وجود شرایط مقرر در مواد ۱۲۸۷ یا ۱۲۸۹ قانون مدنی، ماهیت تراکنش‌ها می‌تواند به عنوان سند رسمی یا عادی در نظر گرفته شود؛ اما این دو مبحث به دلیل تفکیک بین اعتبار محتویات با اعتبار مندرجات اسناد، با یکدیگر متفاوت است (امامی، ۱۳۹۰).

منظور از اعتبار محتویات، اعتبار موضوعات شکلی سند مانند مهر و امضا است که در بحث تراکنش‌ها منجر به اعتبار اصل وقوع تراکنش است؛ اما در موضوع اعتبار مندرجات، مراد معتبر بودن مفاد و محتوای اسناد است که با توجه به بررسی و احراز منشأ، اعتبار مندرجات این اسناد نیز محقق است. به بیان دیگر، برای مأموران مالیاتی مندرجات این اسناد (اعم از شکل مستند ثابت شده که محتوای این اسناد، درآمدی و یا غیردرآمدی است؛ در نتیجه رسمی یا عادی) معتبر تلقی خواهد شد.

همچنین در برخی موارد می‌توان ماهیت تراکنش‌های بانکی را اقرار دانست. مثلاً اگر مؤدی (تاجر) در دفاتر قانونی یا دیگر اسناد و مدارک مالی که توسط وی تنظیم شده است به اطلاعات تراکنش بانکی خود به عنوان درآمد تصریح کند می‌توان تراکنش قیدشده در اسناد فوق را به منزله اقرار کتبی دانست. چراکه طبق ماده ۱۲۸۱ قانون مدنی، قید دین در دفتر تاجر به منزله اقرار کتبی است و تصریح به درآمد در دفاتر قانونی نیز علی‌القاعده شخص را مکلف به پرداخت مالیات (دین) می‌کند. در این مورد، اجزای اقرار مذکور در ماده ۱۲ قانون مدنی محقق به نظر می‌رسد؛ چراکه نخست، اخبار و از نوع کتبی (تنظیم در دفاتر قانونی) بوده؛ و دوم، برای غیر و به نفع سازمان است؛ و سوم، به ضرر مؤدی است (عبدالهی، ۱۳۹۹).

ماهیت حقوقی تراکنش‌های بانکی با منشأ نامشخص

تراکنش‌های بانکی نامشخص (مشکوک) تراکنش‌هایی هستند که از یک‌سو، ماهیت درآمدی آن‌ها بر اساس تشخیص سازمان ثابت نشده و از سوی دیگر، ماهیت غیردرآمدی آن‌ها نیز محرز نگردیده است. این بخش به دنبال اثبات این موضوع است که ماهیت اصلی این نوع تراکنش‌ها، اماره قانونی است و بر کسب درآمد برای مؤدی، دلالت می‌نمایند.

به موجب ماده ۱۲۵۷ قانون مدنی، اماره عبارت از اوضاع و احوالی است که به حکم قانون و یا در نظر قاضی دلیل بر امری شناخته می‌شود. طبق ماده ۱۳۲۲ قانون مدنی: امارات قانونی اماراتی است که قانون آن را دلیل بر امری قرار داده است (شمس، ۱۳۸۹).

تراکنش‌های بانکی نامشخص نیز با توجه به اینکه خلاف آن توسط مؤدی به اثبات نرسیده است؛ بنابراین به عنوان نوعی اوضاع و احوال است که دلالت بر تحقق درآمد برای مؤدی داشته و به عنوان اماره قانونی بر درآمد مؤدی تلقی می‌شود. همچنین از آنجا که امارات قانونی، نشانه احتمالی است که قانونمند شده و تعمیم یافته است (کاتوزیان، ۱۳۸۳)، لذا رعایت آن توسط مراجع دادرسی مالیاتی الزامی است. لازم به ذکر است درآمدی بودن تراکنش‌های نامشخص را نمی‌توان به عنوان اصل عملی در نظر گرفت، چراکه اماره در حقیقت نوعی دلیل است؛ نه اصل عملی (کاتوزیان، ۱۳۸۳).

۱-۷- مبانی حقوق

در بررسی مبانی حقوقی استفاده از تراکنش‌های بانکی توسط سازمان، تفکیک بین دو موضوع ضروری است: اول، صلاحیت سازمان در دسترسی به تراکنش‌های بانکی؛ و دوم، صلاحیت سازمان در تشخیص مالیات بر اساس تراکنش‌های بانکی.

هرچند در نگاه اول ممکن است چنین به نظر برسد که وضع صلاحیت دسترسی الزاماً به معنای صلاحیت در تشخیص نیز هست و شرط کافی آن حساب می‌شود؛ اما در ادامه اشاره شد که باید استثنائاتی را هم در نظر گرفت. به بیان دیگر، هرچند فرض حکمت مقنن حکم می‌کند تا اصل بر این گذاشته شود که دسترسی با هدف تشخیص است؛ اما صلاحیت دسترسی به تراکنش‌ها، شرط کافی برای توجیه حقوقی تشخیص مالیات بر اساس تمامی اقسام تراکنش‌ها نیست. همچنین تمیز دادن بین صلاحیت دسترسی موردی و دسترسی کلی به تراکنش‌ها نیز منشأ تفاوت‌های مهمی است که عدم توجه به هریک، منجر به نتایج اشتباه خواهد شد (عبدالهی، ۱۳۹۹).

۱-۷-۱- مبانی حقوقی صلاحیت دسترسی به تراکنش‌های بانکی

مبانی حقوقی این صلاحیت شامل دو نوع بررسی تراکنش بانکی توسط سازمان می‌باشد؛ چراکه هریک از مبنای متفاوت و سابقه قانونی مجزایی برخوردار است: نوع اول، بررسی تراکنش‌ها به شکل موردی و تشریفاتی است؛ و نوع دوم نیز، بررسی کلی تراکنش‌ها (اطلاعات مجموع گردش و مانده سالانه انواع حساب‌های بانکی) را شامل می‌شود. سابقه تقنینی پیرامون صلاحیت نوع اول از زمان تصویب تبصره ماده ۲۳۱ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۸۰ (لازم‌الاجرا از آغاز ۱۳۸۱) است که بیان می‌کند: در مورد بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی، سازمان امور مالیاتی کشور اسناد و اطلاعات مربوط به درآمد مؤدی را از طریق وزیر امور اقتصادی و دارایی مطالبه خواهد کرد. این نوع از صلاحیت دسترسی به اطلاعات بانکی مؤدیان به صورت موردی، ویژه و به شکل استعمال است. این برداشت از سیاق ماده به دست می‌آید، چراکه لزوم مطالبه این اطلاعات از طریق معین (وزیر امور اقتصادی و دارایی) و انحصار آن به صرف درآمد مؤدی، نشان‌دهنده کسب اطلاعات بانکی به صورت خاص، غیرکلی و با رعایت تشریفات قانونی است. دلیل دیگر، بررسی فرایند تصویب این تبصره است. در جریان تصویب لایحه اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۸۰ در متن ماده ۲۳۱ لایحه، عبارات اسناد لازم در زمینه درآمد، دارایی و فعالیت‌های مؤدیان مالیاتی و حسب درخواست وزارت امور اقتصادی و دارایی و یا مأمورین تشخیص مالیات وجود داشت که به ترتیب به عبارات اطلاعات مربوط به درآمد و حسب نظر وزیر امور اقتصادی تغییر یافت؛ اما پس از اعاده لایحه از شورای نگهبان به مجلس عبارت اطلاعات مربوط به درآمد مؤدی از طریق وزیر اقتصاد و امور دارایی جایگزین آن شد؛ بنابراین به نظر می‌رسد از نظر مقنن این صلاحیت، یک صلاحیت قائم به شخص برای مقام اداری است که امکان تفویض آن به مأمورین تشخیص وجود ندارد. دوم، وظیفه بانک‌ها تنها ارائه اسناد و اطلاعات مربوط به درآمد مؤدیان است و صلاحیت ارائه اطلاعات پیرامون دارایی و عموم فعالیت‌های اقتصادی مؤدیان به شکل کلی را نخواهند داشت. این برداشت با مفاد بند ۱۰ ماده ۱۴ قانون پولی و بانکی کشور، ماده ۱۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری، ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی و همچنین بخشنامه‌های شماره ۷۰۷۵ مورخ ۱۳۷۴/۱۰/۲۷ و شماره ۴۴۴. ه مورخ ۱۳۸۷/۷/۴ بانک مرکزی نیز مطابق است که مستفاد از آن‌ها بانک‌ها و مؤسسات اعتباری مکلف‌اند اطلاعات حساب‌های بانکی اشخاص را محرمانه تلقی کرده و جز در مواردی که به صراحت قانون مکلف به ارائه اطلاعات می‌باشند، از ارائه آن‌ها مگر طبق ضوابط قانونی (بر اساس دستور قضایی) خودداری کنند.

دومین مستند قانونی که منعکس‌کننده صلاحیت دسترسی سازمان به اطلاعات تراکنش‌های بانکی البته به شکل موردی است، ماده ۳۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده است. روند تصویب و تأیید این ماده نیز گویای موردی بودن صلاحیت سازمان در دسترسی به اطلاعات تراکنشی مؤدیان است، چراکه به موجب بند ۸ شماره ۲۵۴۴۱/۸۶/۳۰ مورخ ۱۳۸۶/۱۲/۲۵ نظر شورای نگهبان، اطلاق اعلام موارد مذکور نسبت به مواردی که صرفاً مربوط به تأدیه امور مالیاتی نیست، خلاف موازین شرع شناخته شد. مجلس شورای اسلامی برای رفع اشکال

مذکور، عبارت عملیات پولی و اعتباری (گردش حساب‌ها) را از مصوبه قبلی خود حذف و عبارت صرفاً اطلاعات و اسناد لازم مربوط به درآمد مؤدیان را در مصوبه نهایی خود جایگزین کرد.

در دیگر نظام‌های حقوقی نیز نوع مشابهی از صلاحیت‌های موردی و دارای تشریفات قانونی در دسترسی به تراکنش‌ها وجود دارد. استعلام از بانک در خصوص صاحب حساب خاص باید با تأیید مأموران ارشد، کسب اطلاعات از بانک‌ها طی فرایندهای قضایی یا رسمی و یا تلفیقی از اقدامات فوق انجام شود. در بعضی از کشورها نیز صاحبان حساب‌ها از درخواست سازمان مبنی بر کسب اطلاعات حساب‌های بانکی خود مطلع می‌شوند (OECD, 2007).

نوع دیگری از صلاحیت سازمان، صلاحیت بررسی کلیه تراکنش‌های بانکی است که قیود و محدودیت‌های قانونی در نوع اول را ندارد و امکان دسترسی او را به اطلاعات مجموع گردش و مانده سالانه انواع حساب‌های بانکی فراهم کرده است. بستر قانونی این سطح از دسترسی که به شکل کلی است از زمان تصویب جزء ۲ بند پ ماده ۱۶۹ مکرر قانون مالیات‌های مستقیم (لازم‌الاجرا از ابتدای سال ۱۳۹۵) ایجاد شد که به موجب آن اطلاعات مالی، پولی و اعتباری و سرمایه‌ای اشخاص در اختیار سازمان قرار می‌گرفت.

بر اساس آنچه بیان شد باید به دو نوع متفاوت از دسترسی سازمان به اطلاعات بانکی توجه کرد، چراکه آغاز صلاحیت دسترسی موردی سازمان به این اطلاعات از شروع سال ۱۳۸۱ بوده در حالی که شروع صلاحیت دسترسی به جمع گردش و مانده سالانه انواع حساب‌های بانکی (دسترسی کلی) از ابتدای سال ۱۳۹۵ است. در بسیاری از کشورها نیز این نوع از صلاحیت دسترسی به شکل وسیعی ملاحظه می‌شود: برای مثال، در پرتغال از سال ۲۰۰۵ نیاز به مجوزهای قضایی برای دسترسی به تراکنش‌های بانکی با اهداف مالیاتی حذف شد. البته این امر منوط به وجود دلایل منطقی دال بر تحقق جرم مالیاتی و یا شواهد کافی حاکی از ارائه اطلاعات نادرست توسط مؤدی است. همچنین در قانون مالی ۲۰۰۵ ایتالیا شاهد گسترش صلاحیت دسترسی به اطلاعات مالی از لحاظ منابع اطلاعاتی و هم از حیث نوع اطلاعات هستیم؛ چراکه به‌جز بانک‌ها و دفاتر پستی، امکان اخذ اطلاعات از نهادهای واسط مالی، تراست‌ها و... نیز فراهم شد. همچنین سطح دسترسی اطلاعات به کلیه تراکنش‌های انجام‌شده توسط بانک‌ها و نهادهای مذکور گسترش یافت (OECD, 2007).

۱-۷-۲- مبانی حقوقی صلاحیت تشخیص مالیات بر اساس تراکنش‌های بانکی

از جمله دلایل تفکیک تراکنش‌ها بر اساس منشأ (محتوا) در بخش ماهیت حقوقی، وجود «مبانی حقوقی» متفاوت آنها بود که در نهایت مشمول ضوابط مجزایی نیز خواهد شد. بر این اساس، تراکنش‌ها «با ماهیت درآمدی» از مبانی خاص خود (متمایز از تراکنش‌ها با منشأ نامشخص) برخوردار است که مورد بررسی قرار خواهند گرفت:

الف) تشخیص مالیات بر اساس تراکنش‌ها با ماهیت درآمدی

نخستین مبنای حقوقی تشخیص مالیات بر اساس تراکنش‌های بانکی با ماهیت درآمدی همان مستندات قانونی صلاحیت سازمان برای دسترسی به تراکنش‌های درآمدی است؛ یعنی از آنجا که وفق تبصره ماده ۲۳۱ قانون مالیات مستقیم و سپس ماده ۳۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده و در نهایت ماده ۱۶۹ مکرر قانون مالیات مستقیم دسترسی به این نوع از تراکنش‌ها (درآمدی) فراهم شده است. به تبع آن، صلاحیت تشخیص بر اساس تراکنش‌های درآمدی نیز ایجاد می‌گردد؛ چراکه وقتی قانون‌گذار با فرض حکمت مقنن، امکان قانونی «دسترسی» به تراکنش‌های درآمدی توسط سازمان را فراهم می‌کند، طبیعاً زمان شروع این نوع از «صلاحیت در تشخیص» نیز به همان آغاز «صلاحیت دسترسی» بازمی‌گردد. البته سخن در مورد تراکنش‌هایی است که ماهیت درآمدی‌شان محرز و قطعی شده است؛ همان‌گونه که ذکر شد تا قبل از تصویب ماده ۱۶۹ مکرر ق.م.م در سال ۱۳۹۴، صرفاً امکان دسترسی به تراکنش‌های درآمدی (نه سایر تراکنش‌ها) فراهم بود و چنانچه ماهیت تراکنش‌ها «نامشخص» باشد، موضوع مجزایی است که بعداً بررسی خواهد شد.

دومین مبنای حقوقی، احتساب این نوع از تراکنش‌ها به عنوان یکی از ادله اثبات دعوا (سند) است (ماده ۱۲۸۵ قانون مدنی). طبق ماده ۱۲۸۴ همان قانون، سند عبارت است از هر نوشته که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد و بر این اساس، شروط اساسی سند از قرار: «مکتوب بودن» و «قابلیت انتساب» است (شمس، ۱۳۸۹: ۸۹). با توجه به نکاتی که در بررسی ماهیت حقوقی ذکر شد مستنداً به مواد ۲، ۶ و ۱۲ قانون تجارت الکترونیکی، تراکنش‌های بانکی در هر یک از قالب‌ها (اعم از اینکه به صورت ذخیره الکترونیک یا محتوای حافظه رایانه باشد یا روی صفحه نمایش داده شود) به عنوان داده‌پیام خواهد بود و باید آن‌ها را «مکتوب» تلقی کرد. همچنین در تراکنش‌های درآمدی «مندرجات و محتویات» به شکل توأمان، قابلیت انتساب به مؤدی را دارد. قابلیت انتساب «مندرجات» (مفاد) به دلیل احراز قطعی ماهیت درآمدی این تراکنش‌ها به نفع مؤدی توسط مأمور رسمی (مأمور مالیاتی) است (امامی، ۱۳۹۰: ۷۲). انتساب «محتویات» به مؤدی (بعد شکلی) در اسناد رسمی، مفروض بوده (ماده ۷۰ قانون ثبت اسناد رسمی) و در مورد اسناد عادی نیز به هر طریق بتوان با توجه به قرائن، صدور سند را اثبات نمود، نوشته سندیت خواهد داشت (شمس، ۱۳۸۹: ۹۰). به عنوان نمونه قانون متحدالشکل تراکنش‌های اطلاعات رایانه‌ای آمریکا به‌جای تأکید بر امضاء، بر یک سامانه مطمئن برای ثبت تراکنش‌ها تأکید کرده است (سپاهی، ۱۳۹۳: ۱۷۲). حال از آنجا که اطلاعات تراکنش‌های بانکی صادره از سیستم بانکی، مطابق با ضوابط بانک مرکزی تهیه و تنظیم می‌شود و اطلاعاتی از طریق ارتباط برخط با سیستم بانکی است و در مواردی که در اختیار سازمان امور مالیاتی قرار می‌گیرد عموماً از طریق ارتباط برخط با سیستم بانکی است و در مواردی که به صورت سند چاپی باشد، ماشین‌نویسی شده و دارای مهر بانک صادرکننده و

امضای متصدی بانک است؛ بنابراین در تمامی این حالات از لحاظ قابلیت انتساب به صادرکننده (بانک)، معتبر به نظر می‌رسد.

سومین مبنای حقوقی تشخیص مالیات بر اساس این نوع از تراکنش‌ها به ماهیت درآمدی آنان بازمی‌گردد. اساساً محرز بودن ماهیت درآمدی از جمله شروط لازم برای تشخیص مالیات بر اساس این نوع از تراکنش‌هاست. در کلیه بندهای ۲ تا ۵ از ماده ۱، مواد ۹۳، ۱۰۵، ۱۰۶ و... از ق.م.م از جمله شروط شمول مالیات، تحقق «درآمد» برای اشخاص است که همان «درآمد محقق و به فعلیت رسیده» است؛ چراکه «درآمد بالقوه»، درآمدی که احتمال تحقق آن در آینده می‌رود و یا «درآمد مشکوک الحصول» نمی‌تواند اشخاص را داخل در مشمولین مالیات نماید. این نکته از قوانین و مقررات متعددی قابل استنباط است و به عنوان نمونه، صرف خرید یک کالا حتی به شکل مکرر نمی‌تواند به درآمد قطعی منجر شود و از همین رو بخشنامه شماره ۴۳۲۸۸ مورخ ۱۳۷۸/۸/۲۹ صادره از وزیر اقتصادی و دارایی که مبین اخذ مالیات از خریداران خودروهای متعدد؛ فارغ از فروش آن‌ها به اشخاص دیگر بوده به موجب رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره ۸۴/۵۶۰ مورخ ۸۴/۱۰/۱۱ ابطال شده است. در نتیجه چون تراکنش‌های بانکی که «ماهیت درآمدی» آن‌ها محرز شده است، شرط لازم جهت شمول مالیات (ارتباط با درآمد مؤدی) را به شکل قطعی دارا هستند؛ از این رو تشخیص مالیات بر اساس آن‌ها از مبنای حقوقی مستحکم برخوردار است.

چهارمین مبنای، صلاحیت سازمان نسبت به صدور برگ تشخیص متمم در صورت کتمان درآمد است: طبق ماده ۲۲۷ ق.م.م از موارد صدور برگ تشخیص متمم هنگامی است که ثابت شود مؤدی فعالیت‌هایی داشته که درآمد آن را کتمان نموده است. در اینجا اثبات دو موضوع، ضروری است: نخست «درآمدی بودن» که با توجه به مبنای پیشین شرح داده شد؛ دوم، «تحقق کتمان»؛ بنابراین در صورت اظهار شماره حساب بانکی مورد استفاده مؤدی در اظهارنامه تسلیمی یا از طریق پاسخ به درخواست‌های ارائه اسناد و مدارک، کتمان درآمد محقق نمی‌شود (عبداللهی، ۱۳۹۹).

ب) تشخیص مالیات بر اساس تراکنش‌ها با ماهیت نامشخص

صلاحیت سازمان در این مورد با تصویب بند پ ماده ۱۶۹ مکرر ق.م.م از سال ۱۳۹۵ آغاز و سپس دستورالعمل شماره ۲۰۰/۹۵/۵۰۵ مورخ ۱۳۹۵/۲/۴ سازمان در بند ۱۰ تصریح داشت: چنانچه منشأ وجوه واریزی مشخص نشود، این امر مؤید وجود درآمد اتفاقی برای مؤدی است. پس از آن بند ۱۴ دستورالعمل شماره ۲۰۰/۹۹/۱۶ مورخ ۱۳۹۱/۱/۳۱ و متعاقباً بند ۱۶ دستورالعمل شماره ۲۰۰/۹۶/۵۰۵ مورخ ۱۳۹۶/۲/۲۴ سازمان، تراکنش‌های مشکوک را مصداقی از «اشتغال به مشاغل یا عناوین دیگر» موضوع ماده ۹۳ ق.م.م اعلام کردند. به نظر می‌رسد این صلاحیت تشخیصی بر محورهایی چون: «صلاحیت گسترده مأموران مالیاتی در تشخیص مالیات» و همچنین «قاعده اقدام» مبتنی است.

صلاحیت گسترده مأموران مالیاتی در تشخیص مالیات

بر اساس ماده ۲۱۹ ق.م.م.ص. صلاحیت شناسایی و تشخیص درآمد مشمول مالیات به سازمان امور مالیاتی محول شده که از ابعاد مختلف، دارای گستردگی است. از آن جمله، صلاحیت در «استفاده از ابزارهای تشخیص مالیات» است. بر این اساس است که ماده ۳۱ آیین‌نامه ماده ۲۱۹ ق.م.م.ص. اظهار می‌دارد: مأموران مالیاتی مکلفاند «هرگونه تحقیق و رسیدگی» که برای آگاهی از وضع مؤدیان لازم است را با رعایت مقررات مربوط به عمل آورند. البته از جمله ضوابط قانونی که این صلاحیت گسترده را تقید می‌زند تبصره ماده ۲۳۱ ق.م.م.ص. ۱۳۸۰ است که اساساً دسترسی سازمان به اطلاعات بانکی را از نظر ماهوی، مقید به اطلاعات درآمدی و از نظر شکلی (تشریفاتی) نیز مقید به مطالبه از سوی وزیر امور اقتصادی و دارایی می‌کند؛ اما با تصویب بند پ ماده ۱۶۹ مکرر ق.م.م.ص. در سال ۱۳۹۴ امکان دسترسی سازمان به کلیه اطلاعات مالی، پولی و اعتباری و سرمایه‌ای اشخاص فراهم شد و لذا از زمان تصویب این بند، مبنای حقوقی صلاحیت سازمان در تشخیص مالیات بر اساس تراکنش‌های نامشخص ایجاد گردید. این در حالی که است که به موجب دستورالعمل‌های صادره که مبنای سازمان جهت استناد به تراکنش‌های نامشخص قرار گرفته به ماده ۲۹ آیین‌نامه اجرایی ماده ۲۱۹ قانون مالیات‌های مستقیم استناد شده که از این لحاظ قابل نقد است (عبداللهی، ۱۳۹۹).

قاعده اقدام

هرچند بر اساس نکات فوق از سال ۱۳۹۵ امکان رسیدگی به تراکنش‌های نامشخص توسط سازمان فراهم شده است؛ اما چون ماهیت درآمدی این موارد مبهم بوده و ممکن است در واقعیت امر، منجر به کسب درآمد مؤدی نشده باشد، تشخیص مالیات بر این اساس، نیازمند مبنای حقوقی دیگری نیز است: از جمله قواعدی که به‌ویژه در حوزه مسئولیت مدنی مورد بحث قرار می‌گیرد، قاعده اقدام است. به موجب این قاعده، هرگاه شخص عملی را انجام دهد که باعث شود از عمل شخص دیگر متضرر گردد، واردکننده زیان، مسئول خسارت وارد شده بر این شخص نیست؛ زیرا شخص با اقدام خود (اقدام علیه خود) موجب از بین رفتن حرمت و احترام مال اش شده است. در حقیقت «اقدام» مانعی برای اجرای قواعد ضمان قهری مانند قاعده اتلاف و تسبیت، لاضرر و «اقدام» است و با توجه به «استناد» و احترام می‌باشد (محقق داماد، ۱۳۸۳: ۲۲۱). هرچند قاعده مذکور بیشتر در حقوق خصوصی و ناظر بر روابط اشخاص در این حوزه مطرح می‌شود؛ اما این قاعده در حقوق مالیاتی نیز کاربرد دارد و حتی می‌توان گفت به یک رویه برای سازمان و مأموران مالیاتی نیز تبدیل شده است (سنجابی، ۱۳۹۶: ۳۴-۳۵).

بر این اساس چنانچه مؤدی برخلاف قوانین و مقررات، مرتکب فعل و یا ترک فعلی گردد، وی مسئول عواقب مالی و مالیاتی اقدام خود است و از این حیث، سازمان صلاحیت قانونی جهت انجام اقدامات قانونی خود، حسب

مورد از حیث اخذ مالیات و جرائم متعلق، محرومیت از معافیت‌ها و مشوق‌های مالیاتی و... را داراست. در موضوع تشخیص مالیات بر اساس تراکنش‌های بانکی با ماهیت نامشخص نیز «قاعده اقدام» جاری و ساری است؛ چراکه دلیل نامشخص ماندن ماهیت این بخش از تراکنش‌ها، عدم ارائه اسناد و مدارک مربوط توسط مؤدی جهت تعیین تکلیف ماهیت آن‌ها است و در صورت انجام این تکلیف قانونی و ارائه آن به سازمان، ماهیت واقعی تراکنش‌ها مشخص می‌شود (عبداللهی، ۱۳۹۹).

۱-۸- ضوابط حقوقی

هرچند ضوابط حقوقی حاکم بر مرحله تشخیص مالیات، متعدد است؛ اما برخی از آن‌ها دارای ارتباط بیشتری با موضوع تراکنش‌های بانکی بوده و رویه عملی سازمان نیز که در برخی موارد، قابل نقد به نظر می‌رسد؛ تبیین و تأکید بر این ضوابط را ضروری می‌سازد:

۱-۸-۱- وجود دلایل متقن و رعایت ضوابط کیفی در حسابرسی مالیاتی

ضابطه‌مند کردن فرایندهای تشخیص مالیاتی یکی از اهداف اصلی سازمان‌های مالیاتی در دنیا است و بر این اساس، تلاش فراوانی جهت حذف تشخیص بر اساس تخمین و اتکا بر واقعیت‌های مالی صورت می‌گیرد (کیشوار و همکاران، ۲۰۱۲: ۲۴). در نظام حقوق مالیاتی ایران نیز تکلیف مأموران مالیاتی به تشخیص مالیات به شکل صحیح و با استناد به دلایل و منابع متقن از اولین و مهم‌ترین ضوابط حقوقی حاکم بر این مرحله است (رستمی، ۱۳۹۰: ۱۳۵). ماده ۲۳۷ ق.م.م به صراحت بر این موضوع دلالت دارد و بر این اساس، ارائه دلایل ضعیف در امور گزارشگری مالیاتی و اعلام نظر غیرکارشناسی، ممنوع است. به عنوان نمونه، مأموران مالیاتی نمی‌توانند با معیار قرار دادن اطلاعات غیرمتقن مانند «سوابق عملکرد اقتصادی مؤدی» اقدام به تشخیص مالیات نمایند. در تشخیص مالیات بر اساس تراکنش‌های بانکی نیز در صورتی که این اطلاعات ناظر بر پیش از سال ۱۳۹۵ باشد مستفاد از ماده ۲۲۷ ق.م.م احراز دو موضوع «درآمدی بودن» و «کتمان» توسط مؤدی به صورت مستند، ضروری است. همچنین اگر اطلاعات تراکنش مربوط به سال ۱۳۹۵ و بعد آن باشد نیز سازمان مکلف است ماهیت آن (اعم از درآمدی و یا غیردرآمدی) را با استناد به دلایل کافی، احراز نماید. برای تحقق این ضابطه، توجه صرف به سامانه‌های تحلیل برخط تراکنش‌ها منتج به بهبود کیفی فرایندهای تشخیص مالیات نخواهند شد، بلکه برای دسترسی به یک مدل بهینه باید بر حقایق مالی تأکید کرد. راه‌حل اساسی تکیه بر پایگاه‌های تحلیل داده مالیاتی است که ضمن تجمیع تمامی اطلاعات از جمله اطلاعات ناشی از منابع مختلف مالیاتی، اقدام به داده‌کاوی و تحلیل اطلاعات خواهد کرد.

۱-۸-۲- ضوابط تشخیص مالیات بر اساس تراکنش‌های نامشخص

به صورت خاص برای تشخیص مالیات بر اساس تراکنش‌های نامشخص دو ضابطه وجود دارد؛ ضابطه اول: احراز «تکلیف مؤدی به نگهداری اسناد و مدارک مالی خود» است؛ چراکه یکی از عناصر حق دفاع، «اصل برابری سلاح‌ها» در دعواست که مبین لزوم برابری ابزارها و امکانات طرفین دعوا در جریان دفاع از خود و یا خواسته است. بر این اساس، مراجع دادرسی باید دسترسی برابر به همه اسناد و اطلاعات ضروری پرونده را برای هر دو طرف فراهم کنند (ODIHR, 2013: 63-64). در این میان، پیش‌شرط تحقق این ضابطه در مراجع دادرسی، تکلیف قانونی مؤدی به نگهداری اسناد است؛ چراکه وقتی مؤدی مکلف به نگهداری اسناد مالی خود نباشد، اخذ مالیات ناشی از عدم ارائه این اسناد، محل تأمل قرار خواهد گرفت. نمونه تکلیف مؤدیان به نگهداری اسناد را در ماده ۱۳ قانون تجارت و ماده ۳۴ قانون مالیات بر ارزش افزوده می‌توان مشاهده کرد. به‌علاوه ماده ۹۵ ق.م.م. مصوب ۱۳۶۶ با اصلاحات بعدی نیز مؤدیان مشمول این ماده را مکلف به نگهداری اسناد و مدارک خود کرده است. با وجود این، همچنان برخی از مؤدیان مشمول الزام قانونی برای نگهداری اسناد و مدارک مالی خود نیستند. به عنوان نمونه، تجاری که در ماده ۱۳ قانون تجارت با عنوان تجار خرد یاد شده‌اند، مؤدیانی که هنوز تحت شمول قانون مالیات بر ارزش افزوده قرار نگرفته‌اند و یا برخی از مؤدیان که تکلیفی به ارائه اظهارنامه و یا ارائه اسناد و مدارک ندارند مانند اشخاص معاف از مالیات بر درآمد کشاورزی موضوع ماده ۸۱ ق.م.م. از جمله این افراد تلقی می‌شوند.

بنابراین در تشخیص مالیات بر اساس تراکنش‌های نامشخص باید به «تکلیف قانونی مؤدی به نگهداری اسناد و مدارک مالی» نیز توجه داشت. لازم به ذکر است در بند ۱۰ دستورالعمل شماره ۲۰۰/۹۹/۱۶ مورخ ۱۳۹۹/۱/۳۱ سازمان به احتمال عدم مستندسازی برخی از تراکنش بانکی در سنوات قبل از سال ۱۳۹۵ نیز اشاره شده و تصریح گردیده که در صورت نبود اسناد و مدارک دال بر کسب درآمد، مشمول مالیات نگردد. با وجود این، در مفاد این بند مواردی از قبیل «تراکنش‌های واریزی از طریق POS یا درگاه الکترونیکی پرداخت» و همچنان مشمول مالیات باقی‌مانده که قابل نقد به نظر می‌رسد.

ضابطه دیگر «عدم تسری تشخیص مالیات به قبل از سال ۱۳۹۵» است. از آنجاکه صلاحیت سازمان در تشخیص مالیات بر اساس تراکنش‌های نامشخص با تصویب ماده ۱۶۹ مکرر ایجاد شد؛ بنابراین جهت اظهار نظر پیرامون تسری این صلاحیت به پیش از آن باید به ماده ۲۸۱ قانون مالیات‌های مستقیم نیز عنایت داشت. طبق این ماده تاریخ شروع اعتبار اصلاحیه‌ها از سال ۱۳۹۵ تعیین شده است؛ همچنین به نظر می‌رسد توجه به مواد ۲ و ۴ قانون مدنی، اصل عطف به ماسبق نشدن قوانین مالیاتی و اصل تفسیر مضیق و محدود قوانین مالیاتی نیز در این موضوع راهگشا باشد. به نظر می‌رسد استناد به مواد ۲۲۷ و ۱۵۶ ق.م.م. (تجویز صدور برگ تشخیص متمم) جهت اثبات این تسری، محل تأمل باشد؛ زیرا همان‌گونه که ذکر شد، اخذ متمم مالیاتی نیازمند احراز

قطعی «درآمد» است. با وجود این، رویه عملی و همچنین مفاد بند ۱۰ دستورالعمل شماره ۲۰۰/۹۹/۱۶ مورخ ۱۳۹۹/۱/۳۱ دلالت بر تسری این احکام به پیش از سال ۱۳۹۵ دارد، موضوعی که مورد شکایت نزد دیوان عدالت قرار گرفت؛ اما به موجب دادنامه شماره ۱۳۱ مورخ ۹۷/۶/۲۷ هیئت، فاقد صراحت مبنی بر تسری احکام خاص تخصصی اقتصادی مالی و اصناف، دستورالعمل معترض‌عنه اساساً اصلاحیه قانون به گذشته تشخیص داده شد (عبدالهی، ۱۳۹۹).

۱-۸-۳- سایر ضوابط در حسابرسی مالیاتی

از دیگر ضوابط حقوقی تشخیص مالیات، «لزوم اطلاع‌رسانی به مؤدی در مورد نحوه تشخیص و محاسبه مالیات» است که از جمله در ماده ۲۳۷ ق.م.م و ماده ۳۵ آیین‌نامه ماده ۲۱۹ ق.م.م به آن اشاره شده است. در موضوع تراکنش‌های بانکی نیز طبق بند ۱۹ از دستورالعمل شماره ۲۰۰/۹۹/۱۶ مورخ ۱۳۹۹/۱/۳۱ سازمان، اگر مبنای صدور برگ تشخیص مالیاتی، تراکنش‌های بانکی و دیگر اطلاعات واصله از حساب‌های بانکی مؤدی باشد، ادارات امور مالیاتی مکلف‌اند در صورت درخواست کتبی مؤدی، لوح فشرده یا تصویر مبنای محاسبه را نیز به وی تحویل دهند. ضابطه دیگر، «مقید به زمان بودن تشخیص» است، تراکنش‌های بانکی که در مواد ۱۵۶ و ۱۵۷ ق.م.م حسب مورد، مواعید یک‌ساله و پنج‌ساله جهت تشخیص مالیات در نظر گرفته شده است. در تشخیص مالیات بر اساس تراکنش‌های بانکی نیز در بند ۱۵ دستورالعمل شماره ۲۰۰/۹۶/۵۰۵ مورخ ۱۳۹۶/۰۲/۲۴ و همچنین بند ۳ دستورالعمل شماره ۲۰۰/۹۶/۵۲۵ مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۰۲ بر این موضوع تأکید شده است (عبدالهی، ۱۳۹۹).

شاخص‌های حساب بانکی مشکوک

معیارها و شاخص‌ها، نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌های آگاهانه در همه سطوح دارند. اساساً بدون سنجش‌های به نام معیار و یا شاخص، ارزیابی امکان‌پذیر نیست و هرگونه بررسی و شناخت واقعی از طریق ابزار ارزیابی نیاز به تدوین معیار و شاخص‌هایی برای اندازه‌گیری مطلوبیت یا عدم مطلوبیت وضع موجود دارد (حاجی صادقی و همکاران، ۱۴۰۱).

به منظور شناسایی و تأیید شاخص‌های حساب بانکی مشکوک، ۳۴ شاخص در ۳ طبقه از مرور مبانی نظری و مطالعات تجربی به دست آمده است که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

۱-۹- علائم مربوط به معاملات نقدی

– واریز نقدی به حساب به یک‌باره یا به دفعات که با اطلاعات ارائه شده و ماهیت تجاری مؤدی در تعارض باشد؛

- سپرده‌گذاری وجه نقد در مؤسسات مالی و سپس انتقال سریع آن از طریق حواله به سایر نقاط یا خارج از کشور؛
- مشخص نبودن منبع وجوه: در مواردی که وجوه واریزی به حساب اشخاص از منبع نامشخص باشد؛
- انجام دادن مکرر عملیات و معاملات کمتر از سقف تعیین شده که موجب گزارش‌دهی می‌گردد؛
- واریز به حساب بانکی از مناطق پرخطر؛
- ارائه چک‌های ظهر نویسی شده متعددی به بانک برای وصول به حساب مؤدی؛
- معاملات متعدد نقدی متعارض با الگوی حرفه‌ای و رفتار مؤدی؛
- تبدیل اسکناس‌های ریز (با مبالغ پایین) به اسکناس‌های درشت (با مبالغ بالا).

۱-۱۰- علائم مربوط به حساب‌های سپرده

- بستن یک حساب و باز کردن حساب دیگر با همان نام یا نام یکی از اعضای خانواده؛
- خرید سهام یا اوراق مشارکت با پولی که از خارج وارد شده یا انجام همین عمل پس از سپرده‌گذاری؛
- حواله وجه به بانک دیگر بدون ذکر نام ذینفع؛
- بازپرداخت اقساط معوقه وام از طریق ضبط وثیقه سپرده شده به بانک؛
- وجود انواع حساب به نام مؤدی در مؤسسات مالی در یک منطقه، بدون هیچ دلیلی؛
- انتقال وجه از حساب مشتریان دیگر بدون وجود رابطه کاری یا خویشاوندی؛
- تقاضای انتقال وجه یا سایر دارایی‌ها به خارج از کشور به‌طور غیرمرتبط با حرفه مؤدی؛
- نقل و انتقال بین حساب‌های مؤدی و تبدیل آن به سایر ابزارهای مالی؛
- مؤدی بدون داشتن هدف تجاری مشخص، وجوهی را انتقال می‌دهد؛
- درخواست چندین کارت‌خوان سیار؛
- وجود حساب‌های متعدد به نام مؤدی نزد بانک کارگزار؛
- پرداخت حق مشاوره و حق دلالی و... به کارکنان و یا دیگر اشخاص ثالث به صورت مستمر از حساب؛
- تقاضای کارت اعتباری در محلی غیر از محل اقامت خود یا خارج از کشور؛
- خرید مستمر چک و ارزهای خارجی و اسناد و اوراق بهادار به نحو متعارض با حرفه مشتری.

۱-۱۱- علائم کلی

- عدم تناسب تراکنش با سابقه مالیاتی فرد؛
- ارائه مدارک جعلی و اطلاعات خلاف و غیرواقعی یا عدم ارائه اطلاعات مورد نظر سازمان امور مالیاتی؛
- تقاضای انجام عملیات و معاملات پیچیده بانکی که فاقد توجیه قانونی یا اقتصادی است؛
- بروز وقفه در ارائه مدارک ثبتی شرکت در هنگام افتتاح حساب؛
- داشتن اطلاعات ناقص و پرابهام از میزان موجودی حساب؛
- برقراری روابط تجاری با مؤسسات مالی مختلف و سعی در برقراری ارتباط با کارکنان مؤسسات مالی؛
- استفاده از یک نشانی با تغییر نام ساکنان به دفعات؛
- ارائه اطلاعات مشکوک و مبهم در هنگام احراز هویت؛
- ارائه مدارک جعلی و دستکاری شده؛
- افتتاح حساب و کالتی؛
- ارائه صورت‌های مالی نامتعارف برای دریافت تسهیلات (حاجی صادقی و همکاران، ۱۴۰۱).

دلیل استفاده و جذابیت مالیات بر تراکنش بانکی

به دلیل گسترده بودن پایه این مالیات، وضع آن حتی در نرخ‌های بسیار پایین می‌تواند درآمد قابل توجهی را در کوتاه‌مدت به همراه داشته باشد. از سوی دیگر، به دلیل محدود بودن تعداد بانک‌های موجود در هر کشور، خودکار بودن سیستم‌های حسابداری بانک‌ها و ثبت پیشینه تراکنش‌های مالی، هزینه گردآوری این مالیات در مقایسه با مالیات‌های دیگر کمتر است. پایین بودن هزینه گردآوری، گستردگی پایه مالیاتی و امکان وضع این مالیات در نرخ‌های بسیار ناچیز باعث شده که برخی از سیاست‌گذاران به این مالیات به چشم مالیاتی جذاب با کمترین آثار جانبی نگاه کنند. با این حال، تجربه کشورهای که این مالیات را وضع کردند، نشان‌دهنده تبعات منفی وضع این مالیات بر اقتصاد کشورها و ناکارآمدی آن است (سلطان‌العلمایی و روان‌بخش، ۱۳۹۹).

تجربه کشورها در دریافت مالیات بر تراکنش‌های بانکی

مالیات بر تراکنش‌های بانکی نخستین بار در سال ۱۸۹۸ توسط دولت آمریکا به صورت ۲ سنت مالیات بر مبادله هر چک بانکی برای تأمین هزینه‌های جنگ آمریکا-اسپانیا وضع شد. پس از آن، در بحران بزرگ از ژوئن ۱۹۳۲ تا دسامبر ۱۹۳۴، این مالیات بار دیگر در آمریکا وضع شد. از پایان دهه ۱۹۸۰، بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین مالیات‌های مشابهی را برای افزایش درآمدهای خود وضع کردند و این روش در کشور استرالیا و یونان نیز استفاده شد.

سیاست مالیات بر تراکنش‌های بانکی یک سیاست قدیمی است که بیشتر در دهه ۹۰ میلادی و پیش از آن استفاده شده و به دلیل معایب آن، در حال حاضر به‌طور گسترده استفاده نمی‌شود. بیشتر تجربیات بین‌المللی در خصوص این نوع از مالیات مربوط به کشورهای آمریکای لاتین است که در این قسمت مرور می‌شوند.

آرژانتین

آرژانتین نخستین کشور آمریکای لاتین بود که مالیات بر تراکنش‌های برداشت از حساب بانکی را به‌طور موقت در زمان بحران مالی به کار برد. این مالیات نخست در سال ۱۹۷۶ با نرخ ۰/۲ درصد وضع و پس از سه ماه لغو شد. پس از آن، از اکتبر ۱۹۸۳ این مالیات بار دیگر در نرخ‌های مندرج در جدول (۱) وضع شده است.

جدول ۱: نرخ مالیات بر تراکنش‌های بانکی در آرژانتین

دوره	نرخ
اکتبر ۱۹۸۳ تا اگوست ۱۹۸۵	۰/۱۰ درصد
اگوست ۱۹۸۵ تا ۱ مارس ۱۹۸۸	۰/۲۰ درصد
۱ مارس ۱۹۸۸ تا ۳۱ دسامبر ۱۹۸۹	۰/۷۰ درصد
۱ ژانویه ۱۹۹۰ تا ۲۰ فوریه ۱۹۹۱	۰/۳۰ درصد
۲۱ فوریه ۱۹۹۱ تا ۲۰ فوریه ۱۹۹۲	۱/۲۰ درصد
۱ آوریل ۲۰۰۱ تا ۳۰ آوریل ۲۰۰۱	۰/۲۵ درصد (بدهکار و بستانکار)*
۱ می ۲۰۰۱ تا ۳۱ جولای ۲۰۰۱	۰/۴۰ درصد (بدهکار و بستانکار)
۱ اگوست ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۶	۰/۶۰ درصد (بدهکار و بستانکار)

*برای مواردی که مالیات به‌طور همزمان بر تراکنش‌های بدهکار و بستانکار وصل شده است، نرخ مؤثر مالیات دو برابر نرخ درج شده در جدول است.

منبع: باکا کامپودونیکو^۱ و همکاران (۲۰۰۶).

بهره‌وری این مالیات در طول زمان کاهش یافته است که ناشی از افزایش فرار مالیاتی در طول زمان می‌باشد. برای آرژانتینی‌ها افتتاح حساب در اروگوئه کار بسیار آسانی بود؛ بنابراین، عاملان اقتصادی معاملات خود را تا حد امکان از طریق بانک‌های اروگوئه انجام می‌دادند. همچنین، عاملان اقتصادی برای حداقل کردن پرداخت‌های مالیاتی به‌جای واریز کردن چک‌ها، آن‌ها را پشت‌نویسی می‌کردند. بدین ترتیب چک‌ها، به‌ویژه چک‌های در وجه حامل، به‌طور مکرر دست به دست می‌شد، بدون آنکه برای تسویه تحویل بانک‌ها داده شود.

بر اساس داده‌های بانک مرکزی این کشور، سهم پول نقد خارج از بانک‌ها به عنوان درصدی از کل دارایی‌های نقد بانک، از زمان وضع مالیات بر بدهی بانکی بیش از دو برابر شد. تقاضای پول نقد با وجود افزایش نرخ تورم، افزایش یافت. افزون بر این، کاهش ۴۳ درصدی تعداد چک‌های تسویه شده در بانک مرکزی در پنج‌ماهه

1. Baca Campodónico et al.

نخست سال ۲۰۰۳ نسبت به دوره مشابه سال ۲۰۰۲، شاهد دیگری برای کاهش واسطه‌گری مالی در این کشور است.

برزیل

برزیل نخستین بار مالیات بر تراکنش‌های بانکی را در ژوئیه ۱۹۹۳ وضع کرد. پس از آن تا پایان سال ۲۰۰۴ این مالیات در دوره‌های غیرپیوسته مطابق نرخ‌های درج‌شده در جدول (۲) در این کشور برقرار بوده است.

جدول ۲: نرخ مالیات بر تراکنش‌های بانکی در برزیل

دوره	نرخ
۲۶ اوت ۱۹۹۳ تا ۱۵ سپتامبر ۱۹۹۳	۰/۲۵ درصد
۱ ژانویه ۱۹۹۴ تا ۳۱ دسامبر ۱۹۹۴	۰/۲۵ درصد
۲۳ ژانویه ۱۹۹۷ تا ۲۲ فوریه ۱۹۹۹	۰/۲۰ درصد
۱۷ ژوئن ۱۹۹۹ تا ۱۶ ژوئن ۲۰۰۰	۰/۳۸ درصد
۱۷ ژوئن ۲۰۰۰ تا ۱۷ مارس ۲۰۰۱	۰/۳۰ درصد
۱۸ مارس ۲۰۰۱ تا پایان ۲۰۰۴	۰/۳۰ درصد + ۰/۰۸ درصد اضافه

منبع: باکا کامپودنیکو و همکاران (۲۰۰۶)

تمام تراکنش‌های برداشت از حساب‌های بانکی توسط سپرده‌گذاران غیربانکی دربرگیرنده حساب‌های جاری، سرمایه‌گذاری، مدت‌دار و پس‌انداز، به‌علاوه تسهیلات اضافه برداشت در حساب‌های جاری و تراکنش‌ها در بازارهای اسپات^۱ و آتی^۲ مشمول این مالیات شدند. با هدف جلوگیری از فرار مالیاتی از طریق چک (استفاده از یک چک برای چند پرداخت)، پشت‌نویسی چک‌ها محدود به یک مرتبه شد. حساب‌های دولتی (تمام سطوح دولت شامل نمایندگان دولتی)، برداشت از حساب‌های تأمین اجتماعی فردی و بیمه بیکاری معاف از مالیات شدند. سازمان‌های غیرانتفاعی و تراکنش‌های بازار سرمایه نیز معاف از این مالیات گردیدند.

به نظر می‌رسد بهره‌وری مالیاتی در این کشور تحت تأثیر افزایش‌های چندباره نرخ در طول زمان قرار نگرفت و نسبت به کشورهای دیگر بررسی شده، درصد بهره‌وری در این کشور بالا بوده است.

با افزایش نرخ قانونی این مالیات در برزیل، نسبت پول نقد خارج از بانک‌ها به دارایی‌های نقد آن‌ها به‌طور مداوم افزایش یافت که نشان‌دهنده کاهش پیاپی سطح واسطه‌گری مالی است. مالیات بر تراکنش‌های برداشت از حساب بانکی در برزیل به کاهش تعداد چک‌های صادره، افزایش در پایه پولی، کاهش سپرده‌های مدت‌دار به نفع صندوق‌های پوشش ریسک که معاف از مالیات بودند و افزایش در اختلاف‌های نرخ بهره نیز منجر شد.

1. Spot Market
2. Futures Market

کلمبیا

کشور کلمبیا در نوامبر ۱۹۹۸ مالیات بر تراکنش‌های بانکی را با نرخ ۰/۲ درصد به عنوان یک ابزار موقت درآمدی وضع کرد و درآمد آن را برای تأمین کمک‌های مالی مؤسسات پرداخت‌کننده وام مسکن تخصیص داد. این مالیات که قرار بود در دسامبر ۱۹۹۹ منقضی شود تا پایان سال ۲۰۰۰ تداوم یافت؛ اما تخصیص درآمدی آن حذف شد. پس از آن، این مالیات شکل دائمی به خود گرفت و در نرخ‌های درج‌شده در جدول (۳) ادامه یافت.

جدول ۳: نرخ مالیات بر تراکنش‌های بانکی در کلمبیا

دوره	نرخ
۱۶ نوامبر ۱۹۹۸ تا ۳۱ سپتامبر ۲۰۰۰	۰/۲۰ درصد
۱ ژانویه ۲۰۰۱ تا ۳۱ دسامبر ۲۰۰۳	۰/۳۰ درصد
۱ ژانویه ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۶	۰/۴۰ درصد

منبع: باکا کامپودنیکو و همکاران (۲۰۰۶)

در سال ۲۰۰۶، این مالیات بر تمام برداشت‌ها از حساب‌های جاری و پس‌انداز، تراکنش کارت‌های اعتباری و بازپرداخت اقساط وام نیز وضع شد. در سال مالی ۲۰۰۲، این مالیات ۵/۴ درصد از کل درآمد مالیاتی کلمبیا، برابر حدود ۰/۷ درصد از تولید ناخالص داخلی این کشور را تشکیل داده بود.

بهره‌وری این مالیات در طول زمان به دلیل افزایش نرخ مالیات و رشد فرار مالیاتی کاهش یافت. افزون بر این، وضع این مالیات به کاهش واسطه‌گری مالی و به دنبال آن، کاهش بیشتر بهره‌وری مالیاتی انجامید.

ونزوئلا

ونزوئلا برای نخستین بار مالیات بر تراکنش‌های بانکی را بین می تا دسامبر ۱۹۹۴ وضع کرد. پس از آن، این مالیات تا سال ۱۹۹۹ منتفی شد. سپس، بار دیگر از می ۱۹۹۹ این مالیات با نرخ‌های درج‌شده در جدول (۴)، وضع گردید.

جدول ۴: نرخ مالیات بر تراکنش‌های بانکی در ونزوئلا

دوره	نرخ
۹ می ۱۹۹۴ تا ۳۱ دسامبر ۱۹۹۴	۰/۷۵ درصد
۱۴ می ۱۹۹۹ تا ۱۳ می ۲۰۰۰	۰/۵۰ درصد
۱۵ مارس ۲۰۰۲ تا ۳۱ آگوست ۲۰۰۲	۰/۸۰ درصد
۱ سپتامبر ۲۰۰۲ تا ۳۱ ژوئن ۲۰۰۳	۱/۰۰ درصد
۱ جولای ۲۰۰۳ تا ۳۱ دسامبر ۲۰۰۳	۰/۸۰ درصد
۱ ژانویه ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۶	۰/۵۰ درصد

منبع: باکا کامپودنیکو و همکاران (۲۰۰۶)

دلیل اصلی وضع این مالیات در ونزوئلا مقابله با فشارهای مالی وارد بر دولت ناشی از کاهش مداوم درآمدهای نفتی این کشور بوده است. نرخ این مالیات در ونزوئلا در مقایسه با کشورهای دیگر تقریباً بالا بوده و در سپتامبر سال ۲۰۰۲ به دلیل بحران‌های سیاسی و فلج شدن تقریبی صنعت نفت به بالاترین میزان خود (۱ درصد) رسید. بهره‌وری مالیات بر تراکنش‌های بانکی در ونزوئلا در طول زمان به دلیل نرخ‌های بالای مالیات کاهش یافت.

اکوادور

در ژانویه ۱۹۹۹ در میانه یک بحران مالی و اقتصادی، اکوادور مالیاتی با نرخ ۱ درصد بر تراکنش‌های مالی وضع کرد که نخست، جایگزینی برای مالیات بر درآمد معرفی شد. در ژانویه ۲۰۰۰ تا زمان لغو این مالیات در ژانویه ۲۰۰۱، نرخ این مالیات به ۰/۸ درصد کاهش یافت (جدول ۵).

جدول ۵: نرخ مالیات بر تراکنش‌های بانکی در اکوادور

دوره	نرخ
۱ ژانویه ۱۹۹۹ تا ۳۱ دسامبر ۱۹۹۹	۱/۰۰ درصد (بدهکار و بستانکار)
۱ ژانویه ۲۰۰۰ تا ۱ دسامبر ۲۰۰۰	۰/۸۰ درصد (بدهکار و بستانکار)

منبع: باکا کامپودنیکو و همکاران (۲۰۰۶)

نمایندگان بخش عمومی، دولت‌های محلی، دانشگاه‌های دولتی، بانک مرکزی، دولت‌های خارجی و نهادهای بین‌المللی، کمک‌های تأمین اجتماعی، وجوه دریافت شده توسط نهادهای مالی برای واسطه‌گری، برداشت از حساب‌های پس‌انداز و خودپردازها معاف از این مالیات شدند.

نتایج بررسی در این کشور نشان می‌دهد که بهره‌وری درآمدی این مالیات در ابتدا، یعنی زمانی که قرار بود جایگزین مالیات بر درآمد شود، بالا بود. با این حال، با حذف این قانون بهره‌وری کاهش یافت. بهره‌وری درآمدی تحت تأثیر این واقعیت که پایه مالیاتی در این کشور گسترده‌تر از کشورهای دیگر بود نیز قرار داشت؛ زیرا در این کشور، مالیات بر هر دو نوع تراکنش برداشت از حساب‌ها یا واریز به حساب‌ها وضع شده بود. همچنین این مالیات به کاهش واسطه‌گری مالی در اکوادور نیز منجر شد که با ضعف سیستم بانکداری و بحران‌های اقتصادی این کشور همراه شد.

پرو

در آگوست ۱۹۸۹، پرو مالیات بر تراکنش‌های بانکی را با نرخ ۰/۱ درصد به عنوان ابزار فوری افزایش درآمد در طول یک دوره ابرتورم وضع کرد. نرخ این مالیات در پرو تا ۰/۲ درصد در آوریل تا سپتامبر ۱۹۹۰ افزایش و پس از آن به طور پیاپی کاهش یافت تا سرانجام این مالیات در سال ۲۰۰۶ در پرو لغو شد (جدول ۶).

جدول ۶: نرخ مالیات بر تراکنش‌های بانکی در پرو

نرخ	دوره
۱/۰۰ درصد	۱۱ آگوست ۱۹۸۹ تا ۱۲ آوریل
۲/۰۰ درصد	۱۳ آوریل ۱۹۹۰ تا ۲۸ سپتامبر
۱/۰۰ درصد	۲۹ سپتامبر ۱۹۹۰ تا ۲۵ آوریل
۰/۷۵ درصد	۲۶ آوریل ۱۹۹۱ تا ۳۱ دسامبر
۰/۴۰ درصد	۱ ژانویه ۱۹۹۲ تا ۱۷ مارس ۱۹۹۲
۰/۰۵ درصد	۱ مارس ۲۰۰۴ تا ۳۱ دسامبر
۰/۰۴ درصد	۱ ژانویه ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۶

منبع: باکاکامپودنیکو و همکاران (۲۰۰۶)

در این کشور، مالیات بر تراکنش‌های بانکی بر تمام تراکنش‌های برداشت از حساب‌های بانکی وضع شد؛ اما فهرست معافیت‌های گسترده مشمول در این کشور عبارت‌اند از: حساب‌های پس‌انداز، حساب‌های صندوق‌های تأمین مالی مسکن، حساب‌های دولتی، حساب کارگزاران رسمی گمرک، دانشگاه‌ها و مدارس، تراکنش‌های میان حساب‌های یک شخص، شرکت‌های صنعتی و معدنی که قراردادهای مالیات با نرخ ثابت امضا کرده بودند، پرداخت‌های انفصال از خدمت و پرداخت‌های خود مالیات. به دنبال وضع این مالیات، جابه‌جایی وجوه از حساب‌های جاری به پس‌انداز که معاف از مالیات بودند، تشویق شد. به منظور اجتناب از برداشت از حساب‌های بانکی، تصفیه پرداخت‌ها به‌طور مستقیم میان خود شرکت‌ها انجام می‌شد. پشت‌نویسی چندباره چک‌ها رواج پیدا کرد و دلاریزه شدن گسترش یافت. کاهش واسطه‌گری مالی با استفاده گسترده از ابزارهای تسویه غیررسمی همراه شد که به افت درآمدهای مالیاتی و میزان سپرده‌ها در حساب‌های جاری برحسب مقادیر حقیقی منجر گردید.

استرالیا

در آوریل ۱۹۸۳، استرالیا مالیاتی در سطح ملی بر برداشت از حساب‌های جاری بانک‌ها وضع کرد. در سال ۱۹۹۰ این مالیات به سطح ایالتی تغییر کرد و هر ایالت می‌توانست به‌طور داوطلبانه آن را بپذیرد، اگرچه همچنان وظیفه گردآوری آن بر عهده بانک مرکزی بود. اگر ایالتی وضع این مالیات را نمی‌پذیرفت، کمک‌هزینه‌ها به آن ایالت برابر درآمد از دست رفته کاهش می‌یافت؛ بنابراین، ایالت‌ها انگیزه فراوانی برای پذیرش این مالیات داشتند. تا سال ۲۰۰۱، این مالیات ایالتی با عنوان مالیات بدهی در تمام ایالت‌ها به غیر از یک ایالت اجرا می‌شد. نرخ این مالیات بر حسب ارزش بدهی از ۰/۳۰ دلار برای تراکنش‌های کمتر از ۱۰۰ دلار شروع و به ۴ دلار برای تراکنش‌های ۱۰۰۰۰ دلاری و بیشتر می‌رسید.

جدول ۷: خلاصه‌ای از مالیات بر تراکنش در کشورهای مورد مطالعه

کشور	نرخ	معافیت	نتیجه
آرژانتین	۰/۱-۰/۷	تراکنش‌های معامله‌گران بازار مالی- تراکنش‌های لغو شده؛ تراکنش‌های مؤسسات مالی با بانک مرکزی؛ تراکنش‌های کوچک؛ و تراکنش برداشت از حساب مالیات	کاهش بهره‌وری مالیاتی، فرار مالیاتی، دست‌به‌دست شدن چک، دو برابر شدن سهم پول نقد خارج از بانک‌ها، افزایش تقاضای پول نقد و کاهش واسطه‌گری مالی
برزیل	۰/۲۵ افزایش تا ۰/۳۸	برداشت از صندوق‌های اجتماعی؛ حقوق بیکاری؛ خیریه‌ها؛ حساب‌های بازنشستگی انفرادی؛ انتقالات میان حساب‌های مالک یکسان؛ سپرده‌های مؤسسات مالی و معامله‌گران	افزایش بهره‌وری مالیاتی، افزایش نسبت پول نقد خارج از بانک‌ها به دارایی‌های نقد، کاهش تعداد چک‌های صادره، افزایش در پایه پولی، کاهش سپرده‌های مدت‌دار به نفع صندوق‌های پوشش ریسک معاف از مالیات، افزایش در اختلاف‌های نرخ بهره
کلمبیا	۰/۷ به ۰/۶	برداشت‌های محدود از حساب‌های پس‌انداز برای اقساط خرید مسکن، انتقالات میان حساب‌های یک سپرده‌گذار، انتقالات میان حساب‌های یک شخص یکسان در بانک یکسان	کاهش بهره‌وری به دلیل افزایش نرخ مالیات و رشد فرار مالیاتی کاهش و کاهش واسطه‌گری مالی
اکوادور	۳/۵ به ۲/۳	برداشت از حساب‌های پس‌انداز و خودپردازها؛ و مناطق آزاد	کاهش بهره‌وری مالیاتی و کاهش معاملات بین‌بانکی، کاهش واسطه‌گری مالی
پرو	۱ به ۰/۴	کارمزد های بانکی، حق کمیسیون‌ها، بهره‌ها؛ پرداخت‌های مالیاتی؛ حساب‌های بانکی نزد بانک مرکزی؛ حساب‌های بورس سهام و معامله‌گران سهام؛ حساب‌های نمایندگان رسمی گمرک؛ حساب‌های دانشگاه‌ها و مدارس	جابجایی وجوه از حساب‌های جاری به حساب‌های پس‌انداز که معاف از مالیات هستند، افزایش دلاریزه شدن، افزایش پشت‌نویسی چک، کاهش واسطه‌گری مالی، افزایش نسبت پول نقد خارج از بانک‌ها به دارایی‌های نقد
ونزوئلا	۰/۷۵ به ۰/۵	بانک‌های وام مسکن؛ بورس سهام و معامله‌گران بورس سهام؛ صندوق‌های بازار پول؛ مستمری‌های پرداخت‌شده توسط مؤسسه تأمین اجتماعی؛ سپرده‌های بانک مرکزی؛ صندوق‌های دارایی‌های نقد	کاهش بهره‌وری به دلیل افزایش نرخ مالیات، افزایش نسبت پول نقد خارج از بانک‌ها به دارایی‌های نقد، استفاده بیشتر از پول نقد و حرکت به سمت بانکداری برون‌مرزی
استرالیا	۱/۳ به ۰/۶	ارگان‌های دولتی، خیریه‌ها، بیمارستان‌های دولتی، دیپلمات‌ها و نمایندگان کنسولی و تراکنش‌های بین‌بانکی	نقص‌های مالیات بر برداشت از حساب بانکی و مانع توسعه سیستم مالی

۲- تأثیر مالیات بر تراکنش‌های بانکی در اقتصاد

۲-۱- تأثیر مالیات بر تراکنش‌های بانکی بر بخش واقعی

از آنجاکه مالیات بر تراکنش‌های بانکی معمولاً در نرخ‌های بسیار پایین وضع می‌شود، ممکن است تصور شود این مالیات در مقایسه با مالیات‌های دیگر (مانند مالیات بر ارزش افزوده)، آثار جانبی کمتری بر فعالیت‌های اقتصادی دارد. این تصور الزاماً درست نیست، به‌ویژه در مورد کالاهایی که فرایند تولید و فروش آن‌ها مراحل متعددی دارد. در خصوص این کالاها، نرخ ناچیز این مالیات در طول مراحل تولید و فروش به یک نرخ بسیار بالاتر تبدیل می‌شود؛ بنابراین، وضع این مالیات می‌تواند به عدم استقبال از تولید چنین کالاهایی در مقایسه با کالاهایی که مراحل تولید و فروش کمتری دارند، منجر گردد. این موضوع، ممکن است به ادغام‌های عمودی قابل توجه در کارخانه‌های بزرگ و مزیت رقابتی آن‌ها در برابر بنگاه‌های کوچک (که مجبور به خرید نهاده‌های خود از شرکت‌های دیگر هستند) منجر شود.

وضع این مالیات از طریق کاهش حاشیه سود نیز می‌تواند بر انواع فعالیت‌ها تأثیرگذار باشد. فعالیت‌هایی که دارای حاشیه سود کمی هستند، انگیزه‌ای قوی برای انجام معاملات به صورت نقدی پیدا می‌کنند؛ در غیر این صورت ممکن است از چرخه کسب‌وکار حذف شوند. در مقابل، کسب‌وکارهایی که حاشیه سود بالایی دارند، ممکن است تنها با کاهش ناچیزی در حاشیه سود خود مواجه شوند؛ بنابراین، تغییر عمده‌ای در شیوه پرداخت یا فعالیت آن‌ها ایجاد نشود. افزون بر این، به دنبال وضع این مالیات ممکن است بنگاه‌ها معاملات خود را از راه‌های دیگر به‌طور مثال به صورت برون‌مرزی یا با استفاده از ابزارهایی که طبق قانون معاف از مالیات شده‌اند، انجام دهند. به هر حال، با وضع مالیات بر تراکنش‌های بانکی بسیاری از بنگاه‌ها منابعی را برای فرار و اجتناب از این نوع مالیات اختصاص می‌دهند که در صورت وضع نشدن آن می‌تواند برای مقاصد کاراتری تخصیص داده شود.

خانوارها نیز همانند بنگاه‌ها با مسائل مشابهی مواجه هستند. اگرچه فرصت اجتناب از معاملات (تراکنش‌های) مشمول مالیات برای خانوارها در مقایسه با کسب‌وکارها محدودتر و یا پرهزینه‌تر است؛ اما خانوارها ممکن است به جانشین کردن کالاهای دارای بالاترین نرخ‌های مالیاتی (کالاهایی که مراحل تولید زیادتری دارند) با کالاهای دیگر بپردازند. چنانچه بخش‌هایی که بیشترین مالیات را می‌پردازند، بخش‌هایی باشند که کالاهای ضروری را تولید می‌کنند، این مالیات مانند مالیات بر مصرف بهینه خواهد بود.

۲-۲- تأثیر مالیات بر تراکنش‌های بانکی بر بخش مالی و ساختار تراکنش‌ها

مالیات بر تراکنش‌های بانکی از طریق تغییر ساختار تراکنش‌ها، اختلالاتی را نیز در بخش مالی ایجاد می‌کند. افرادی که تمام تراکنش‌های خود را به صورت نقدی یا تهاتری انجام می‌دهند، مشمول این مالیات نمی‌شوند؛ بنابراین، این مالیات نوعی مالیات بر خدمات واسطه‌گری مالی است که عدم استفاده از این خدمات و یافتن روش‌های پرداخت جایگزین را تشویق می‌کند. بدیهی است، این امر با عملکرد سیستم بانکی تداخل دارد و موجب تسهیل فعالیت‌های اقتصادی مبتنی بر پولشویی نیز می‌شود. مالیات‌های معطوف به واسطه‌گری مالی، وظیفه تسهیل‌کنندگی ابزار پرداخت را (که برای توسعه اقتصادی ضروری است) مورد هدف قرار می‌دهند. فقط به عنوان یک نمونه، گسترش واسطه‌گری مالی در بازار سرمایه می‌تواند از طریق افزایش عمق مالی، تجهیز پس‌اندازها و تخصیص کاراتر سرمایه‌ها، نقش توسعه مالی در کل اقتصاد را برجسته‌تر سازد و این در حالی است که وضع هرگونه مالیات بر تراکنش‌های مالی معطوف به این حوزه، آثار خارجی مثبت این موضوع را تحلیل می‌برد.

وضع این مالیات در کشورهای آرژانتین، اکوادور، پرو و ونزوئلا نیز به افزایش تقاضا برای پول نقد و به دنبال آن، افزایش نسبت پول نقد خارج از بانک‌ها به دارایی‌های نقد سیستم بانکی منجر شد. به عنوان یک واقعیت عملی می‌توان گفت به دلیل ماهیت مالیات بر تراکنش‌های بانکی، طراحی این نوع از مالیات‌ها به گونه‌ای که مانع از دور زدن مؤدیان مالیاتی شود، چالش‌برانگیز است. انجام معاملات با پول نقد، انتقال دادوستدها به خارج از کشور و استفاده از ابزارهای مالی معاف از این مالیات از راهکارهای دور زدن این نوع مالیات است. تغییر ابزار تسویه معاملات به دنبال وضع این مالیات قابل پیش‌بینی است، هرچند در کشورهایی که به سیستم بانکی خارج از کشور دسترسی ندارند، این تغییر ممکن است آهسته‌تر رخ دهد.

۲-۳- بهره‌وری مالیات بر تراکنش‌های بانکی و درآمد دولت‌ها

تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد که به دنبال کوچک‌تر شدن پایه مالیاتی، درآمد مالیات بر تراکنش‌های بانکی در صورت ثابت بودن نرخ مالیاتی در طول زمان کاهش می‌یابد. از این‌رو، به‌منظور حفظ سطح مشخصی از درآمد مالیاتی، نرخ مالیات باید به‌طور مکرر افزایش یابد. از سوی دیگر، پایه مالیاتی مالیات بر تراکنش‌های بانکی، رابطه معکوسی با نرخ مالیات داشته و با افزایش نرخ مالیات، پایه مالیاتی به‌طور فزاینده‌ای فرسوده می‌شود؛ به این ترتیب، درآمد مالیات بر تراکنش‌های بانکی از ساختاری شبیه به منحنی لافر^۱ تبعیت می‌کند.

به عنوان مثال، در کشورهای آمریکای لاتین با نرخ مالیات ۰/۲ درصد، درآمد مالیاتی سال دوم به میزان ۹ درصد کمتر از درآمد مالیاتی سال نخست بوده است؛ در حالی که برای نرخ مالیات ۰/۳ درصد، درآمد مالیاتی

۱. در اقتصاد، منحنی لافر بیانگر یک ارتباط نظری بین نرخ مالیات و درآمد مالیات دولت است. منحنی لافر بر این فرض است که درآمد مالیاتی با شدت گرفتن نرخ مالیات از ۰ تا ۱۰۰ درصد افزایش نمی‌یابد و اینکه یک نرخ مالیاتی بین ۰ تا ۱۰۰ درصد وجود دارد که درآمد مالیاتی دولت را به حداکثر می‌رساند

سال دوم حدود ۳۰ درصد کمتر از درآمد مالیاتی سال نخست بوده است. بر اساس نتایج یک پژوهش، وضع این مالیات با تغییر معاملات به سمت معاملات نقد و خارج از کشور به کاهش مالیات بر درآمد و مالیات بر ارزش افزوده منجر می‌شود؛ همچنین، بر اساس یافته‌های پژوهش، این مالیات در مقایسه با مالیات بر درآمد و فروش نمی‌تواند درآمد فراوانی برای دولت ایجاد کند.

در پژوهش‌های مختلف انجام‌شده در زمینه مالیات بر تراکنش‌های بانکی، بهره‌وری به‌صورت سهم درآمدهای مالیاتی تراکنش‌های بانکی از تولید ناخالص داخلی (برحسب درصد) به متوسط نرخ قانونی مالیات تعریف شده است. یافته‌های پژوهش‌های مختلف، بالا بودن بهره‌وری این مالیات در کوتاه‌مدت را نشان داده که به معنی کسب درآمد قابل توجه برای دولت در یک دوره کوتاه است. با این حال، در طول زمان بر اثر افزایش نرخ مالیات و فرار مالیاتی، بهره‌وری مالیاتی کاهش یافته و یک رابطه غیرخطی و معکوس میان نرخ این مالیات و بهره‌وری برقرار می‌شود. افزون بر این، با توجه به اینکه این مالیات به افزایش قابل توجه هزینه معاملات در برخی از تبادلات مالی منجر می‌شود، در مرحله نخست با خروج تقاضا از حالت تعادلی خود به ایجاد زیان مرده مالیاتی می‌انجامد. بنابراین، حتی اگر این مالیات بتواند در کوتاه‌مدت درآمد قابل توجهی برای دولت کسب کند، نباید به‌عنوان یک مالیات مناسب در نظر گرفته شود. به بیان دیگر، پایداری درآمد فقط یک شرط لازم است؛ اما نه کافی که برای مطلوبیت مالیات بر بدهی بانکی در نظر گرفته شود.

از میان کشورهای بررسی‌شده در پژوهش‌های مختلف (کشورهای آرژانتین، برزیل، کلمبیا، اکوادور، پرو و ونزوئلا)، برزیل تنها کشوری است که بهره‌وری ثابتی را در دوره زمانی بررسی شده تجربه کرده است. علت این موضوع، پایین بودن نرخ این مالیات در برزیل، پیچیده بودن سیستم بانکی این کشور و استفاده گسترده از آن در پرداخت‌ها و وضع این مالیات بر تراکنش‌های برداشت از حساب بانکی (برخلاف برخی از کشورها که این مالیات را بر تراکنش‌های بدهکار و بستانکار حساب‌های بانکی وضع کردند) است. علاوه بر این، مرسوم نبودن انتقال دارایی‌های مالی به خارج از مرزها در کشور برزیل به‌عنوان عامل دیگری برای پایدار بودن بهره‌وری در این کشور ذکر شده است.

در خصوص رابطه میان نرخ مالیات و عایدی حاصل از آن، سه متغیر عمق سیستم مالی، نرخ تورم و اختلاف میان نرخ بهره سپرده‌ها و تسهیلات در شبکه بانکی مؤثر هستند. به این صورت که به ازای یک نرخ مالیات یکسان، هرچه سیستم‌های مالی یک کشور قوی‌تر، نرخ تورم آن بالاتر و اختلاف میان نرخ بهره سپرده‌گذاری و وام‌دهی بیشتر باشد، عایدی حاصل از این مالیات بیشتر خواهد بود؛ زیرا عمیق‌تر بودن سیستم مالی به معنای بالاتر بودن هزینه فرصت انجام تراکنش‌های خارج از بانک است. همچنین، بالاتر بودن نرخ تورم باعث افزایش هزینه فرصت نگهداری پول نقد می‌شود. سرانجام، بیشتر بودن اختلاف میان نرخ بهره سپرده‌ها و تسهیلات به معنای بیشتر بودن حاشیه سود بانک‌هاست. در چنین وضعیتی در مقایسه با وضعیتی که حاشیه سود بانک‌ها کم است، امکان بیشتری برای کاهش حاشیه سود به نفع افزایش درآمدهای مالیاتی دولت وجود دارد.

مالیات بر تراکنش‌های بانکی با کاهش نرخ خالص بازدهی سپرده‌گذاران، افزایش نرخ تسهیلات برای وام‌گیرندگان و کاهش حاشیه سود (یا اختلاف نرخ تجهیز منابع و وام‌دادن) بانک‌ها به دست می‌آید. توضیح آنکه وضع مالیات بر تراکنش‌های برداشت از حساب بانکی به معنی کاهش نرخ خالص بازدهی سرمایه‌گذاری برای سپرده‌گذاران است. پس از وضع این مالیات، بانک‌ها به‌منظور جبران کاهش بازدهی سپرده‌گذاران، نرخ بازدهی سپرده‌گذاری را تا حدی افزایش می‌دهند. این امر به معنی افزایش هزینه تجهیز منابع قابل وام دادن است؛ بنابراین، نرخ تسهیلات افزایش می‌یابد. همچنین، وضع این مالیات می‌تواند به‌طور خالص باعث کاهش اختلاف میان نرخ بهره سپرده‌ها و تسهیلات شود که به معنی کاهش حاشیه سود بانک‌هاست. در عمل، بسته به درصد تغییر نرخ‌های سپرده و وام‌دهی، می‌تواند ترکیبی از سه حالت گفته شده رخ دهد.

۲-۴- مالیات بر تراکنش‌های بانکی از دید برابری و اصابت مالیاتی

از ویژگی‌های مالیات بهینه، رعایت اصل برابری است. برابری به دو صورت افقی و عمودی تعریف می‌شود. منظور از برابری افقی توزیع یکسان بار مالیاتی میان افرادی است که درآمد یکسانی دارند. به بیان دیگر، افراد با درآمد یکسان باید مقدار مالیات یکسانی پرداخت کنند. در طرف دیگر، برابری عمودی بدین معناست که افراد با درآمد بالاتر نسبت به افراد با درآمد پایین‌تر، به‌طور متناسب مالیات بیشتری پرداخت نمایند. در نگاه نخست، چنین به نظر می‌رسد که مالیات بر تراکنش‌های بانکی به شرکت‌های بزرگ‌تر و افراد پردرآمد که تراکنش‌های بیشتر و با ارزش‌های بالاتری دارند، اصابت می‌کند و احتمالاً فقیرترین اقشار جامعه که استفاده کمتری از سیستم بانکی دارند، کمتر از همه تحت تأثیر این مالیات قرار می‌گیرند؛ بنابراین، اصل عدالت عمودی رعایت می‌شود. با این حال، با در نظر گرفتن آثار ثانویه مالیات بر تراکنش‌های بانکی، این نتیجه‌گیری باید تعدیل شود؛ عواقب اقتصادی این مالیات احتمالاً به‌صورت گسترده‌تری توزیع می‌شود و در قالب قیمت‌های بالاتر کالاها و خدمات به مصرف‌کنندگان دیگر نیز منتقل می‌گردد. افزون بر این، افراد با درآمدهای بالا نسبت به افراد با درآمد متوسط و پایین، امکان بیشتری برای استفاده از حساب‌های برون‌مرزی و روش‌های دیگر فرار مالیاتی دارند. به‌طور خلاصه، آثار نهایی این مالیات از دید اصابت مالیاتی مشخص نیست و دلیل قانع‌کننده‌ای که نشان دهد این مالیات اصل برابری عمودی را رعایت می‌کند، وجود ندارد.

این مالیات به نابرابری افقی نیز منجر می‌شود: نخست، کسانی که نیاز بیشتری به خدمات واسطه‌گری مالی دارند، نسبت به کسانی که نیاز کمتری به این خدمات دارند، مالیات بیشتری پرداخت می‌کنند. نیاز بیشتر افراد به خدمات واسطه‌گری مالی ممکن است به دلیل ناامن بودن محل زندگی و نه سطح مصرف بالاتر آن‌ها باشد. به بیان دقیق‌تر، افراد ساکن در بخش‌هایی از کشور که امنیت کمتری دارد (که برای آن‌ها نگهداری پول نقد خطرناک‌تر است) نسبت به افراد ساکن در نقاط ایمن‌تر کشور، بار مالیاتی بیشتری را متحمل می‌شوند؛ دوم، این مالیات به مصرف‌کنندگان کالاهایی که مراحل تولید و فروش بیشتری دارند، بیش از مصرف‌کنندگان

کالاهایی که مراحل تولید و فروش کمتری دارند، تحمیل می‌شود. این جنبه می‌تواند شامل یک عنصر جغرافیایی نیز باشد: مصرف‌کنندگانی که در فاصله کمتری از بازار زندگی می‌کنند نسبت به مصرف‌کنندگان ساکن در فاصله دورتر، مالیات کمتری می‌پردازند؛ زیرا برای رسیدن کالا به دست گروه دوم، باید مراحل واسطه‌ای بیشتری گذرانده شود، بنابراین، لایه‌های مالیاتی بیشتری دریافت گردد. به‌طور خلاصه، به نظر می‌رسد مالیات بر تراکنش‌های بانکی، آثار نامشخصی بر توزیع بار مالیاتی دارد و از این منظر بهینه نیست.

از مجموعه مطالب بیان شده فوق، نتایج زیر ارائه می‌شود:

- مالیات بر تراکنش‌های بانکی به‌عنوان یکی از راهکارهای کسب درآمد دولت در مواقع تنگنای مالی مطرح است. پایین بودن هزینه گردآوری، گستردگی پایه مالیاتی و امکان وضع این مالیات در نرخ‌های بسیار ناچیز، این مالیات را به یک گزینه جذاب از دید برخی سیاست‌گذاران تبدیل کرده است.
- مالیات بر تراکنش‌های بانکی، ابزار موفقی برای افزایش درآمدهای دولت در کوتاه‌مدت است؛ با این حال، واکنش بازار به این مالیات در کشورهای مختلف نشان‌دهنده بروز آثار منفی بر اثر اجرای این مالیات است. با وضع این مالیات، به احتمال فراوان ابزارهای پرداخت مورد استفاده عاملان اقتصادی تغییر خواهد کرد. به عنوان مثال، فعالیت‌های اقتصادی و مراودات مالی فعالان اقتصادی غیرشفاف شده، تقاضا برای پول نقد تا حد زیادی افزایش یافته و به‌طور خلاصه واسطه‌گری مالی رسمی به‌طور قابل توجهی کاهش خواهد یافت.
- تجربیات کشورهای مختلف نشان می‌دهد که در مجموع مالیات بر تراکنش‌های بانکی نمی‌تواند به عنوان یک منبع کارای درآمدی برای دولت در نظر گرفته شود. استفاده از این مالیات به‌عنوان یک ابزار بلندمدت، واسطه‌گری مالی را با ریسک قابل توجهی روبه‌رو می‌کند؛ به‌طوری که بازگرداندن وضعیت به حالت پیشین، حتی در صورت لغو این مالیات، دشوار است. افزون بر این، به دلیل تأثیر منفی این مالیات بر عایدی مالیات‌های دیگر به دنبال زیرزمینی شدن فعالیت‌های اقتصادی، هزینه واقعی وضع این مالیات ممکن است کمتر از حد ارزیابی شود.

رعایت موارد زیر به منظور کاهش آثار منفی آن ضروری است:

- نرخ مالیات پایین باشد؛
- به این مالیات به‌عنوان یک مصلحت موقتی نگریسته شود؛

- مدت‌زمان اجرای آن محدود و از پیش مشخص باشد. هدف باید این باشد که درآمد حاصل از این مالیات در سریع‌ترین زمان ممکن با درآمد حاصل از مالیات‌های دیگر مانند مالیات بر ارزش افزوده یا مالیات بر درآمد جایگزین شود.
- به‌منظور تقویت درآمدهای حاصل از این مالیات، امکان فرار مالیاتی حذف شود و تراکنش‌های بیش از حد حساس به هزینه (مانند تراکنش‌های بازار اوراق بهادار)، معاف از این مالیات شوند.

۳- مشروح نشست هم‌اندیشی

در شروع نشست سعید غلامی به ارائه دستور کار جلسه پرداخت و بیان کرد که هدف از برگزاری این نشست‌ها، تلاش در جهت درک بهتر و درست ایده‌ها و همچنین شناخت ابعاد نادیده گرفته‌شده ایده است و در نهایت تبدیل ایده‌ها به طرح‌هایی که گوشه‌ای از مشکلات حال حاضر کشور را برطرف نمایند و به مسیر حرکت درست ایران عزیز به سمت توسعه کمک کنند.

ایشان در ادامه اظهار داشت که به منظور نظم‌دهی به مسیر ارزیابی ایده‌های مطرح‌شده و همچنین با هدف بیان قیود ایده و تبدیل شدن آن به طرح، دبیرخانه ارزیابی ایده‌ها و کلان‌پروژه مسئله‌یابی و ایده‌پروری مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری، به‌عنوان یک نهاد درصدد است که چارچوبی را برای ارزیابی، ارتقا و بسط ایده‌ها در کنار دیگر ایده‌ها و طرح‌های موجود مطرح کند. در این مسیر ابتدا درک درستی از ماهیت و انسجام درونی آن ایده و سپس آثار و تبعات ناشی از آن و در نهایت درک صحیح‌تری از ایده فراهم می‌شود و با سطح بالاتری از اطمینان، ایده مورد نظر به فرایند تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری ورود می‌نماید. خواهشمند است؛ ذی‌نفعان و ذی‌نفوذان حاضر در جلسه چنانچه ایده مستعد تبدیل شدن به یک طرح اجرایی برای پیشنهاد به سیاست‌گذاران است، طی فرایندی به ارتقاء طرح تا مرحله اجرا کمک کنند.

در ادامه، حمید محمدی رئیس گروه پژوهشی آینده‌نگری و فناوری‌های نو مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری نیز موضوع ایده در حوزه مالیات‌ها را با عنوان اصلاح نظام مالیاتی کشور مطرح و از ایده‌پردازان دعوت به ارائه کرد.

معرفی ایده توسط آقای پویا ابوالحسنی

آقای ابوالحسنی، پژوهشگر حوزه اقتصاد و قائم‌مقام اندیشکده سرآمد مرکز پژوهشی آرا با اظهار اینکه مباحث مطرح شده قسمتی از پازل اصلاح نظام مالیاتی است، به ارائه ایده پرداخت.

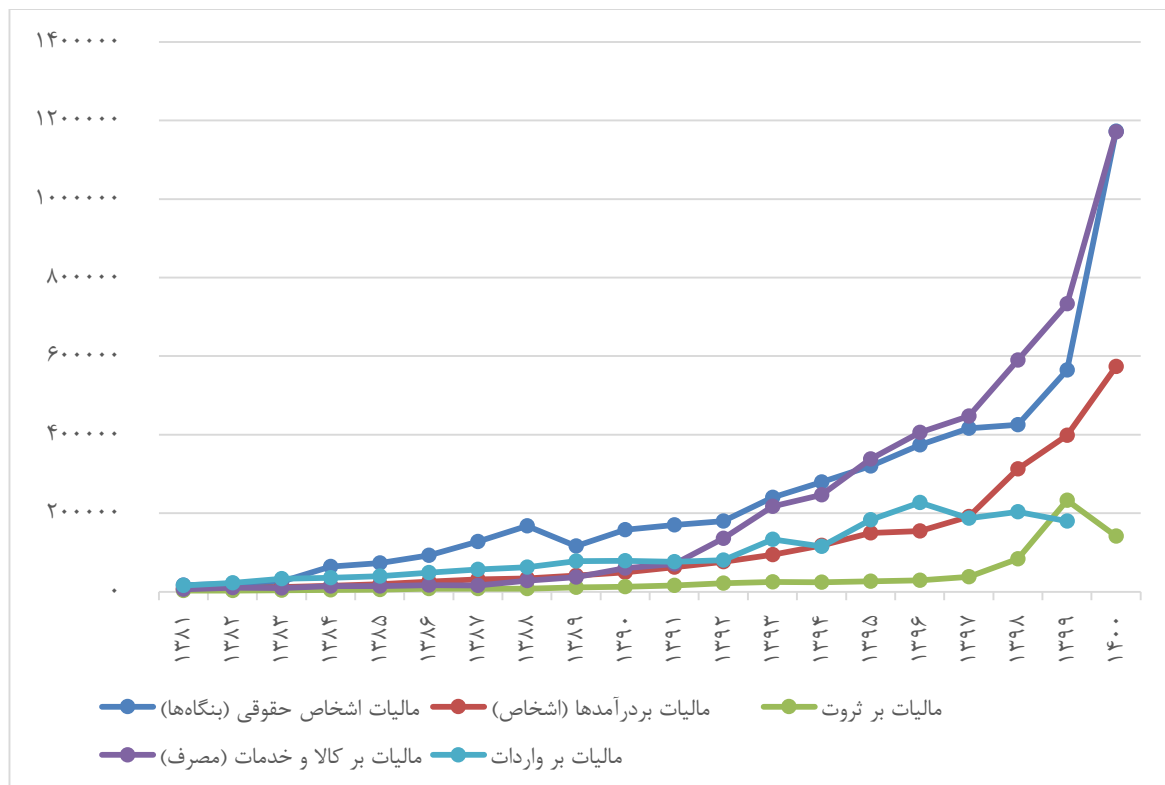
بخش اول مربوط به مالیات بر عایدی سرمایه ذیل^۱ VAT، بخش دوم مربوط به CIT^۲ و کاهش بار مالیاتی شرکت‌های تولیدی و بخش سوم که در این ارائه بیشتر به آن پرداخته می‌شود سیاست مالیات بر تراکنش‌های بانکی و حذف مالیات بر کالا و خدمات از جمله مالیات بر ارزش افزوده است.

اصلاح نظام مالیاتی یکی از مطالبات اصلی کشور و مسئولان ارشد نظام بوده است از جمله مقام معظم رهبری که سال ۱۳۹۹ در جلسه هیئت دولت وقت به یکی از مؤلفه‌هایی که اشاره فرمودند اصلاح نظام مالیاتی بوده

1. Value Added Tax
2. Corporate Income Tax

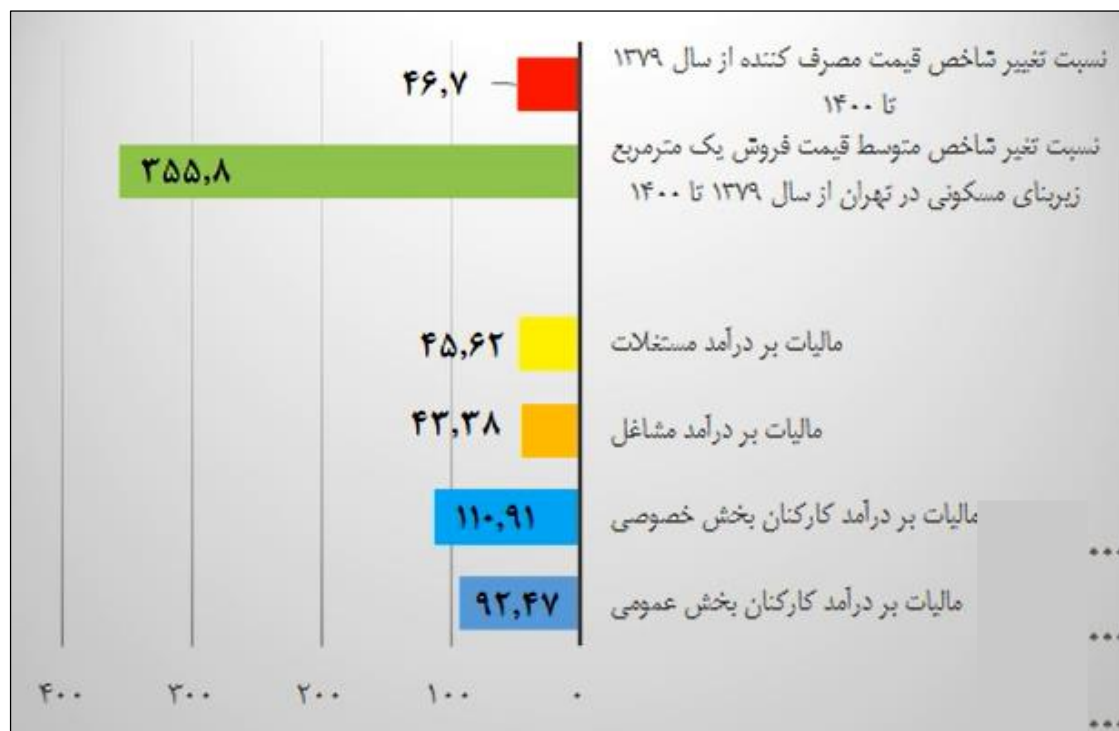
است: «بعضی کارهای اساسی را که در دولت شما ممکن است جواب ندهد، برای دولت بعد به یادگار بگذارید؛ بگذارید با نام نیک و با تشکر از شما یاد شود. مثلاً فرض کنید اصلاح ساختار بودجه؛ این کار بلندمدتی است، کار مهمی است؛ یا اصلاح نظام بانکی، اصلاح نظام مالیاتی یا اصلاح قانون اجرای سیاست‌های اصل ۴۴؛ این‌ها کارهای ماندگار است، کارهای اساسی‌ای است که برای بعد باقی می‌ماند».

با بررسی نظام مالیاتی کشور، دیده می‌شود که نظام مالیاتی در اقتصاد ایران کارکرد تنظیمی خود را از دست داده است، در نتیجه از افراد حقیقی و حقوقی که شفاف و غالباً مولد فعالیت می‌کنند به صورت اختلال‌زا مالیات کسب می‌شود؛ اما از رانت‌ها و درآمد ناشی از فعالیت‌های نامولد به دلیل ضعف بدنه آماری از پرداخت مالیات در نظام مالیاتی فعلی مصون هستند. یکی از مواردی که می‌توان این موضوع را با آن بررسی کرد، سهم پایه‌های مالیاتی در درآمدهای مالیاتی کشور است. زمانی که این سهم مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد دیده می‌شود سهم پایه مالیات بر ثروت، در مقایسه با سایر مالیات‌ها کمتر از ۵ درصد از کل درآمدهای مالیاتی کشور است، در حالی که این پایه مالیاتی، پایه مهمی برای فعالیت‌های نامولد و سوداگری نیست و تقریباً تمام بار مالیاتی کشور بر دوش مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی، حقوقی و مالیات بر مسکن است.



نمودار ۱: روند انواع مالیات‌ها طی دو دهه اخیر بین سال‌های ۱۳۸۱-۱۴۰۰ (میلیارد ریال)

نمودار ۱ بیانگر آن است که مالیات‌ستانی از اشخاص حقیقی و حقوقی و مصرف‌کنندگان به طور فزاینده‌ای بالا رفته است؛ اما مالیات بر ثروت در ۲۰ سال اخیر روند ثابتی را طی کرده است. جهشی که بین سال ۹۹-۱۳۹۸ دیده می‌شود به دلیل رونق بازار سرمایه و درآمدهای حاصل از جابه‌جایی سهام در این بخش است و با وجود مشکلاتی که بازار سهام با آن روبه‌رو است، مجدد روند نزولی خود را طی می‌کند.



نمودار ۲: مقایسه بین نرخ تورم مصرف‌کننده، مسکن و نرخ رشد مالیات‌های وصولی

با مقایسه بین نرخ تورم مصرف‌کننده و مسکن و نرخ رشد مالیات‌های وصولی مشاهده می‌شود (نمودار ۲) شاخص قیمت‌های مصرف‌کننده در طی ۲۰ سال اخیر، ۴۶,۷ برابر شده و شاخص متوسط قیمت یک متر زیربنای مسکونی در تهران ۳۵۵,۸ برابر گردیده است؛ اما مالیات از مستغلات تنها ۴۵,۶ برابر شده است. در صورتی که میزان مالیات دریافتی از کارکنان بخش خصوصی و بخش عمومی به ترتیب بیش از ۱۱۰ برابر و ۹۲ برابر شده که نشان‌دهنده این است که سازمان امور مالیاتی کشور تلاشی برای شناسایی مالیاتی در این دو پایه مالیات (مالیات بر درآمد مستغلات و درآمد مشاغل) نکرده و تمرکز بیشتر بر مالیات‌ستانی از کارمندان، مصرف‌کنندگان و شرکت‌های تولیدی داشته است.

نظام مالیاتی فعلی کشور علاوه بر از دست دادن نقش تنظیم‌گری خود در اقتصاد ایران، در عرصه عمل و اجرا نیز با مشکلاتی مواجه است. مواردی از چالش‌هایی که نظام مالیاتی فعلی، به‌ویژه در بخش مالیات بر ارزش افزوده در اجرا با آن مواجه است عبارت‌اند از:

- عامه مردم مفهوم مالیات بر ارزش افزوده را فوراً درک نمی‌کنند که این موضوع هزینه‌های آموزش مؤدیان را افزایش می‌دهد و راه برای فرار افرادی که از اطلاعات بیشتری برخوردار هستند، باز می‌شود.
- بخش عمده‌ای از مالیات بر کالا و خدمات را مالیات بر ارزش افزوده تشکیل می‌دهد و به دلیل پیچیدگی و تعدد مالیات‌ستانی و تسویه یا استرداد مالیاتی ما شاهد این هستیم که عده و عده زیادی از سازمان امور مالیاتی را صرف خود می‌کند.
- به دلیل وسیع بودن پایه مالیاتی، مالیات بر ارزش افزوده هزینه‌های اجرایی دولت در این روش مالیاتی به‌طور عمده‌ای زیاده‌تر است.
- مؤدیان مالیات بر ارزش افزوده ملزم به نگهداری حساب خرید و فروش مالیات‌ها هستند که این موضوع هزینه اجرایی مؤدیان را افزایش می‌دهد.
- مالیات بر ارزش افزوده عملاً یک نوع مالیات بر مصرف به حساب می‌آید و معمولاً با یک نرخ ثابت اعمال می‌شود که نتیجه این امر، افزایش فشارهای مالیاتی به اقشار کم‌درآمد است؛ پس این موضوع نوعی نگرانی در ارتباط با رعایت عدالت اجتماعی ایجاد می‌کند.
- در نظام مالیات بر ارزش افزوده برخلاف دیگر نظام‌ها، موضوع اعتبار مالیاتی و استرداد مالیات بر ارزش افزوده موجب افزایش پیچیدگی آن نسبت به سایر انواع مالیات‌ها شده است. ضمن اینکه درآمد خالص جمع‌آوری شده از این محل، گاه به دلیل پرداخت استردادها کاهش می‌یابد.
- یکی از چالش‌برانگیزترین مسائل پیش روی مؤدیان مالیاتی در نظام مالیات بر ارزش افزوده، تأخیر در استرداد مالیات بر ارزش افزوده به آنها است. این امر منجر به معکوس عمل کردن مکانیسم اعتبار مالیاتی خواهد شد. بدین ترتیب که مالیات بر مصرف به مالیات بر تولید یا مالیات بر صادرات مبدل می‌شود. در نتیجه افزایش فشارهای مالی ناشی از مالیات بر ارزش افزوده، شرایط سرمایه‌گذاری را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.
- به دلیل کاهش قیمتی بالای کالای ایرانی، تولیدکننده نهایی برای فروش محصولات خود در غالب اوقات نمی‌تواند مالیات بر ارزش افزوده را بر قیمت نهایی محصول خود اضافه کند که این امر منجر به عدم بازپس‌گیری مالیات داده شده توسط تولیدکننده از زنجیره بعدی خود می‌گردد.
- اقتصاد غیررسمی به معنای اقتصادی است که به هر دلیل ثبت نشده و از طرفی نیز برآوردهای مراکز رسمی حاکی از آن است که بیش از یک سوم اقتصاد کشور به همین دلیل، مالیات پرداخت نمی‌کنند. به‌طوری‌که ۳۷٫۷ درصد نسبت فرار مالیاتی برآوردی در بخش غیررسمی به کل درآمدهای مالیاتی است. به دلایل بالا می‌توان ادعا کرد که نظام مالیات‌ستانی کشور نیاز به تدقیق یا تغییر دارد.

طرح پیشنهادی

همان‌طور که در نمودار ۳ مشاهده می‌شود، اهداف طرح پیشنهادی بر پنج اصل استوار است که عبارتند از: حمایت از تولیدکنندگان، حمایت از اقشار کم‌درآمد، بالا بردن ریسک و هزینه فعالیت‌های نامولد، کاهش فرار مالیاتی و کاهش هزینه‌های سازمان امور مالیاتی و آزاد نمودن بخش عمده‌ای از نیروی سازمان جهت تمرکز بر اخذ مالیات بر درآمد شخصی، سود و عایدی سرمایه. نتیجه این امر به دو بخش قبل خود؛ یعنی کاهش فرار مالیاتی و بالا بردن ریسک و هزینه فعالیت‌های نامولد بازمی‌گردد.

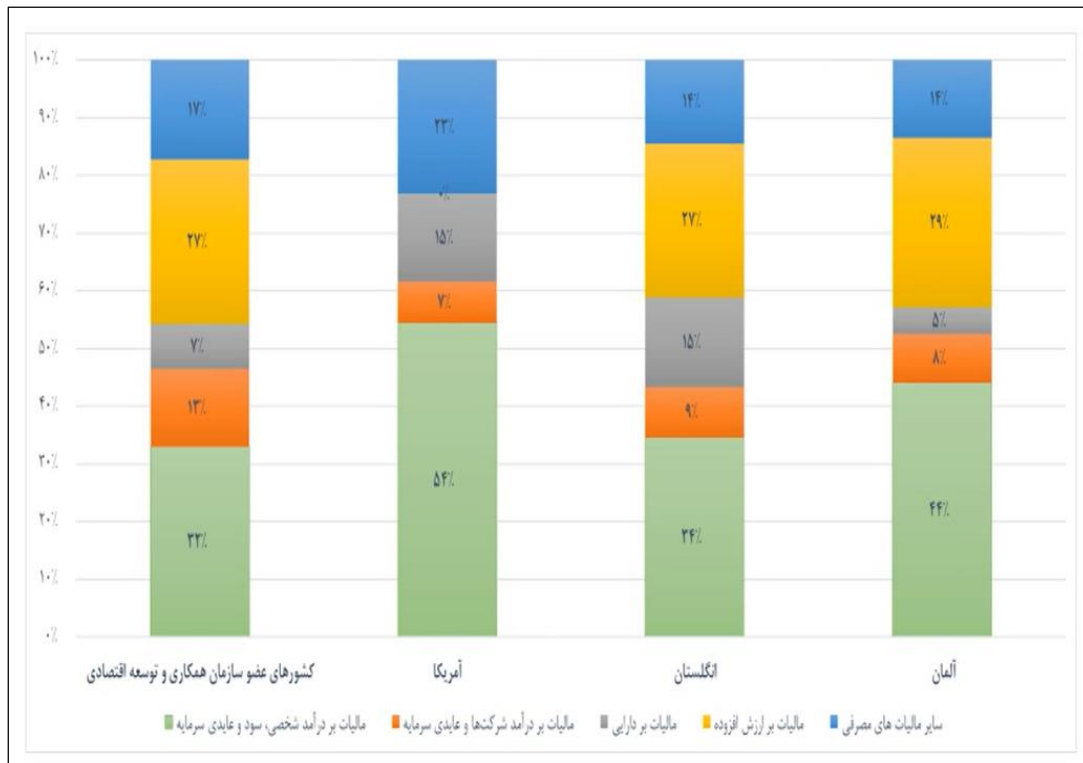


نمودار ۳: اهداف طرح پیشنهادی

۳-۱- مقایسه ترکیب مالیاتی کشورهای عضو OECD با کشور ایران

- به‌طور متوسط کشورهای OECD در سال ۲۰۱۹، ۳۲ درصد از درآمدهای مالیاتی خود را از طریق مالیات بر درآمد و سود و عایدی سرمایه جمع‌آوری کردند.
- درآمدهای مالیات بر درآمد شرکت‌ها به‌طور متوسط بین ۷ تا ۹ درصد از کل درآمدهای مالیاتی را در کشورهای صنعتی تشکیل می‌دهند.
- سهم مالیات بر ارزش افزوده در کشورهای OECD به‌طور میانگین برابر با ۲۷ درصد بوده و در آمریکا این پایه مالیاتی برابر صفر است.

- مالیات‌ستانی در کشورهای عضو OECD و علی‌الخصوص کشورهای صنعتی همواره مبتنی بر محوریت تولید و ضد سوداگری بوده است، به طوری که مالیات بر درآمد شخصی و عایدی سرمایه بیشترین سهم را از کل درآمدهای مالیاتی دارد و مالیات بر درآمد شرکت‌ها که در امر ارزش‌آفرینی در اقتصاد فعالیت می‌کنند کمترین سهم را در بین اقسام مالیاتی دارند (نمودار ۴).



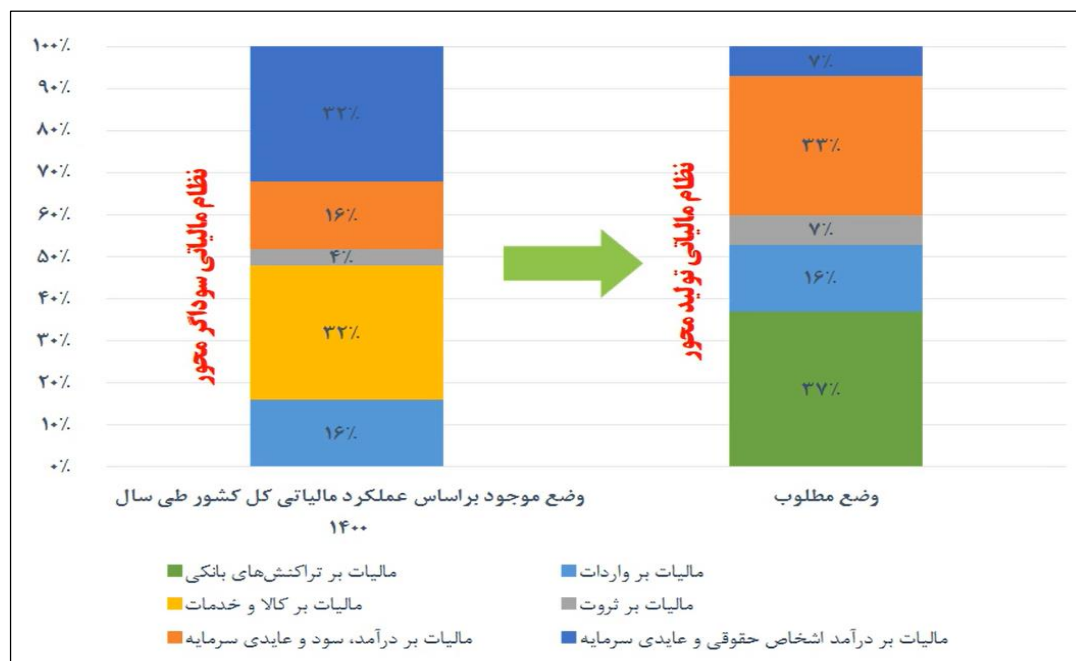
نمودار ۴: مالیات‌ستانی در کشورهای عضو OECD

نظام مالیاتی در ایران

اگر ترکیب مالیاتی گفته شده با وضعیت ایران مقایسه شود، شاهد روند معکوس هستیم، به طوری که سنگینی درآمد مالیاتی دولت بر دوش مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان است. در واقع، نظام مالیات‌ستانی کشور از بخش‌هایی که (تولیدکننده و مصرف‌کننده واقعی) به ارزش‌آفرینی در اقتصاد کمک می‌کند، با نرخ‌های بالا مالیات می‌گیرد؛ اما فعالیت‌های رانتی و سوداگری از آن مصون هستند.^۱ به این ترتیب لازم است سهم و تعداد پایه‌های مالیاتی در ترکیب کل درآمدهای مالیاتی به نفع بخش تولید تغییر کند که برای توسعه عدالت و بهبود کارکرد تنظیمی نظام مالیاتی، باید سهم مالیات بر درآمد و عایدی سرمایه مانند کشورهای OECD از ۱۶ درصد به ۳۳ درصد افزایش یابد و برای رونق فعالیت‌های ارزش‌آفرین، مالیات بر درآمد شرکت‌ها تنها به درآمد حاصل از عایدی سرمایه تا جایی که امکان دارد، محدود شود.

۱. اگر مالیات بر واردات نیز به آن اضافه شود، حدود ۸۰ درصد درآمدهای مالیاتی را مالیات بر مصرف و مالیات بر درآمد شرکت‌ها تشکیل می‌دهد.

همچنین برای کاهش هزینه‌های تولید و کاهش قیمت محصولات جهت حمایت از دو سمت عرضه و تقاضای اقتصاد باید مالیات بر تراکنش‌های بانکی با نرخ حداقلی، جایگزینی برای مالیات بر ارزش افزوده شود (نمودار ۵).



نمودار ۵: مقایسه نظام مالیاتی تولیدمحور و سوداگرمحور

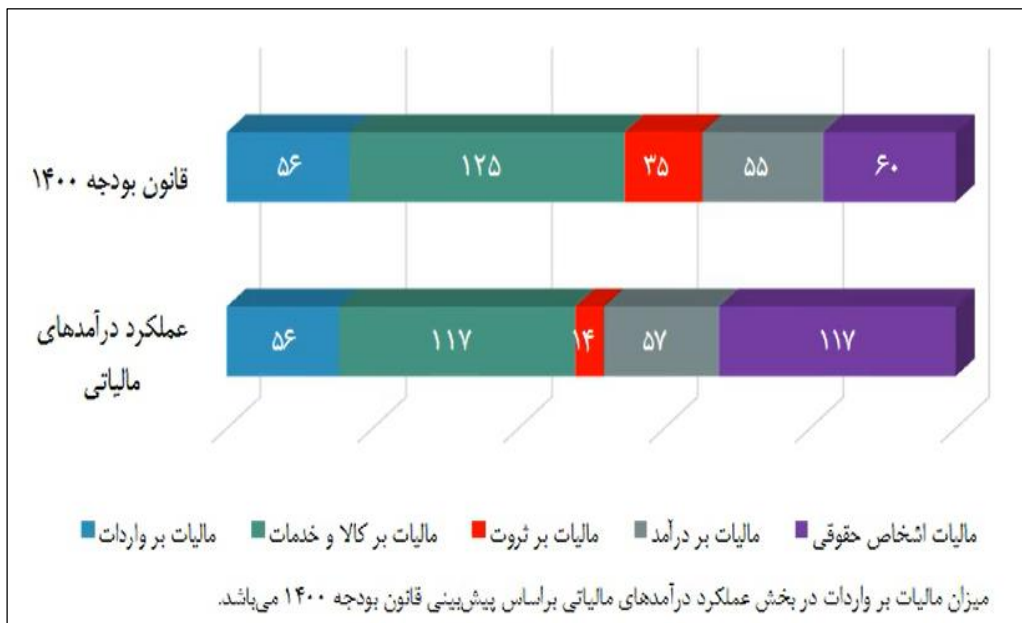
امکان‌سنجی اجرای طرح

- بر اساس آمارهای عملکردی سازمان امور مالیاتی، درآمدهای مالیاتی محقق شده در سال ۱۴۰۰ برابر با ۳۶۱ هزار میلیارد تومان است. از این میزان ۱۷۴ هزار میلیارد تومان مربوط به مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی و حقیقی و ۱۱۷ هزار میلیارد تومان مالیات بر کالا و خدمات است.
- بار اصلی درآمدهای مالیاتی دولت بر روی تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان بوده است، به طوری که بیش از دو برابر آنچه در قانون بودجه ۱۴۰۰ مصوب شده است، سازمان امور مالیاتی از شرکت‌های تولیدی کالا و خدمات، مالیات اخذ کرده است.
- با بررسی آمارهای عملکرد بانک مرکزی در حوزه مبلغ تراکنش‌ها، مجموع تراکنش‌های شبکه شاپرک، خودپردازها و پایانه شعب در سال ۱۴۰۰ حدود ۱۳۳۷۵ هزار میلیارد تومان بوده است.

- با فرض ۱ درصد مالیات بر تراکنش‌های بانکی عایدی حاصل از اجرای این سیاست عددی حدود ۱۳۳,۷ هزار میلیارد تومان است که عددش از عدد مالیات بر کالا و خدماتی که در سال ۱۴۰۰ محقق شده به صورت قابل توجهی بیشتر است.

جدول ۸: آمار مبلغ تراکنش‌های شبکه بانکی کشور در ۱۲ ماهه سال ۱۴۰۰ (هزار میلیارد تومان)

ردیف	ماه	میزان تراکنش
۱	فروردین	۷۹۲,۲
۲	اردیبهشت	۹۱۶
۳	خرداد	۱۰۴۱,۳
۴	تیر	۱۰۵۷,۰
۵	مرداد	۱۰۱۰,۲
۶	شهریور	۱۲۰۳,۶
۷	مهر	۱۱۲۴,۹
۸	آبان	۱۲۳۱,۹
۹	آذر	۱۲۴۹,۱
۱۰	دی	۱۱۸۲,۷
۱۱	بهمن	۱۱۹۵,۳
۱۲	اسفند	۱۳۶۹,۷
	جمع	۱۳۳۷۵



نمودار ۶: مقایسه ترکیب اقسام مالیات بر اساس عملکرد مالیاتی کل کشور و قانون بودجه ۱۴۰۰ (هزار میلیارد تومان)

بر همین مبنا فازهای اجرایی طرح به صورت زیر پیشنهاد می‌شود:

فاز اول



فاز دوم



اثرات اجرای فازهای اول و دوم

- کاهش قیمت کالاهای با مراحل تولید کم همچون اقلام خوراکی و افزایش تقاضا
 - آزاد شدن بخش عمده‌ای از نیروی سازمان امور مالیاتی به دلیل حذف پایه مالیات بر کالا و خدمات
 - جلوگیری از هجوم نقدینگی و اعتبار به سمت سوداگری
 - جهت‌دهی نقدینگی از سمت فعالیت‌های نامولد به سمت فعالیت‌های مولد
 - افزایش درآمدهای دولت
- برای تشویق و ترغیب جامعه جهت پیروی از این نظام مالیاتی، ضمانت اجرای طرح به صورت زیر پیشنهاد می‌شود.
- ۱- لحاظ امتیاز مالیاتی در شاخص‌های اعتبارسنجی شبکه مالی کشور برای تخصیص تسهیلات و خدمات.
 - ۲- ایجاد وابستگی بین نرخ بهره تسهیلات اعطایی و نمره اعتباری افراد.
 - ۳- تبدیل پرونده‌های مالیاتی به سندی برای شناسایی میزان درآمد اشخاص حقیقی و حقوقی در شبکه بانکی

جدول ۹: تحلیل ذی‌نفعان اجرای طرح

تأثیر اجرای طرح اصلاح نظام مالیاتی بر ذی‌نفعان					ذی‌نفع
افزایش تقاضا برای اسکناس جهت فرار مالیاتی و اتخاذ تدابیری جهت جلوگیری از آن ممکن است منجر به ممانعت فروشنده‌گان از اخذ پول نقد گردد که در نهایت برای گردشگران خارجی که به شبکه بانکی کشور دسترسی ندارند، مشکل ایجاد کند روبه‌رو شوند.	افزایش تقاضا برای اسکناس جهت فرار مالیاتی و اتخاذ تدابیری جهت جلوگیری از آن ممکن است برای اقشار فقیر جامعه که غالباً از پول نقد استفاده می‌کنند و شناسنامه و سواد آن‌چنانی نیز ندارند در افتتاح حساب بانکی با مشکل روبه‌رو شوند.	برای کالاهای با تعداد چرخش بیشتر از ۹ بار در زنجیره ارزش افزایش قیمت محصول نهایی را خواهیم داشت	افزایش توان خرید مصرف‌کنندگان در کالاهای اساسی	کاهش قیمت محصولات با میزان چرخش پایین در زنجیره ارزش مانند کالای خوراکی	مردم و مصرف‌کنندگان
سیاست مالیات بر تراکنش به دلیل اینکه می‌تواند قیمت تمام شده کالایی را که تعداد دفعات ایجاد ارزش افزوده برای آن بیشتر است را برای مصرف‌کننده افزایش دهد این موضوع می‌تواند به ادغام‌های عمودی قابل توجه در کارخانه‌های بزرگ و مزیت رقابتی آنها در برابر بنگاه‌های کوچک که مجبور به خرید نهاده‌های خود از شرکت‌های دیگر هستند منجر شود تا قدرت رقابتی خود را حفظ کنند.	کسب و کارهای با سود کمتر از ۱ درصد ورشکست می‌شوند	افزایش تقاضا برای محصولات با فرایندهای تولیدی کمتر را خواهیم داشت	کاهش هزینه‌های تولید	کاهش بار مالیاتی تولیدکنندگان به واسطه حذف مالیات بر ارزش افزوده و مالیات بر درآمد	تولیدکنندگان
افزایش درآمدهای مالیاتی دولت منوط به افزایش درآمدهای مردم خواهد شد که منجر به ایجاد یک بازی برد-برد بین دولت-ملت خواهد شد.	کاهش فقر به دلیل افزایش قدرت خرید مردم ناشی از کاهش قیمت‌های کالاهای خوراکی	کاهش سرعت گردش پول و کاهش تقاضای کاذب در اقتصاد و کنترل نسبی تورم	افزایش درآمدهای مالیاتی		دولت
تولیدکنندگان و فروشنده‌گان به دلیل کاهش قیمت محصولات خود ترجیح می‌دهند محصولاتی که تولد و فروش آن‌ها مراحل کمتری طی می‌کنند را انتخاب کرده که این امر فعالیت‌های واسطه‌گری را تحت‌الشعاع قرار خواهد داد			به طور چشمگیری می‌تواند سود حاصل از فعالیت‌های سفته‌بازی را کاهش دهد		سفته‌بازان و واسطه‌گران

نقد و ارزیابی ایده

آقای سعید غلامی ضمن تقدیر از ارائه جامع و کامل ایده، حاضرین محترم را به ذکر نظرات ارزشمندشان به صورت شفاهی یا کتبی دعوت کرد.

آقای علی‌اکبر خسروی‌نژاد، کارشناس گروه بودجه مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری، پس از تشکر از ایده‌پردازان، به دلیل معرفی بسیار خوب ایده، به ذکر چندین نکته و پرسش پرداخت:

- این کار انجام شده ایده است یا طرح؟ ایده می‌تواند یک خط تا یک صفحه باشد؛ اما برای طرح، پرسش‌های زیادی مطرح می‌شود که نیاز به پشتوانه مطالعاتی دارد که در این ارائه دیده نمی‌شود. برای مثال، زمانی مالیات وضع می‌کنید یکی از اثرات آن پولی است و دیگری اثرات درآمدی، وقتی مالیات بر تراکنش گذاشته شود باید توزیع درآمدی بررسی شود که در این ارائه به آن اشاره نشده و تنها به درآمد ایجادشده برای دولت پرداخته شده است، آیا هدف دولت در اینجا دولت رفاه است؟ «پاسخ ایده‌پرداز: دولت تنظیم‌گری زیرا دولت رفاه دولت مداخله‌گر است؛ اما در اینجا بحث تنظیم‌گری است که دولت تنظیم می‌کند که بستر برای فعالیت مولد بهتر از فعالیت نامولد باشد».
- مالیات بر تراکنش مستقیم است یا غیرمستقیم؟ اگر مستقیم است آیا جایگزین آن کاهش قیمت کالا می‌شود؟ یا ارزش افزوده؟ البته که مستقیم ربطی به غیرمستقیم ندارد. اثرات توزیعی نیز با یکدیگر متفاوت است. زمانی که مالیات بر ارزش افزوده باشد پرداخت‌کننده مشخص نیست و غیرمستقیم است. قانون مالیات بر ارزش افزوده سال‌هاست در ایران و جهان تجربه موفق داشته است، آیا طرح شما قابل رقابت با آن است؟
- اثرات توزیعی تخصیصی مالیات بر تراکنش را چگونه جایگزین پایه مالیاتی دیگری مانند مالیات بر ارزش افزوده می‌دانید؟ منطق ایجاد کاهش قیمت چگونه اندازه‌گیری شده است؟ کشش قیمتی کجاست و چقدر است؟ با عدد و ارقام باید اثبات شود.
- در اعتبارسنجی به سیستم بانکی متصل شده است که شاخص‌ها و محدودیت‌هایی دارد که باید در نظر گرفته شود.
- عدد یک (۰.۱٪) درصد از کجا آمده است؟ آیا فرضی است؟ درجه حساسیت آن چقدر است؟
- عدد تعیین نرخ مالیاتی چقدر حساس است؟ منحنی خطی است یا درجه دوم؟ کشش آن کجا دیده می‌شود؟
- بسته به آستانه قرارگیری اقتصاد ممکن است افزایش ضریب مالیاتی به ضرر فقرا یا به نفع آنها باشد، زمانی که ادعا می‌شود باید گفته شود کشور در کدام آستانه رشد قرار دارد و سطح درآمد کجاست و با افزایش مالیات به نفع فقرا است یا خیر؟
- تنها به یک بخش از کار بسیار تأکید کردید آن هم درآمد دولت است و برای استفاده صحیح از درآمد دولت، برنامه‌ریزی در این کار نشده است. برای خروجی آن اگر تخریب باشد چه باید کرد؟ پس نیاز به تحلیل هزینه و فایده دارد.

- سه واژه متفاوت ملت، مردم و به نفع فقرا در ارائه به کار گرفته شد که بهتر است تفکیک شود و اثرات طرح و یا با اعمال این سیاست بر جوامع مختلف در نظر گرفته شود، مثلاً ممکن است وضعیت ثروتمندان خوب و فقرا بد شود و برعکس.

آقای معبودی، پژوهشگر حوزه اقتصاد، نیز به نکاتی اشاره داشت از جمله:

- عدد ارائه شده در خصوص تراکنش‌ها، با توجه به این که تنها تراکنش‌های بین‌بانکی مدنظر بوده، ممکن است دو تا سه برابر این عدد باشد؛ چراکه تراکنش‌های داخلی بانکی در این ایده دیده نشده است.

- در خصوص نکاتی که اساتید اعلام کردند باید یک حدی از خبرگی را پذیرفت ولو اینکه در انتهای طرح نمی‌توان با آمارهای موجود عدد مشخص و درستی را بیان کرد و تحلیل صحیح آماری ارقامی در این فضا داشت.

- لازم است به فضای تورمی جامعه دقت شود. مقایسه جامعه ایران با آمریکا در خصوص رقم مالیات‌ها بسیار متفاوت است، شاید مالیاتی که از دارایی گرفته می‌شود، صرفاً مالیاتی است که بر تورم یک کالا بوده و در واقع مصرف‌کننده با قیمت بالاتری کالا و خدمات را دریافت می‌کند. به عنوان مثال، برای مالک یک پراید، قیمت از ۲۰۰ میلیون به ۳۰۰ میلیون رسیده است، در صورتی که عمر آن پراید یک سال بیشتر شده و از لحاظ واقعی افت ارزش داشته است؛ بنابراین تحلیل‌های دانشگاهی در وضع موجود و جامعه تورمی ممکن است پاسخگو نباشد؛ از این رو مالیات بر دارایی در جامعه تورمی بحرانی غیر قابل حل است. پیشنهاد مالیات بر تراکنش برخلاف انواع و اقسام مالیات‌های موجود، بسیار ساده است که این یکی از جذابیت‌های این ایده است. هرکس هرچقدر گردش مالی داشته باشد به همان میزان مالیات پرداخت خواهد کرد و هیچ قشری از جامعه اعم از تولیدکننده یا مصرف‌کننده مقدس انگاشته نمی‌شود و هرکس به‌نوعی کاری انجام می‌دهد و همه برابر هستند. به این منظور هرکس به اندازه‌ای که به جامعه زحمت می‌دهد، مالیات پرداخت خواهد کرد.

- نکته مثبت دیگر در خصوص متخلفان است که به راحتی می‌توان از آن‌ها مالیات‌های متعدد گرفت؛ چراکه برای جلوگیری از ردیابی در حساب‌های متعدد، گردش مالی بالایی دارند و مسائل پولشویی در حساب‌های ریز و درشت با چنین سازوکارهایی انجام می‌شود که با اجرای این طرح، چنین مسائلی حل خواهد شد.

- در بحث تورم نیز این روش مانند ایجاد اصطکاک در جامعه تورمی امروزه است؛ یعنی سرعت گردش پول را اندکی کاهش خواهد داد و ۱ درصدی که به دولت برمی‌گردد موجب بازسازی خواهد شد که این موضوع به اصلاح فضای تورمی جامعه ما کمک می‌کند.

- این طرح نمی‌تواند به عنوان یک طرح دائمی در کشور دیده شود و نمی‌تواند جایگزین مالیات بر ارزش افزوده به عنوان یک طرح استاندارد گردد؛ اما به‌طور موقت برای جامعه تورمزده و جامعه‌ای که در آن ثبت شدن بسیاری از موارد عرف نیست، کمک به دولتی است که برای اخذ مالیات‌های واقعی، سامانه جامعی ندارد.

- یکی از معایب این ایده، نادیده گرفتن بیزینس‌هایی است که به‌دنبال سود حداکثری هستند و بنکدارانی که ۲ تا ۳ درصد سود دارند و افزایش نیز پیدا می‌کند؛ اما تورمی که این طرح ایجاد می‌کند به نسبت تورمی که جامعه ما دارد، معقول است.

- سرانجام باید ظرفیت سیستم‌ها، شبکه‌ها و نرم‌افزارهای بانکی را برای اجرای طرح سنجید و مالیات بر حساب شخص پرداخت‌کننده نباشد بلکه بر حساب فردی که واریز داشته است، اعمال گردد.

آقای احمد زمانی، کارشناس حوزه اقتصاد در اتاق اصناف ایران نیز با تشکر از آقای ابوالحسنی اشاره کرد: طبق بیانات کارشناسان، این طرح یا ایده اگر نام‌گذاری شود بر اساس پیشنهادی در ارتباط با اصلاح نظام مالیاتی است که جای بحث دارد.

آقای حمید محمدی در رابطه با سخنان گفته شده، به این نکته اشاره کرد که بیان کرد که مباحث مطرح‌شده آقای ابوالحسنی ایده است و در قالب طرح نیست و همان‌گونه که آقای خسروی نژاد گفت اگر در قالب طرح باشد توقعات و انتظارات نیز بسیار بالاتر خواهد بود؛ بنابراین توقعات از بحث جمع در حد یک ایده است.

در ادامه آقای زمانی اظهار داشت: در واقع بخش اعظمی از صحبت‌های آقای خسروی نژاد و آقای محمدی مورد پذیرش است، اگرچه کلیت طرح یا ایده باید طرح موضوع شود، شکی نیست که ترکیب درآمدها در نظام مالیاتی ایران نسبت به آنچه در دنیا وجود دارد، استاندارد نیست. همچنین باید گفت ساختار مالیاتی ایران نیز ساختار استانداردی نیست، چراکه ممکن است یک سری از مراحل و بنیادها وجود داشته باشد و وصول مناسب از آن‌ها صورت نگیرد یا ممکن است ساختارها و منابع آن‌ها یکسان نباشد. بنابراین بی‌تردید باید اصلاحاتی انجام گیرد، همچنین اصلاح فکر شده‌ای صورت گیرد تا به یک ترکیب بهینه دست پیدا کند؛ اما نکته مهم‌تر از آن، این است که مبانی نظری برای اصلاح این ساختار چه چیزی است؟ یک بخشی از این بحث مهم، تفاوت بین ساختار نظام بانکی مالیاتی ایران با دنیا یا تفاوت بین ترکیب درآمدها با ترکیب مالی است. یک بخشی از

آن ممکن است مربوط به ناکارآمدی در نظام بانکی باشد و بخش دیگری ممکن است مرتبط با ساختار اقتصادی کشور باشد. بحث دیگر این است که مبانی نظری این اقدام پیشنهادی چیست و بر چه اساس پیشنهاد اصلاح می‌دهید؟ به کجا می‌خواهید بروید؟ آیا هدف افزایش درآمد دولت است؟ آیا هدف تنظیم‌گری یا بهبود توزیع درآمد یا اصلاح نظام اقتصادی کشور است؟ ایشان ضمن اشاره به بحث آقای خسروی‌نژاد، این موضوع را مورد تأکید قرار داد که دولت، دولت رفاه است؛ یعنی همه کارکرد و سیاست دولت، چیزی به جز توجه به رفاه بیشتر در جامعه نیست. در بحث مالیات نیز به همین صورت است که تنظیم‌گری در بحث مالیات؛ اگرچه در مباحث اولیه مقداری مانند کارکردهای تخصیص و توزیع درآمد در دولت آورده می‌شود. در بحث مالیات نیز اشاراتی می‌توان کرد، زیرا یکی از کارکردهای مالیات دولت، بحث وصول مالیات و بحث هزینه است؛ اما در نگاه جدید، مالیات به قدری که کارکرد تنظیم‌گری و حتی توزیع درآمدی دارد، حائز اهمیت نیست. در واقع، مالیات باید تأمین‌کننده بودجه دولت با کمترین نوسان و آثار منفی بر فعالیتهای اقتصادی باشد. توزیع درآمد یکی از کارکردهای مهم مالیات است. پیشنهاد مطرح شده پیشنهاد خوبی است و نظام جامع درآمد باید ایجاد شود؛ اما در حوزه ارزش افزوده و مالیات بر تراکنش‌ها، مجدداً مرور و تدقیق صورت پذیرد. اگر توزیع درآمد به درستی اتفاق بیفتد، بحث تعارض بین دیگر اهداف مالیاتی به وجود نمی‌آید که اثرات ضدتولیدی و ضدسرمایه‌گذاری داشته باشد؛ بنابراین، خواهشمند است با این رویکرد به ایده نگاه شود. این اصلاح لازمه نظام مالیاتی است. بنابراین، درست است که اشکالات اجرایی یکی از دلایل اصلاح نظام مالیاتی است؛ اما باید دید به لحاظ کارآمدی چگونه است. برخی از این موارد را باید در نظام مالیاتی اصلاح کرد، برخی در مفاهیم اقتصادی و یا نظام فاکتورنویسی در کشور اصلاح شود؛ اما با جایگزینی مالیات بر تراکنش‌ها به جای مالیات بر ارزش افزوده موافق نیستیم، زیرا در چندین کشور در چهار دهه قبل پیشنهاد و عملیاتی شده که نظام موفق نبوده است. حتی در سازمان امور مالیاتی نیز چندین بار این طرح مطرح شده است؛ اما استثناها و تبصره‌های آن بسیار زیاد است. ممکن است دولت‌ها برای تأمین درآمد به صورت مقطعی انجام دهند؛ اما بحث سیاست‌های مقطعی با سیاست مالیاتی بلندمدت سالم و پایدار با اشتراک منافع بین مردم، دولت و ساختار سرمایه‌گذاری متفاوت بوده و از این منظر قابل تأمل است.

آقای غلامی از حاضران دعوت کرد که در بیانات به نکته ایجاد پرسش به دلیل عدم انتقال پیام و خلاصه‌گویی ارائه ایده دقت کرده تا پرسش‌ها، معطوف به هسته مرکزی ایده باشد.

ایده‌پرداز دوم، **آقای ملک‌پور پژوهشگر اندیشکده سرآمد مرکز پژوهشی آرا** نکاتی را در خصوص انتقادات و پیشنهادها به شرح زیر بیان کرد:

- در مبانی نظری ایده، دولت چپ‌گرای کلاسیکی مطرح نیست و بحث دولت رفاه است؛ زیرا قائل به دخالت نکردن نیست و هدف آن، ایجاد رفاه برای جامعه است.

- ایده است، چون بدیع است و طرح می‌باشد؛ زیرا پشتوانه مطالعاتی دارد. همچنین در کشورهای آمریکای لاتین، کلمبیا، آرژانتین و برزیل اجرا شده و حتی در اتحادیه اروپا نیز در حال اجرا شدن است. این ایده نیز مانند مالیات بر سهام، نوعی از مالیات بر معاملات مالی است.
- در بحث توزیع درآمد: اصلی‌ترین دغدغه دولت، درآمد است و نقاط پراکنده‌ای مانند مصرف‌کننده و تولیدکننده و... به حلقه‌های واصل نیاز دارند. در تشریح اقتصاد ایران، یک قسمت شفاف و یک قسمت غیرشفاف وجود دارد. در خصوص میزان قسمت غیرشفاف، برآوردها و پژوهش‌های مختلفی وجود دارد؛ اما سهم عمده‌ای از اقتصاد ایران غیررسمی و ثبت نشده است. در وضع موجود فشار مالیاتی دولت (به دلیل کسری بودجه) و بار مالیاتی بخش غیرشفاف بر بخش شفاف (مانند کارمند و تولیدکننده شناخته‌شده) است. زیرساخت‌های اطلاعاتی برای شفاف‌سازی نیز وجود ندارد؛ بنابراین در این شرایط برای فعالیت بخش نامولد در اقتصاد و جلوگیری از فرارهای مالیاتی این ایده بسیار کارآمد است. با اجرای این ایده، منابع و نیروی ساختار مالیاتی عریض و طویل کشور نیز آزاد می‌گردد. هزینه اجرای ایده مالیات بر تراکنش در مقابل ساختار مالیاتی کنونی بسیار ناچیز است.
- مبانی نظری این ایده در ادبیات ارتدکسی و کلاسیک دانشگاهی وجود ندارد و تدریس نمی‌شود؛ اما دال بر حذف ایده نمی‌تواند باشد. برای مثال، مالیات بر قراردادهای BOT¹ توسط یک بازرگان آلمانی مطرح شد و ابتدا در کشور فرانسه اجرا گردید و در سال ۱۹۶۶ در اتحادیه اروپا گسترش یافت و اکنون ۱۳۲ کشور در حال اجرای آن هستند. همیشه ایده از جایی متولد می‌شود.
- کل ایده این نیست و این ارائه قسمتی از پازل اصلاح نظام مالیاتی کشور است. بار اصلی اقتصاد بر دوش مصرف‌کننده انداخته شده است و در این ایده تولیدکننده با سود پایین نیز دیده می‌شود. این ایده نه تنها از مصرف‌کننده حمایت مالی می‌نماید بلکه دولت را نیز تأمین مالی می‌کند.
- اگر سه کارکرد برای مالیات تعریف شود: ۱- درآمدی؛ ۲- توزیعی؛ و ۳- تنظیم‌گری. بحث درآمدی آن مشخص و بحث نرخ آن، تخصصی است و باید بررسی شود؛ زیرا نرخ‌های مالیاتی باید دقیق گردند و از ابتدا مشخص نیستند. مالیات بر ارزش افزوده بر عهده مصرف‌کننده است و نمی‌توان ادعا کرد مالیات بر ارزش افزوده خنثی است، زیرا اطلاعات آن کامل نیست. در بحث کشش‌پذیری و چسبندگی کالاهای داخلی با واردات متفاوت است. دولت باید بتواند بخش غیرشفاف را شناسایی کند، چون حمایت یک‌سویه

1. Build, Operate, Transfer

قرارداد ساخت، بهره‌برداری و واگذاری، عموماً بین دولت‌ها از یک طرف و شرکت‌های بخش خصوصی از طرف دیگر منعقد می‌شود. در این قرارداد، شرکت بخش خصوصی (سرمایه‌گذار) تعهد می‌کند که سرمایه لازم برای اجرای یک پروژه بزرگ و زیرساختی را تأمین نماید، سپس در قبال این سرمایه‌گذاری و برای جبران هزینه‌های خود و سود متعلقه، به مدت مشخصی از آن بهره‌برداری کند و در خاتمه این مدت، آن را به‌طور کامل و در حالی که به فعالیت خود ادامه می‌دهد، به شکل بلاعوض به دولت (سرمایه‌پذیر) واگذار نماید.

از تولیدکننده، بار و فشار مالیاتی سنگینی را بر مصرف‌کننده در جامعه وارد می‌کند که با عدالت اجتماعی مغایرت دارد. مالیات بر تراکنش، ویژگی‌های مثبت زیادی دارد؛ اما ویژگی منفی نیز دارد. برای مثال، ممکن است بر برخی تولیدکنندگان تأثیر منفی داشته باشد؛ اما قطعاً می‌توان ادعا کرد به سود مصرف‌کننده است. در خصوص ۰/۱ درصد می‌تواند متغیر باشد. ز ۰/۱ تا ۰/۳ در دنیا متغیر بوده است. تجارت الکترونیک در دنیا به سرعت رواج می‌یابد. کشور ایران برای این وضعیت چه برنامه‌ریزی دارد؟

آقای گرابی‌نژاد رئیس گروه پژوهشی امور بخشی و محیط‌زیست مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری نکته‌ای درباره ادعای ایده‌دهنده، آقای ملک‌پور مبنی بر اینکه مالیات بر تراکنش قطعاً به سود مصرف‌کننده است، بیان کرد: فردی که ماشین، خانه و یا کالایی را برای مصرف خرید می‌کند، مالیات پرداخت کرده و به این ترتیب، جهت هزینه مصرف‌کنندگی مالیات پرداخت می‌شود. در ادبیات موضوع، یک پرداخت‌کننده صوری و یک پرداخت‌کننده واقعی داریم که به نام «وقوع مالیاتی» معروف است. برخی افراد که مالیات را پرداخت می‌کنند، به حساب نیامده‌اند، به‌خصوص در کالاهای ضروری و اساسی، بحث کشش‌ها مطرح می‌شود. برای کالاهایی که کشش آن کم است و ضروری است این کار را نباید انجام داد و نباید به آن مالیات بست، زیرا مصرف‌کننده می‌پردازد؛ بنابراین، بحث پیچیده‌تر از آن است که حکم قطعی بتوان داد که این اتفاق حتماً می‌افتد. درباره نکته آقای خسروی‌نژاد، می‌توان به بحث چسبندگی قیمت در اقتصاد اشاره کرد. در اقتصاد سالم نیز کاهش وجود ندارد و مصرف‌کننده هم‌اکنون در حال پرداخت است و ارزش افزوده را همگام با هزینه خرید می‌پردازد. بنابراین با اعمال مالیات بر تراکنش و به دلیل چسبندگی قیمت، مصرف‌کننده مجبور به پرداخت هزینه مازاد بر قیمت کنونی خواهد شد، هرچند ادعاها با آنچه ممکن است اتفاق بیفتد، متفاوت است. به دلیل در نظر گرفتن تغییرات متغیرها به صورت واقعی در خصوص قضاوت‌هایی که در این ایده می‌شود، باید محتاط بود.

آقای ابوالحسنی با تشکر از نکات خوب حضار بالأخص آقای خسروی‌نژاد، در پاسخ به پرسش‌ها اظهار داشت: در بحث توزیع درآمد، یک عدالت افقی و یک عدالت عمودی وجود دارد. در زمان مالیات بر تراکنش بحث عدالت افقی هرکس به میزان تراکنشی که انجام می‌دهد مالیات پرداخت می‌کند. در بحث عدالت عمودی این پیشنهاد چگونه عمل می‌کند؟ آیا دهک‌های متفاوت به یک میزان مالیات پرداخت می‌کنند؟ آیا این عدالت است؟ بنابراین مالیات بر تراکنش عدالت افقی را در جامعه ایجاد می‌کند و مالیات بر عایدی سرمایه که در فاز دوم پیشنهاد این ایده است، عدالت عمودی را دربر دارد؛ که البته مالیات بر ارزش افزوده نیز نقد عدالت عمودی بر آن وارد است. در سال ۱۹۲۰ نیز مبنای نظری مالیات بر مصرف وجود نداشته است، چرا کالایی که انسان مصرف می‌کند کالای نهایی نام گرفته است؟ کالای مصرفی انسان به ارزش افزوده‌هایی مانند انرژی، خدمات و فعالیت انسان تبدیل می‌شود. مواد اولیه برای شرکت نیز به همین صورت است، برای بقا و فعالیت شرکت مواد

اولیه لازم می‌باشد؛ پس چرا برای مواد اولیه شرکت مالیات نیندیم و تمام بار مالیات بر دوش مصرف‌کننده باشد، در حالی که مصرف‌کننده هم بر درآمد و هم بر مصرف، مالیات پرداخت می‌کند. شرکت بر کدام عدالت و مبنای نظری بر درآمد خود مالیات پرداخت می‌کند؛ اما برای مواد اولیه خود مالیات پرداخت نمی‌کند.

مالیات بر تراکنش خصوصاً مالیات بر کالاهایی که فرایند تولید کمتر از ۹ بار دارند، باعث قیمت تمام شده کمتری می‌شود و کالاهایی که بیشتر از ۹ بار در زنجیره ارزش می‌چرخند، افزایش قیمت خواهد داشت که باعث اثر آبخاری خواهد شد؛ اما در شرایط فعلی جامعه اگر بتوان با اجرای این طرح (مالیات بر تراکنش و مالیات بر عایدی سرمایه) کسری بودجه دولت را تأمین کرد و بخشی از تورم جامعه ما که ناشی از کسری بودجه است حل شود آیا هزینه فرصت آن به صرفه نیست؟ در صورتی که مالیات تورمی کشور در فضای کنونی ماهانه بالای ۵ درصد است. آیا مفهوم صحبت دکتر خسروی نژاد این است که از فعالیت نامولدی که باعث ایجاد رفاه شود باید حمایت کرد؟ پاسخ دکتر خسروی نژاد: «حتی واسطه‌گری (دلالی) کار خدماتی انجام می‌دهد و مالیات پرداخت می‌کند».

خانم رضوان استادعلی پژوهشگر حوزه اقتصاد مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری در ابتدا با تحسین دغدغه‌ها و اهداف ایده‌پردازان بیان داشت که باید در مورد راهکار یا گزینه‌های سیاستی برای رسیدن به اهداف، گفت‌وگو کرد. زمانی که هدف مشخص می‌کنید، باید واضح گفته شود که مثلاً چهار گزینه سیاستی وجود دارد و هزینه- فایده هر کدام از این گزینه‌های سیاستی چیست. آیا هزینه- فایده مالیات بر ارزش افزوده، یا مالیات بر تراکنش‌های مالی بیشتر است یا کمتر. هزینه در کدام بخش است و فایده در کدام بخش.

مبحث دوم، رویکرد دولت رفاه و ساختار اقتصاد است، چه بسا نمی‌توان مالیات را جدا از ساختار اقتصادی و دولت رفاه و بازتوزیع درآمد یک کشور دید. زمانی که گفته می‌شود ارزش افزوده به ضرر مصرف‌کننده است، آیا به بازتوزیع درآمد فکر شده است؟ مخصوصاً نظام مالیات را نمی‌توان خارج از نظام بازتوزیع درآمد، ساختار اقتصادی و دولت رفاه دید. آیا تأثیرات مالیات بر تراکنش‌های مالی بر بازار مالی، مبادلات و ساختار اقتصادی کشورها و ایران بررسی شده است؟ مزیت‌های مالیات بر تراکنش به نسبت مالیات بر ارزش افزوده را هزینه‌بر، زمان‌بر و پیچیده بودن و فرار مالیاتی مطرح کردید، در صورتی که مالیات بر تراکنش نیز این معایب را خواهد داشت و اتفاقاً برای فرار مالیاتی طراحی شده‌اند.

آقای علی‌اکبر عرب‌مازار، مدیر اسبق سازمان امور مالیاتی، در ابتدا ضمن تأکید بر ارسال رزومه افراد ایده‌دهنده و مشخصات آنها بیان کرد که ایده مورد نظر در ارتباط با یک سیاست جایگزین مالیات بر ارزش افزوده است. در مباحث مطرح‌شده لازم است که اصولی رعایت شود و این‌گونه نیست که با هدف دستیابی به شفافیت هر نوع مالیاتی را وضع نمود. به عنوان مثال، چرا مالیات بر شرکت‌ها بالا رفته است؟ چون مالیات بر

سود یا سود سهام کاهش یافته است. همچنین مالیات بر اشخاص حقوقی بالا رفته است، در صورتی که همگی این اشخاص تولیدی نیستند. در بحث تولیدی‌ها نیز در قانون مالیات، کاملاً بخش تولیدی معاف از مالیات هستند. برخلاف تصور عامه مردم، فرار مالیاتی در این بخش انجام نمی‌گیرد، چراکه در حال حاضر تمامی تراکنش‌ها به اداره دارایی ارسال می‌شود. حتی خرید و فروش آپارتمان‌ها در تهران به صورت ارزی و در بانک‌های خارجی انجام می‌گیرد.

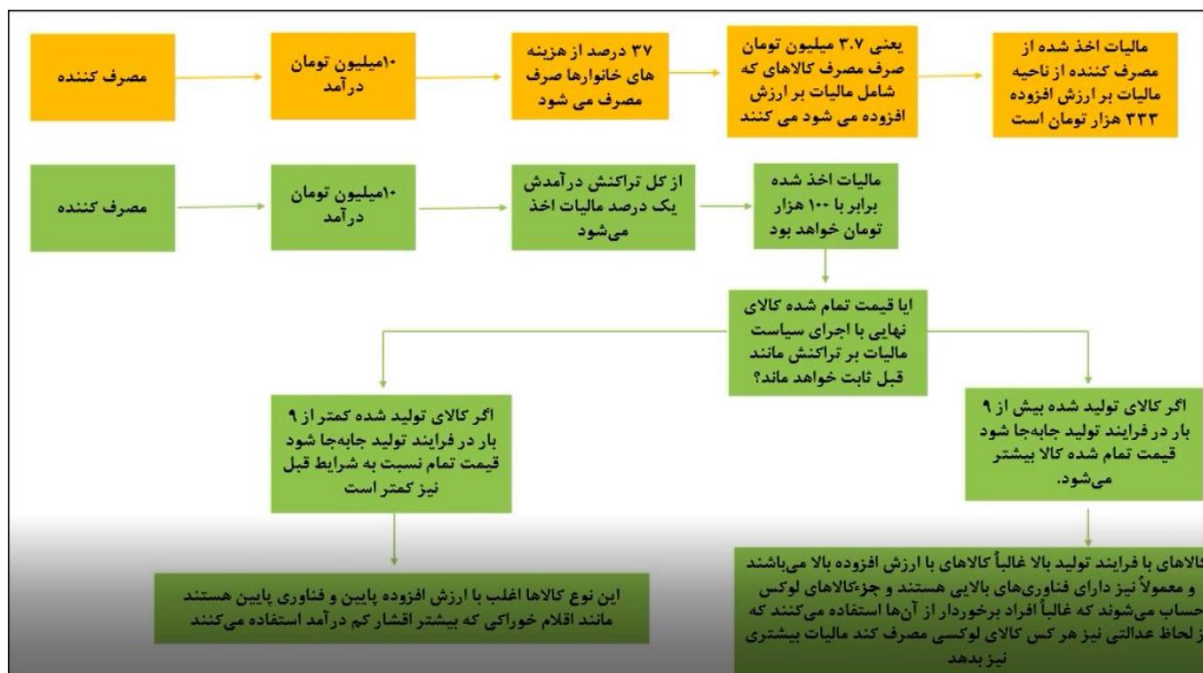
مالیات بر ارزش افزوده جزء مالیات‌هایی است که در برنامه سوم توسعه مطرح شده و قرار بر تغییر سازوکار مالیات کشور بوده است. در حال حاضر، کشور در زمینه سیاست‌های اقتصادی کاملاً غنی است؛ اما از نظر مدیریت اقتصادی، دچار مشکل است. زمانی که یک حسابرس حساب‌های مالی یک مؤسسه دولتی را می‌شکافد، کاملاً متوجه فرارهای مالیاتی آن خواهد شد. نقد دیگری که بر ایده مورد نظر وارد است این که در حال حاضر کشور با یک تورم همانند تب بسیار بالای بدن مواجه است و تا زمانی که تورم کاهش پیدا نکند، سیاست اقتصادی قابلیت اجرایی نخواهد داشت و در صورت اجرا با نتیجه کاملاً عکس مواجه خواهیم شد. هر طرح یا ایده‌ای قبل از اجرا نیازمند یک ارزیابی سیاستی و مدیریتی است. در حال حاضر، قسمت عظیمی از بخش کشاورزی به طور کامل معاف از مالیات است که این شامل جمعیت بسیار زیادی از روستاییان و اقشار آسیب‌پذیر جامعه است، پس قبل از اجرای هر طرحی نیازمند یک آسیب‌شناسی موشکافانه‌ایم. یکی از مهم‌ترین اهداف مالیات بر ارزش افزوده طبق ماده ۵۹ قانون نظام مالیاتی کشور علاوه بر درآمدزایی، کنترل زنجیره حرکت پول در اقتصاد است. حتی این ایده شامل بدهکاران یا هر شخصی با جابه‌جا کردن مبلغی در حساب خود می‌شود که این خارج از مفاهیم عدالت است. ایشان در جمع‌بندی به عدم اجرای درست نظام مالیاتی در کشور اشاره و اظهار داشت تا زمانی که در زمینه اجرا به مرحله درست و شفاف نرسیم، سیاست‌گذاری‌ها در بخش مالیات و اقتصاد موفق نخواهند بود. همچنین پیش‌نیازهای اجرای طرح مخصوصاً به صورت کمی بیان شود.

آقای ابوالحسنی در ادامه ضمن تأیید نظرات آقای عرب‌مازار اظهار داشت علاوه بر مواردی که سبب به وجود آمدن مشکلات نظام مالیاتی کشور شده است، مناسبات پیچیده سیاستی و همچنین اجرای نامناسب احکام و قواعد از مهم‌ترین مواردی است که باید در این فرایند به آن توجه ویژه شود. همچنین با وجود اینکه ۳۷ درصد اقتصاد به صورت غیررسمی می‌باشد؛ اما پرسش اساسی این است که چرا بخش رسمی باید تاوان (مالیات) بخش غیررسمی را بدهد؟ و همین امر سبب به وجود آمدن یک مزیت رقابتی برای بخش غیررسمی و ترغیب به سمت این نوع از اقتصاد است. با ایده مورد نظر همگی افراد جامعه به هر نسبتی که در سازوکار ایده مطرح شد از فیلتر مالیات رد خواهند شد و امکان برون‌رفت فردی وجود نخواهد داشت و نیرویی که به موجب این سازوکار آزاد می‌شود، صرف آموزش و به خط کردن بخش اقتصاد غیررسمی می‌شود.

فرار مالیاتی در زمینه ارز، با این ایده قطعاً قابل مهار نخواهد بود و تنها راه‌حل آن بر اساس تجارب حساب‌رسانی است که در این زمینه فعالیت دارند. یک شرکت در صورت‌های مالی به تفکیک، درآمدهای ریالی و ارزی خود را بیان می‌کند؛ اما نحوه صرف و هزینه‌کرد این منابع ارزی را معمولاً بیان نمی‌کند و این یکی از مهم‌ترین عللی است که در حال حاضر دولت با عنوان کسری ارز در سامانه نیما با آن مواجه است (عدم ورود ارز شرکت‌ها به سامانه نیما).

در بحث هزینه- فرصت نیز قاعدتاً یک ایده یا طرح قبل از اجرایی شدن، نیازمند برآورد آن است. این ایده نیز مستثنا از این رویکرد نیست و به همین دلیل در قسمت اهداف طرح پیشنهادی کاملاً نقاط قوت و مزایای اجرایی شدن آن، مشخص و شفاف بیان شده است. به عنوان مثال، نخستین مورد در حمایت از تولیدکنندگان به این صورت خواهد بود که این گروه در زمان خرید مواد اولیه، ۹ درصد مالیات بر ارزش افزوده پرداخت می‌کنند پس نقدینگی جهت انجام فعالیت و شروع تولید افزایش می‌یابد. در این ایده به‌جای اخذ ۹ درصد مالیات بر ارزش افزوده در گام اول و بازپرداخت آن بعد از حسابرسی‌های طولانی و بعد از حدود یک سال و حتی بیشتر به تولیدکنندگان، اخذ ۱ درصد مالیات بر تراکنش‌های بانکی انجام می‌شود.

دومین مورد، حمایت سیاستی از اقشار کم‌درآمد است؛ که دریافت مالیات از این بخش کاهش می‌یابد. بر اساس اعلام مرکز آمار در سال ۱۳۹۹، هزینه سبد خانوار شهری تقریباً ۲۶ درصد مربوط به هزینه خوراک و دخانیات و حدود ۹ درصد مربوط به کالاها و خدمات متفرقه است. به این ترتیب، حدود ۳۵ درصد درآمد متوسط یک خانوار شهری، صرف هزینه حداقل‌ها (محصولات غذایی و ...) خواهد شد. بنابراین، ایده مورد نظر مطابق نمودار ۷ هزینه خانوار و مالیات بر تراکنش‌های بانکی را توجیه می‌کند.



نمودار ۷: هزینه خانوار و مالیات بر تراکنش های بانکی

در این ارتباط آقای عرب مازار اظهار داشت: نکته ای که در این ایده مغفول مانده آن است که طبق قانون ارزش افزوده معمولاً هر سه ماه تولیدکننده ملزم به تسویه است و چون قیمت فروش بیشتر از قیمت خرید است، پس در این بین عایدی نصیب تولیدکنندگان خواهد شد. همچنین دولت در ارتباط با کالاهای سنگین اعتباردهی انجام می دهد. کالاهای بسیاری به منظور درآمدزایی مصرف کننده مانند درمان، آموزش، غذا و کشاورزی معاف از ارزش افزوده هستند.

انجام محاسبات کمی یکی از مهم ترین اقداماتی است که در ارتباط با این ایده باید انجام شود. در گذشته به منظور تصویب و اجرای هر طرح عملیاتی سه گزارش درآمدی، گزارش اثر تورمی و در نهایت، گزارش تخصیصی انجام می شد.

در تمام کشورهای دنیا هر فرد تنها با یک کد اقتصادی شناخته می شود. به عنوان مثال در آمریکا هر فرد قبل از هر کاری لازم به تهیه و داشتن یک شماره امنیت اجتماعی^۱ است که توسط این کد، امکان انجام هر فعالیتی برای فرد وجود دارد. همچنین در ارتباط با فرار مالیاتی شرکت های ارزی گفت که در برخی از شرکت ها حتی با داده سازی و تکمیل تمامی اطلاعات بر پایه داده های کمی نادرست، امکان رهگیری فرار مالیاتی و همچنین ارزآوری یا برعکس آن وجود ندارد.

1. Social Security Number (SSN)

در نهایت ایشان با تأکید بر توجه به آخر زنجیره تولید که مصرف‌کننده و مخارج آن را در برمی‌گیرد، اظهار داشت که اخذ مالیات از تمامی سپرده‌های بانکی اقدامی نسبتاً اجباری بدون در نظر گرفتن شرایط افراد و حتی توجه به سبک زندگی و تمامی شرایط یک فرد است و این مالیات باید در انتهای زنجیره و با توجه به نوع هزینه‌ها و سایر اقدامات به‌طور اخص دریافت شود.

در ادامه، آقای معبودی پژوهشگر در ارتباط با استراتژی طرز طرح ایده در مواجهه با اخذ مالیات بیان کرد که چون بحث جایگزینی مطرح شده است، مانند از ریشه کندن یک درخت سی‌ساله و تغییر سازوکار یک سازمان پیچیده در کشور است. پیشنهاد من، طرح این ایده به عنوان یک ایده در کنار این سازوکار و به صورت آزمایشی است. پیشنهاد بعدی در ارتباط با پایین در نظر گرفتن مأخذ به صورت یک در هزار است. درصد پایین مالیات بر تراکنش، تأثیر بسزایی بر دولت و مردم ندارد.

آقای میرزایی‌نژاد نماینده امور اقتصاد کلان سازمان برنامه و بودجه، در ادامه بیان کرد امور اقتصاد کلان از هر طرح و ایده‌ای در چارچوب قانون و اصلاح روند موجود مشتاقانه استقبال می‌کند. در حال حاضر، تمامی دستگاه‌های کارت‌خوان و همچنین هر فردی که اقدام به تراکنش مالی می‌نماید، شامل مالیات می‌شود. نظام مالیات فعلی چندین سال است که در حال اجرا بوده و همواره نیز در مقاطع متفاوت جهت بهبود در روند اجرایی آن اقداماتی صورت گرفته است و تا به امروز تلاش‌های بسیاری برای آن انجام شده و با حذف آن و جایگزینی ایده مذکور به نظر اقدام مناسبی انجام نمی‌شود.

آقای علی‌عبداللهی عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، در این زمینه بیان کرد با وجود اینکه دبیر جلسه سعی در کنترل جلسه داشت؛ اما غالب جلسه به جای ایده‌پروری، ایده‌کشی بود و ایشان در حمایت از این ایده چند نکته مدیریتی را بیان نمود: اکثر حاضران، نگاه اقتصادی به ایده مورد نظر داشتند؛ در صورتی که در نگاه حکمرانی در سیاست‌گذاری مدیریت دولتی می‌توان به ایده کمک کرد.

لازم است ایده مورد نظر یک مدل رفتاری داشته باشد و در مباحث مدیریتی از نظریه عدالت، مباحثی استخراج کنند که در نتیجه لازم است بین عدالت فلسفی و عدالت ادراکی تمایز قائل شویم. به عنوان مثال، زمانی که رخدادی در سطح جامعه به صورت سراسری و همگانی به وقوع بپیوندد، در ذهن تمامی مردم عدالتی با عنوان عدالت ادراکی استنباط می‌شود و از این اتفاق، عدالت همگانی را برداشت می‌کنند. از جمله پیامدهای این اتفاق زمانی که این مدل رفتاری در جامعه اجرا شود، حتی کسانی که موافق این موضوع نیستند از احتمال سازگاری بالاتری، برخوردارند.

یکی از موارد مهمی که در نقدها دیده نشده، فرصتهایی است که ضمن اجرای این ایده در زمینه مدل‌های رفتاری مختلف می‌توان بهره‌مند شد. مدل رفتاری نظری تقویت (پاداش و تنبیه) که یکی از ۴۹ مدل رفتاری شناخته شده است که همکاران اقتصاددان تنها به این مورد اشاره کردند.

نکته دوم، لحاظ نمودن تفکر سیستمی در ارزیابی ایده مورد نظر است، به این صورت که آیا ایده مورد نظر با سازوکار کنونی وضعیت مملکت و جامعه تناسبی دارد یا خیر؟ به نوعی با اجرایی شدن این ایده تا چه اندازه امکان همراهی و یکدست شدن مردم وجود دارد؟ از قدیم‌الایام بیشتر مردم به تجارت و خریدوفروش مشغول بوده‌اند و به همین دلیل، اخذ مالیات بر تراکنش مالی بسیار راحت‌تر از هر نوع مالیات دیگری خواهد بود.

مورد سوم را می‌توان تفکر استراتژیک نام برد، یعنی زمانی که یک ایده مطرح می‌شود تمامی راه‌حل‌ها، راهکارها و سناریوها را بیان نمی‌کند؛ اما کلیت آن، نشان‌دهنده تعداد زیادی ابتکار عمل خواهد بود.

آقای یدالله دیوسالار پژوهشگر مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری صحبت‌های خود را با بحث معافیت‌های مالیاتی آغاز کرد. ایشان در مورد صحبت‌های ارائه‌دهندگان مبنی بر اینکه هیچ نوع معافیت مالیاتی وجود ندارد، متذکر شد که اتفاقاً در تمامی کشورهای مورد مطالعه از قبیل استرالیا، آرژانتین، پرو، اکوادور، برزیل، کلمبیا و هند معافیت‌های مالیاتی گسترده وجود دارد.

ایشان در مورد فرار مالیاتی بیان کرد که مالیات بر تراکنش‌های بانکی از طریق تغییر ساختار تراکنش‌ها، اختلالاتی را نیز در بخش مالی ایجاد می‌کند. افرادی که تمام تراکنش‌های خود را به صورت نقدی یا تهاتری انجام دهند، مشمول این مالیات نمی‌شوند؛ بنابراین، این مالیات نوعی مالیات بر خدمات واسطه‌گری مالی است که عدم استفاده از این خدمات و یافتن روش‌های پرداخت جایگزین را تشویق می‌کند. بدیهی است، این امر با عملکرد سیستم بانکی تداخل دارد و موجب تسهیل فعالیت‌های اقتصادی مبتنی بر پولشویی نیز می‌شود.

انجام معاملات با پول نقد، انتقال دادوستدها به خارج از کشور و استفاده از ابزارهای مالی معاف از این مالیات از راهکارهای دور زدن این نوع مالیات است.

تغییر ابزار تسویه معاملات به دنبال وضع این مالیات قابل پیش‌بینی است، هرچند در کشورهایی که به سیستم بانکی خارج از کشور دسترسی ندارند، این تغییر ممکن است آهسته‌تر رخ دهد.

وضع این مالیات در کشورهای آرژانتین، اکوادور، پرو و ونزوئلا نیز به افزایش تقاضا برای پول نقد و به دنبال آن، افزایش نسبت پول نقد خارج از بانک‌ها به دارایی‌های نقد سیستم بانکی منجر شد؛ بنابراین با اعمال این نوع مالیات، ساختار تراکنش تغییر خواهد کرد. هدف بانک مرکزی تسهیل در مبادلات است که مردم پول نقد

کمتری مبادله کنند. با این اقدام مبادلات نقدی زیاد خواهد شد؛ که این موضوع در تضاد با اهداف بانک مرکزی است.

وی در مورد بهره‌وری مالیات و پایداری درآمد، نظر ارائه‌دهندگان را در مورد نحوه تعیین نرخ، تغییر نرخ و اثرات آن جویا شد. همچنین در مورد بهره‌وری مالیاتی گفت که تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد که به دنبال کوچک‌تر شدن پایه مالیاتی، درآمد مالیات بر تراکنش‌های بانکی در صورت ثابت بودن نرخ مالیاتی در طول زمان کاهش می‌یابد. از این‌رو، به‌منظور حفظ سطح مشخصی از درآمد مالیاتی، نرخ مالیات باید به‌طور مکرر افزایش یابد. از سوی دیگر، پایه مالیاتی مالیات بر تراکنش‌های بانکی، رابطه معکوسی با نرخ مالیات داشته و با افزایش نرخ مالیات، پایه مالیاتی به‌طور فزاینده‌ای فرسوده می‌شود؛ به این ترتیب، درآمد مالیات بر تراکنش‌های بانکی از ساختاری شبیه به منحنی لافر تبعیت می‌کند.

به عنوان مثال، در کشورهای آمریکای لاتین با نرخ مالیات ۰/۲ درصد، درآمد مالیاتی سال دوم به میزان ۹ درصد کمتر از درآمد مالیاتی سال نخست بوده است؛ در حالی که برای نرخ مالیات ۰/۳ درصد، درآمد مالیاتی سال دوم حدود ۳۰ درصد کمتر از درآمد مالیاتی سال نخست بوده است.

از میان کشورهای بررسی شده در پژوهش‌های مختلف کشورهای آرژانتین، برزیل، کلمبیا، اکوادور، پرو و ونزوئلا، برزیل تنها کشوری است که بهره‌وری ثابتی را در طول زمان تجربه کرده است. علت این موضوع، پایین بودن نرخ این مالیات در برزیل، پیچیده بودن سیستم بانکی این کشور و استفاده گسترده از آن در پرداخت‌ها و وضع این مالیات بر تراکنش‌های برداشت از حساب بانکی است.

همچنین ایشان در مورد تأثیر مالیات بر بخش واقعی اقتصاد اظهار داشت: از آنجاکه مالیات بر تراکنش‌های بانکی معمولاً در نرخ‌های بسیار پایین وضع می‌شود، ممکن است تصور شود این مالیات در مقایسه با مالیات‌های دیگر (مانند مالیات بر ارزش افزوده)، آثار جانبی کمتری بر فعالیت‌های اقتصادی دارد. این تصور الزاماً درست نیست، به‌ویژه در مورد کالاهایی که فرایند تولید و فروش آن‌ها مراحل متعددی دارد. در خصوص این کالاها، نرخ ناچیز این مالیات در طول مراحل تولید و فروش به یک نرخ بسیار بالاتر تبدیل می‌شود؛ بنابراین، وضع این مالیات می‌تواند به عدم استقبال از تولید چنین کالاهایی در مقایسه با کالاهایی که مراحل تولید و فروش کمتری دارند، منجر شود.

در بحث امکان‌سنجی ایده آقای دیوسالار افزود که محاسبات شما بر اساس شاپرک، خودپرداز و پایانه شعب بوده است، در حالی که درگاه‌های بسیار زیادی از جمله درگاه کیوسک، اینترنت درون بانکی، درگاه موبایل درون بانکی، تلفن‌بانک، سامانه پایا- پایای غیرشاپرکی- ساتنا- چکاوک هستند که این موارد هم باید در محاسبات آورده شود.

درواقع تمام تراکنش‌های درون بانکی و بین‌بانکی باید در نظر گرفته شوند؛ اما از نظر قانونی قابلیت اجرا ندارد، با اینکه در قانون برنامه ششم و چند قانون دیگر وجود دارد که بانک مرکزی باید دسترسی آنلاین به سامانه بانکداری متمرکز^{۲۱} داشته باشد، در صورتی که بانک‌ها مقاومت می‌کنند و اطلاعات خود را به بانک مرکزی نمی‌دهند. تنها مواردی که بانک مرکزی به آن دسترسی دارد، سامانه‌های ملی پرداخت است. اگر پولی از یک بانک به بانک دیگر منتقل شود از سامانه‌های ملی پرداخت شتاب، ساتنا، پایا و پل (پرداخت لحظه‌ای) استفاده می‌شود؛ بنابراین برای بانک بخش زیادی از تراکنش‌ها قابل مشاهده نیست، چون درون بانکی هستند. نکته اینجاست که بعضی از دسترسی‌ها فقط به صورت وب‌سرویس است که با دستور قضایی اجرا می‌شود. به عبارت دیگر، بانک‌ها زیر نظر بانک مرکزی نمی‌روند بلکه به بعضی از پرسش‌ها فقط در حد وب‌سرویس پاسخ می‌دهند که یک محیط کاملاً ایزوله است که از لیست، موجودی و سایر اطلاعات حساب‌های مشتریان در دسترس قوه قضاییه و بانک مرکزی قرار گرفته است.

در حال حاضر از تراکنش بانکی کارمزد دریافت می‌شود که به نحوی مالیات است. برای تراکنش‌های بین‌بانکی ۲۰ هزار میلیارد تومان مالیات دریافت می‌شود. از پولی که به بانک مرکزی بابت کارمزد پرداخت می‌شود، دولت ۴۰ درصد را به‌عنوان مالیات دریافت می‌کند.

اگر قرار باشد بقیه مالیات‌ها به قوت خود باقی بمانند و مالیات بر تراکنش اضافه شود، این کار امکان‌پذیر نیست. از پولی که مالیات داده شده ممکن است مالیات دریافت شود که این موضوع سرعت گردش پول را کم می‌کند و البته با وظیفه قانونی بانک مرکزی که تسهیل در مبادلات است، در تضاد می‌باشد.

آقای حسین عبداللهی عضو هیئت علمی دانشگاه شاهد و صاحب‌نظر حوزه حقوق مالیاتی، ضمن تشکر از ارائه ایده‌دهندگان اظهار داشت که اخذ مالیات از انواع اقسام تراکنش‌ها از جمله درآمدی و غیردرآمدی نه تنها ما را به سمت یک سیستم ناعادلانه سوق می‌دهد بلکه احساس ناعدالتی را نیز افزایش می‌دهد. احساس ناعدالتی ایجادشده از لحاظ مالیات مضاعفی است که می‌خواهیم از مؤدیان مالیاتی اخذ کنیم. به این معنا که از یک فعالیت مؤدی مالیاتی که به‌دفعات مالیات اخذ شده است، مجدداً مالیات دریافت نماییم.

در حال حاضر بالاترین و سخت‌ترین تراکنش‌های بانکی مربوط به حوزه املاک است. در ابتدا یک مالیات مربوط به نقل و انتقال ملک دریافت می‌شود (موضوع ماده ۵۹)، سپس یک‌بار ۵ درصد و یک‌بار ۲ درصد حسب اینکه سرقفلی داشته باشد یا خیر، اگر ملک خالی از سکنه باشد، مجدداً شامل مالیات خواهد شد و اگر ملک شامل املاک لوکس باشد، مجدداً مالیاتی با همین عنوان از مالک اخذ خواهد شد. در حال حاضر در کنار مالیات بر

تراکنش بانکی، مالیات بر عایدی سرمایه نیز مطرح است که به این صورت کاملاً نارضایتی و بی‌عدالتی به وجود خواهد آمد. حتی برای خرید خودرو، یک مالیات هنگام تعویض پلاک، اگر خودرو لوکس باشد مالیات جداگانه و همچنین برای میزان آلاینده‌گی خودرو مالیات به معنای عام آن اخذ می‌شود. آیا حس عدالت مالیاتی در نظام مالیاتی ما با ایجاد پایه جدید مالیاتی کمتر خواهد شد یا بیشتر؟

در بحث تجارت الکترونیکی نیز کاملاً با رصد پرداخت‌ها و تراکنش‌های مالی درگاه‌های پرداخت تحت نظارت بوده و امکان فعالیت این درگاه‌ها منوط به تشکیل پرونده مالیاتی آن‌ها است.

زمانی که از یک مأخذ مالیاتی یک‌بار مالیات دریافت شده است، دیگر نیاز به اخذ مجدد نیست؛ در این صورت مالیات بر عایدی سرمایه فعلی بوده که در این ایده معافیت مالیاتی در نظر گرفته شده است. در اینجا تراکنش‌ها به‌عنوان منبع و پایه مالیاتی نیست و به مثابه ابزار تشخیص مالیات که در حال حاضر وجود دارد و قانون نظام مالیات مستقیم (۲۱۹، ۲۳۰ و ۲۳۱) به آن اشاره کرده که وصول آن بر عهده سازمان امور مالیاتی است. درنهایت، ایشان مباحث خود را به این صورت جمع‌بندی کرد: به نظر می‌رسد که کلیت این ایده با اشکالات جدی مواجه است.

در ادامه آقای زمانی، کارشناس اتاق اصناف ایران گفت: زمانی که بحث معرفی^۱ FTT (مالیات معاملات مالی) و حذف VAT مطرح می‌شود، این‌ها بحث‌های انتزاعی هستند که در کنار هم آوردن آن‌ها بسیار جای بحث دارد. بحث معافیت‌ها و نحوه دادن آن‌ها بسیار جای بررسی دارد، چراکه در صورت ندادن این معافیت‌ها مشکلات اساسی تئوریک همچنان برای مالیات پابرجا خواهد بود و اگر هم معافیت بدهیم تبصره‌ها و مواد متعدد سبب خلل در اجرای روند خواهد شد. نکته بسیار مهمی که در حال حاضر باید به آن توجه شود این است که دولت ظرفیت بسیار بالایی در اخذ این‌چنین مالیات‌ها را دارد و به دلیل کسری بودجه بسیار علاقه‌مند به این نحوه کسب درآمد مالی است، در حالی که هم‌زمان باید به توانایی مردم نیز در این شرایط اقتصادی نگاه شود. آیا مردم تحمل دریافت این‌چنین مالیاتی را دارند یا خیر؟ نکته مهم دیگر در ارتباط با این موضوع، عدم شفاف‌سازی مالیات در این ایده است. اتفاقاً با این ایده نمی‌توان از تمامی اقشار جامعه مالیات اخذ کرد و این یک تفکر بسیار نادرست است. در حال حاضر تراکنش‌های بانکی بسیار شفاف بوده و کاملاً تحت نظر بانک مرکزی قابل رؤیت است، در حالی که با اجرایی نمودن این ایده، تمامی این شفافیت از بین خواهد رفت.

در جمع‌بندی آقای محمدی ابتدا بیان نمود که در این جلسات برخلاف تصور برخی که آن را ایده‌کشی قلمداد کردند، اتفاقاً کاملاً برعکس، ایده‌پروری است؛ البته که این جلسات ایده‌پروری با هدف عمق یافتن ایده تا رسیدن به طرح، توسط نظرات و پرسش‌های نخبگان، صاحب‌نظران و... کاملاً مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

همچنین جلسات ایده‌پروری به‌طور کامل برای بهره‌مندی حضار در جلسه و همچنین ایده‌دهندگان پیاده‌سازی و در اختیار آن‌ها قرار خواهد گرفت؛ اما در ارتباط با ایده مورد نظر، نکات مطرح به شرح زیر است:

۱- در اهداف طرح پیشنهادی به بالا بردن هزینه سازمان امور مالیاتی و همچنین هزینه بالای اخذ مالیات بر ارزش‌افزوده اشاره شده است که قاعدتاً عنوان کردن این مفاهیم نیازمند تحلیل‌های کمی، ارائه آمار و اطلاعات کمی است.

۲- محاسن و معایب ارزش‌افزوده در مقایسه با محاسن و معایب مالیات بر تراکنش ذکر شود.

۳- نسبت درآمدهای مالیاتی در تعدادی از کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی بیان شده است که وضعیت مطلوب و وضعیت موجود کشور به تفکیک مشخص شده است و پرسش اساسی این است که وضعیت مطلوب برگرفته از چه شاخص‌هایی است و بر چه اساسی ارقام و درصدهای مورد نظر به‌عنوان وضعیت مطلوب در نظر گرفته شده است؟ همچنین کشورهایی که در این بخش مثال زده شده است برخلاف تصور کاملاً متفاوت با این رویکرد و ایده عمل نموده و به هیچ‌عنوان این ایده در این کشورها اجرایی نشده است.

۴- همچنین برای تکمیل ایده مورد نظر مناسب است به مواردی همچون: چیستی مالیات بر تراکنش، چرایی اعمال مالیات بر تراکنش، تاریخچه آن و تجربه سایر کشورها، مأخذ آن، نرخ و نحوه محاسبه، افراد مشمول، زیرساخت‌های مورد نیاز، معافیت‌ها و... پاسخ اولیه داده شود.

۵- ایده مورد نظر در تحلیل ذینفعان، باعث کاهش فشار بر تولیدکنندگان می‌شود، آیا این ادعا اثبات شده است و آیا واقعاً در عمل نیز امکان‌پذیر خواهد بود؟

۶- همچنین تأثیرات آن بر اقشار آسیب‌پذیر چگونه خواهد بود؟

۷- آیا مالیات بر تراکنش موجب از بین رفتن استارت‌آپ‌ها و کاهش تولید کالاهای دانش‌بنیان نخواهد شد؟ در پایان آقای ملک‌پور در پاسخ به نظرات و جمع‌بندی نهایی بحث اظهار داشت که ایده مورد نظر با علم به نقدهایی که صورت گرفت و همچنین شناخت تمامی جوانب وضع موجود (مصرف‌کننده و تولیدکننده) و دغدغه دولت در زمینه کسری بودجه متولد و ارائه شد. تمامی هر آنچه تلاش شد در این گزارش و پاورپوینت ایده مطرح شود، چند جمله است که:

- در حال حاضر کشور تنها از بخش رسمی و شفاف در حال اخذ مالیات است و بخش غیررسمی که ۳۷ درصد اقتصاد ایران را شکل می‌دهند کاملاً آزاد و رها از این جریان هستند و این ایده از تمامی افراد به میزان بهره‌مندی آن‌ها از منابع مالی، مالیات اخذ می‌نماید (پایه مالیاتی گسترده).

- دوم، این ایده به کوچک و چابک‌تر شدن ساختار عریض و طویل فعلی سازمان امور مالیاتی نیز کمک می‌کند (کاهش هزینه‌های سازمان امور مالیاتی).
- درنهایت، در حال حاضر دولت با کسری بودجه زیادی مواجه است که با این ایده تا حدی می‌توان به رفع این مشکل کمک کرد.
- در اجرای این ایده چنانکه در بالا نیز مطرح شد، بحث عدالت افقی بسیار چشمگیر و مد نظر است.
- اثر تورمی را کاهش می‌دهد و در برخی موارد امکان کاهش قیمت‌ها را به دنبال خواهد داشت.

آقای ابوالحسنی اظهار داشت: ایده پیشنهادی مبتنی بر وضع موجود مطرح شده است و لازم می‌باشد که یک تور مالیاتی در جامعه گسترده شود تا همه افراد در زمینه پرداخت مالیات یکسان عمل کنند و در بخش شفافیت نیز منکر نادیده گرفتن زنجیره تأمین کالا نیستیم، در عوض به دنبال این خواهیم بود که انرژی آزادشده از این قسمت را به مالیات بر درآمد، سود و عایدی سرمایه اختصاص دهیم. قطعاً نقدهایی که در اینجا مطرح شده به دیده منت پذیرفته و به منظور پرورش ایده تا رسیدن به طرح سازنده به کار گرفته خواهد شد.

در پایان **آقای غلامی** ضمن تشکر از ایده‌دهندگان و حاضران در جلسه ایده‌پروری بیان کرد که هدف از برگزاری این نشست‌ها، ایجاد نهادی به‌عنوان حامی افراد خلاق، ایده‌دهنده و دغدغه‌مند مسائل کشور است. بنابراین، ضمن تشکر مجدد از صاحب‌نظران حاضر در نشست، از ایده‌دهندگان که با دغدغه‌مندی ایده مورد نظر را مطرح و با تدبیر ارائه و با صبوری و شکیبایی به استماع نقدها پرداختند سپاسگزاری نمود و اظهار امیدواری کرد که ان‌شاءالله این جلسه حوزه‌های پرسش‌برانگیز این ایده را تا حد ممکن روشن و شفاف نموده باشد.

۴- جمع بندی و نتیجه گیری

نظام مالیات‌ستانی کشور از بخش‌هایی که (تولیدکننده و مصرف‌کننده واقعی) به ارزش‌آفرینی در اقتصاد کمک می‌کنند با نرخ‌های بالا مالیات می‌گیرد؛ اما فعالیت‌های رانتی و سوداگری از آن مصون هستند. بنابراین لازم است سهم و تعداد پایه‌های مالیاتی در ترکیب کل درآمدهای مالیاتی به نفع بخش تولید تغییر یابد. تحلیل ذی‌نفعان از اجرای این ایده به شرح زیر است:

الف) مردم و مصرف‌کنندگان

اجرای این سیاست از دو منظر به سود مردم است:

- بار مالیاتی بخش طبقه متوسط را که بیشتر جمعیتی مزدبگیر تشکیل می‌دهند به طور محسوسی کاهش می‌دهد و موجب کمک‌های درآمدی به آنان می‌شود.
- به دلیل حذف سایر پایه‌های مالیاتی با اجرای این سیاست علاوه بر افزایش میزان درآمد خانوارها، قیمت کالاها، به خصوص اقلام خوراکی و آشامیدنی به دلیل حذف مالیات بر ارزش افزوده با ۹ درصد قیمت کمتری نسبت به قیمت‌های فعلی در اختیار مصرف‌کنندگان قرار می‌گیرد.

ب) تولیدکنندگان

- از منظر تولیدکنندگان اجرای این سیاست بار مالیاتی شرکت‌ها را به شدت کاهش می‌دهد، به طوری که این کاهش اثر مثبتی بر سودآوری شرکت‌ها خواهد داشت (نزدیک به ۱۹ درصد از درآمد شرکت ذخیره می‌شود) و فرصت‌های سرمایه‌گذاری جدیدی در پیش روی آینده شرکت‌ها قرار می‌دهد.

ج) دولت

اجرای این سیاست از نقطه نظر دولت دارای چهار نکته مثبت است:

- افزایش قابل توجه درآمدهای مالیاتی دولت با هزینه بسیار کمتر نسبت به سیاست‌های مالیات‌ستانی قبلی انجام می‌گیرد که دولت می‌تواند سهمی از این افزایش درآمد و کاهش هزینه را در جهت تکمیل و تقویت سامانه‌های آماری خود انجام دهد تا در سال‌های بعد کارایی نظام مالیاتی خود را بهبود بخشد.
- اجرای این سیاست موجب کاهش سرعت گردش پول و کاهش تقاضاهای کاذب در اقتصاد می‌شود که در برگشت منجر به کنترل تورم می‌گردد.
- به دلیل عدم تحقق مالیات بر تراکنش قبل از انجام هر تراکنشی این سیاست می‌تواند میل نهایی به پس‌انداز را در جامعه بالا ببرد. از طرفی نیز پیش‌شرط هر سرمایه‌گذاری (چه از منظر بانکی یا فردی)، افزایش میزان پس‌اندازها در اقتصاد است.

- اجرای این سیاست می‌تواند در افزایش اثرگذاری استراتژی‌های توسعه‌ای یا سایر سیاستگذاری‌های اقتصادی دولت کمک نماید، به طوری که دولت می‌تواند برای هدایت نقدینگی به بخش‌های مولد یا صنایع خاص با اعطای معافیت‌های مالیاتی، سرمایه‌گذاری در بخش‌های مورد نظر را افزایش دهد که در نهایت می‌تواند آن بخش را با رشد مواجه نماید. اما باید به دلیل جلوگیری از انجام عملیات پولشویی در این بخش‌ها ابتدا مالیات بر تراکنش از این سرمایه‌گذاری‌ها اخذ و در پایان سال مالی با بررسی نحوه سرمایه‌گذاری‌ها، میزان مالیات‌های اخذ شده بازگردانده شود.
- (د) سفته‌بازان و واسطه‌گران
- اجرای این سیاست می‌تواند تا حدودی سود حاصل از فعالیت‌های سفته‌بازی را کاهش دهد؛ اما به طور کل نمی‌تواند مانع از انجام فعالیت‌های نامولد شود؛ زیرا سود حاصل از این فعالیت‌ها بیش از یک درصد است و همچنان جذابیت انجام آن پابرجا می‌ماند. در حالی که تولیدکنندگان و فروشندگان به دلیل کاهش قیمت‌های محصولات خود ترجیح می‌دهند محصولاتی که فرایند تولید و فروش آن‌ها مراحل کمتری را طی می‌کند جایگزین محصولاتی با فرایند تولید و فروش بالا نمایند که این امر فعالیت‌های واسطه‌گری را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.
- همچنین با توجه به بررسی‌های اولیه در مورد ایده مذکور و نقد و بررسی کارشناسان در این ارتباط، اشاره به نکات زیر حائز اهمیت است:
- اخذ مالیات از تمامی سپرده‌های بانکی، اقدامی نسبتاً اجباری بدون در نظر گرفتن شرایط افراد و حتی توجه به سبک زندگی و تمامی شرایط یک فرد است و این مالیات باید در انتهای زنجیره و با توجه به نوع هزینه‌ها و دیگر اقدامات به‌طور اخص دریافت شود.
- اخذ مالیات از انواع اقسام تراکنش‌ها از جمله درآمدی و غیردرآمدی نه تنها ما را به سمت یک سیستم ناعادلانه سوق می‌دهد بلکه احساس ناعدالتی را نیز افزایش خواهد داد. احساس ناعدالتی ایجادشده از لحاظ مالیات مضاعفی است که می‌خواهیم از مؤدیان مالیاتی اخذ کنیم؛ به این معنا که از یک فعالیت مؤدی مالیاتی که به دفعات مالیات اخذ شده است، مجدداً مالیات دریافت کنیم.
- نکته مهم در ارتباط با این موضوع، عدم شفاف‌سازی مالیات در این ایده است. اتفاقاً با این ایده نمی‌توان از همه اقشار جامعه مالیات اخذ نمود؛ چراکه در حال حاضر تراکنش‌های بانکی شفاف نبوده و برخی از تراکنش‌ها خصوصاً تراکنش‌های درون بانکی برای بانک مرکزی قابل رؤیت نیست.
- برای تکمیل ایده مورد نظر مواردی همچون بیان چیهستی مالیات بر تراکنش، چرایی اعمال مالیات بر تراکنش، تاریخچه دیگر کشورها، مأخذ و نحوه نرخ محاسبه افراد مشمول باید بحث شود.
- اثرات این ایده بر استارت آپ‌ها و تولید کالاهای دانش‌بنیان بررسی شود.

- مالیات بر تراکنش‌های بانکی از طریق تغییر ساختار تراکنش‌ها، اختلالاتی را نیز در بخش مالی ایجاد می‌کند. افرادی که تمام تراکنش‌های خود را به صورت نقدی یا تهاتری انجام دهند، مشمول این مالیات نمی‌شوند؛ بنابراین، این مالیات نوعی مالیات بر خدمات واسطه‌گری مالی است که عدم استفاده از این خدمات و یافتن روش‌های پرداخت جایگزین را تشویق می‌کند. بدیهی است، این امر با عملکرد سیستم بانکی تداخل دارد و موجب تسهیل فعالیت‌های اقتصادی مبتنی بر پولشویی نیز می‌شود.
- تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد که به دنبال کوچک‌تر شدن پایه مالیاتی، درآمد مالیات بر تراکنش‌های بانکی در صورت ثابت بودن نرخ مالیاتی در طول زمان کاهش می‌یابد. از این رو، به منظور حفظ سطح مشخصی از درآمد مالیاتی، نرخ مالیات باید به طور مکرر افزایش یابد. از سوی دیگر، پایه مالیاتی مالیات بر تراکنش‌های بانکی، رابطه معکوسی با نرخ مالیات داشته و با افزایش نرخ مالیات، پایه مالیاتی به طور فزاینده‌ای فرسوده می‌شود؛ به این ترتیب، درآمد مالیات بر تراکنش‌های بانکی از ساختاری شبیه به منحنی لافر تبعیت می‌کند.
- محاسبات بر اساس شاپرک، خودپرداز و پایانه شعب بوده است، در حالی که درگاه‌های بسیار زیادی از جمله درگاه کیوسک، اینترنت درون بانکی، درگاه موبایل درون بانکی، تلفن بانک، سامانه پایا- پایای غیرشاپرکی- ساتنا- چکاوک هستند که این موارد هم باید در محاسبات آورده شود.
- در حال حاضر از تراکنش بانکی کارمزد دریافت می‌شود که به نحوی مالیات است. برای تراکنش‌های بین‌بانکی ۲۰ هزار میلیارد تومان مالیات دریافت می‌شود. از پولی که به بانک مرکزی بابت کارمزد پرداخت می‌شود، دولت ۴۰ درصد را به عنوان مالیات برمی‌دارد؛ با این ایده، وضعیت کارمزد از تراکنش‌های بانکی باید مورد بررسی قرار گیرد.

منابع

- امامی، سید حسن (۱۳۹۰). حقوق مدنی (جلد ۶)، تهران: کتابفروشی اسلامی.
- جزایری، مینا (۱۳۸۸). پولشویی و مؤسسات ملی. انتشارات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مؤسسه عالی بانکداری ایران.
- جعفرزاده، میرقاسم و حمید احمدی‌راد (۱۳۹۱). «تحلیل ماهیت حقوقی انتقال الکترونیکی وجوه با رویکرد انتقال حق»، تحقیقات حقوقی، ویژه‌نامه شماره ۹، ۱۰۰-۱۱۶.
- حاج صادقی، سعید، حمیدرضا غلام‌نیا روشن و ایمان داداشی (۱۴۰۱). «ارائه الگویی جهت ارزیابی حساب بانکی مشکوک با رویکرد تعیین آثار مالیاتی بر اساس مدل‌سازی معادلات ساختاری». پژوهشنامه مالیات. سال سی‌ام، شماره ۵۳، ۷۰-۴۵.
- رستمی، ولی و حمید فهوه‌چیان (۱۳۹۶). حقوق مالی و محاسباتی: بایسته‌های حقوقی نظام مالیه عمومی در ایران، تهران: دادگستر.
- زنگباری، ناصر (۱۳۹۴). حقوق بانکی: تسهیلات اعطایی، ضمانت‌نامه‌ها و پیگیری و وصول مطالبات (جلد ۲) تهران: جنگل، جاودانه.
- سلطان‌العلمایی، سیدمحمدهادی و منیره روان‌بخش (۱۳۹۹). «مالیات بر تراکنش‌های بانکی»، روند، شماره ۸۵ و ۸۶، ۹۹-۱۲۹.
- سنایی‌پور، هادی (۲۰۲۰). «شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی در کسب‌وکارهای کوچک و متوسط از دیدگاه کارکنان سازمان امور مالیاتی کشور: مطالعه‌ای آمیخته»، سال بیست و هشتم، شماره ۴۷.
- شمس، عبدالله (۱۳۸۹). ادله اثبات دعوا: حقوق ماهوی و شکلی، تهران: دراک.
- صیادی سومار، علی، فرشاد سبزی‌علی‌پور، حدیث نظربگی‌دهبالایی و رسمیه رادمهر (۱۳۹۷). بررسی میزان پایداری اجزاء سود در دیدگاه مبانی اقتصادی با محاسبه ضریب حساسیت هر صنعت و مقایسه آن با میزان پایداری اجزاء سود در مبانی حسابداری، بررسی‌های حسابداری، سال پنجم، شماره ۱۹، ۹۲-۶۹.
- عبداللهی، حسین (۱۳۹۹). تشخیص مالیات بر اساس تراکنش‌های بانکی در نظام حقوقی ایران. پژوهشنامه مالیات. سال بیست و هشتم، شماره ۴۸، ۸۲-۶۱.
- فرخیان، علی و عبدالله چاله چاله (۱۳۹۸). کشف تراکنش‌های مشکوک به پولشویی بر اساس الگوی بافتاری حساب‌های بانکی، دانش حسابداری، سال نوزدهم، شماره ۷۴، ۳۳۷-۳۶۸.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۳). ماهیت و اثر آماره حقوقی، مطالعات حقوقی خصوصی، شماره ۶۴، ۱۲۵-۱۵۴.
- محمدی، آزاده و محمد کاظمی‌فرد (۱۳۹۳). یک راه‌حل مبتنی بر داده‌کاوی برای مبارزه با پولشویی در پایگاه داده بانک. اولین کنفرانس داده‌کاوی در صنعت بانکداری.
- Baca Campodonico, J. F., de Mello, L. R., & Kirilenko, A. A. (2006). The rates and revenue of bank transaction taxes.

O'Reilly, P., Ramirez, K. P., & Stemmer, M. A. (2019). Exchange of information and bank deposits in international financial centres.

Pendleton, A. (2013). Admissibility of Electronic Evidence: A New Evidentiary Frontier. *Bench & Bar of Minnesota, OCT*.